

دوره
جذب
شماره ۸۴۱

همشهری

چهارشنبه
۲۷ بهمن ۱۴۰۰
سال هفدهم
صفحه ۴۸



گفت‌وگو با رضا و بیژن بتفشه خواه
پدر و پسر محبوب سینما و تلویزیون

از پدر بودن سیر نمی‌شوم

صفحه ۲۶

خانواده چندقلوهای شهرری
۹ سال در انتظار حمایت مسئولان مانده‌اند

زندگی ترش و شیرین
پنج قلوها

صفحه ۸

دست به دامان دلال‌ها
برای بستری در بیمارستان دولتی

صفحه ۲۵

مصطفی رحماندوست:
لالایی عاشورا را در محله نواب سرودم

صفحه ۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت محمد(ص)
رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدِ ، وَسَخَطُ اللَّهِ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ ؛ خَشَنُودِي
خدا در خشنودی پدر است و ناخشنودی خدا در ناخشنودی پدر .
| منتخب میزان الحکمة : ۶۱۴

مایکت

مرجع دانلود بازی‌ها و برنامه‌های اندروید

بهترین برنامه‌های کاربردی رو از مایکت دانلود کن!

myket.ir



صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری

سر دبیر:
بیام مؤمنی

دبیران تحریریه:
سروش جنابی / فرزین شیرزادی / زکیه سعیدی

تحریریه:
یوژن چهل امیرانی / مریم باقر پور

پروانه بهرام نژاد / حسن حسن زاده
فاطمه عسکری نیا / اراخه عبدالحسینی

سارا جعفرزاده / پرینا نوری
نرگس مهرانی / سمیرا باباجانپور

نریا روزبهانی / سحر جعفریان
رضا نیکتام / مریم قاسمی

زهرا بلندی / اراخه تیموری
پناه خسروی / سحر رمضانعلی پور

نصیبه سجادی
مدیر هنری:

کامران مهرزاده
منفجه آرائی:

محمد رضا محمدی ناس
میلاد قافتی:

حرفه‌چی و تصحیح:
سپهر خسرو آبادی

فهیمة نسیری
فاطمه نصیری‌ها

عکس:
نوشاد عباسی / امیر رستمی

خامد خورشیدی / امیر پناهپور
علیرضا طهماسبی / احمد سیدپور

منا عادل / محمد عباس نژاد
میرحسین خیرخواه

منشی تحریریه:
فریبا صادق زاده

آرشیو:
مقداد مهرانی

نشان:
خیابان ولی عصر، نرسیده به

پارکوی کوچه تورج پلاک ۱۴
کد پستی:

۱۹۶۶۵۳۳۸
صندوق پستی:

۲۵۹۶-۱۸۶۶۶
تلفن:

۲۳۰۲۳۱۰۰
دورنگار:

۲۳۰۲۳۲۸۸



سپید و سیاه

۴ اخبار محله

۶ در این مراکز خدمات تخصصی آموزشی، مشاوره‌ای و مهارت‌آموزی به کارآفرینان مبتدی ارائه می‌شود

توتیا؛ پشتیبان کسب و کارهای نوپا



۸ خانواده چندقلوهای شهری ۹ سال در انتظار حمایت مسئولان مانده‌اند

زندگی ترش و شیرین پنج‌قلوها

۱۰ «آبگوشت‌پزان» در زورخانه‌های مسلم بن عقیل و شهیدان «رضا چراغی» و «حسین اسداللهی» فرصتی است برای احسان به نیازمندان

از گود زورخانه تا دل کوره‌پزخانه

۱۱ با نزدیک شدن به پایان سال، پوییش «حساب دفتری» در منطقه ۸ همچنان با هدف کمک‌رسانی به نیازمندان اجرا می‌شود

حساب دفتری شما با ما

پرونده

۱۴ پراکندگی بیمارستان‌ها در تهران متناسب نیست

رنج بیماری و دشواری دسترسی به مراکز درمانی

۱۶ رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از دلایل تأخیر در ایمن‌سازی بیمارستان‌ها می‌گوید

بیشتر بیمارستان‌های تهران ناایمن و فرسوده‌اند

۱۷ «غلامرضا شریعت‌رضوی» رئیس اسبق بیمارستان فیاض‌بخش:

جنوب تهران بیمارستان کم دارد

۱۸ فرسودگی ساختمان و تجهیزات بسیاری از بیمارستان‌های شهر در مواقع بحران به دردسری بزرگ تبدیل خواهد شد

شفاخانه‌های سالخورده

۲۰ دغدغه‌ها و مشکلات مردم برای دریافت خدمات از مراکز درمانی دولتی؛ از اخذ نوبت و ویزیت تا مراحل پیشرفته درمان

دست به دامان دلال‌ها برای بستری در بیمارستان دولتی



۲۲ کمبود بیمارستان و پزشک متخصص کودکان در دوران همه‌گیری، عرصه را بر پدر و مادرها تنگ کرده است

بچه بدحالم را کجا ببرم؟

۲۴ هزینه سرسام‌آور بیمارستان‌های خصوصی دست‌بخش بزرگی از جامعه را از این خدمات کوتاه کرده است

پول بده، زنده بمان!



خیابان هنر

۲۶ گفت‌وگو با رضا و بیژن بنفشه‌خواه پدر و پسر محبوب سینما و تلویزیون

از بدر بودن سیر نمی‌شوم

۲۸ نویسنده حوزه دفاع مقدس از تجربه نوشتن درباره شهدا می‌گوید

کوتاه و شیرین مثل یک خواب بعدازظهر

۲۹ خانه‌وزه شهدا در منطقه ۱۸ به محلی برای آشنایی کهنه‌سربازان و هم‌دلی خانواده‌هایشان مبدل شده است

تماشای یادگار شهدا دل‌ها را می‌لرزاند

۳۰ گفت‌وگو با شاعر محبوب ترانه‌های کودکي و خالق شعر معروف «صد دانه یاقوت»

لالایی عاشورا را در محله نواب سرودم

۳۲ بازیگر مطرح کشورمان می‌گوید زندگی در شهرک غرب را با هیچ‌جا عوض نمی‌کند

ایران زمین؛ دوست‌داشتنی‌ترین جای دنیا



کوچه‌پسک‌وچه



۳۴ گزارشی از یک معضل اجتماعی که شهروندان منطقه ۲ را در روزهای پایانی هفته و شب‌ها به ستوه آورده است

دوردرهای لاکچری روی اعصاب سعادت‌آبادی‌ها

۳۶ بازگشایی و تعریض خیابان بهرامی و کوی زینبیه به دردر کهنه ساکنان شهرک ولی‌عصر (عج) پایان داد

طرح «کلیدبه‌کلید» قفل پروژه ۳۰ ساله را گشود

۳۷ گلایه فرزندانی‌ها از مشکلات یک طرح نیمه‌کاره

بار ترافیک چند محله روی دوش یک خیابان

۳۸ چندی پیش یک مهمان‌پذیر در میدان راه‌آهن آتش گرفت و یک نفر جان باخت

مسافرخانه‌های فرتوت

۳۹ دریاچه‌های کامپوزیتی جایگزین ۱۷۰۰ دریاچه فلزی معابر منطقه ۸ می‌شوند

ضدسرقت، ضد حادثه

۴۰ پایان‌مزا احمد چندین‌ساله واحدهای خرید و فروش ضایعات برای شهروندان منطقه ۱۵

ضایعاتی‌ها با اتابک خداحافظی کردند

۴۱ نظرسنجی برای تغییر نام محله اهالی یاخچی‌آباد نام محله‌شان را دوست ندارند

ساعت خوش



۴۲ موزه دائمی نقشه تهران حدود و ثغور پایتخت را از قرن پیش تاکنون به نمایش گذاشته است

تهرانی که بود تهرانی که هست



۴۴ آب رودخانه کن با خودش مهمانان ناخوانده‌ای به دریاچه شهدای خلیج فارس می‌آورد

همسایگی گریه‌ماهی سیاه‌گوش با لاک‌پشت دریایی

۴۵ با خواندن این گزارش به تماشای یک روستای ۸۰ ساله و یخچال طبیعی ۲۷۰ ساله‌اش بنشینید

ترش‌نبه؛ سرزمین انبه‌های ترش



دروازه تهرون

۴۶ چند روایت معتبر درباره مسجدهای کوچکی که از دیرباز در محدوده شمیران ساخته شده‌اند

خانه‌های کوچک خدا

۴۸ آستان امامزاده عبدالله (ع) روستای همسین قدمت دیرینه دارد

سلام به تو ای نواده زین‌العابدین (ع)



سر مقاله

نخستین بار کی گفتی بابا؟



فرزین شیرزادی دبیر تحریریه

آسوده‌باش و رها و به کلمه‌های ساده و روشن بیندیش و تکیه کن؛ به تک‌واژه‌های که شیرخوارگان، بنا بر سرشت رازآمیز انسانی، برای نخستین بار با معصومیتی ناب و شیرین بر زبان می‌آورند. «پدر» که‌باشی - در هر زمان و هر جای جهان - شنیدن نام عام «بابا» با ترنم نرم و ابرآسای وزشی درونی و شگفت، به شور و شوق، دلت را می‌لرزاند و به‌بند مهر بی‌بدیلی می‌کشاندت. به طرح چهره و چشم‌هایش که نگاه می‌کنی، باری دیگر دلت می‌لرزد: چقدر به پدرم شبیه است! انگار این طفلک به‌شدت نیازمند مهر و یاری، خود پدرم است که دیگر بار چشم به دنیا گشوده... و «پدر» در یاد و خاطرت زنده می‌شود. نمی‌توانی به خاطر بیابوری که چه وقت و چه روز و ساعتی برای نخستین‌بار گفته‌ای: «بابا». ولی با چرخش فرقه بزرگ سبزی که او، پدرت، برایت ساخته و با ورق خوردن برگ‌های چندین و چند تقویم به سالیان سال، کلمه‌هایی چون چتر، باران، کلاه، کیف مدرسه، بارانی ساخته می‌شوند... تصویرها در ذهنت جان می‌گیرند. از دبستان بیرون آمده‌ای و در باران ناگهانی و غرش ابر و آسمان، پدر را می‌بینی که با چتر گشوده، دوان‌دوان در پیاده‌رو می‌آید. انگشت‌های دست گرم و بزرگش را می‌گیری و دیگر نه بی‌بی از غرش ابرها داری و نه درکی از سرما و باران. فرقه سبزی‌صدا در باد می‌چرخد و تاریکی شامگاه فرو می‌افتد پشت پنجره‌ها، زیرچشمی به ساعت دیواری نگاه می‌کنی. دیرگاه است و چشم‌انتظار مانده‌ای و دلواپس که پدر چرا هنوز نیامده؟ مادر می‌گوید: «می‌دانی که اضافه‌کاری می‌کنی، نگران نباش...» فرقه سبزی‌صدا در باد شبانه خاموش می‌چرخد و صدای چرخش کلید را در قفل در می‌شنوی. پا تند می‌کنی به طرف در. پدر می‌آید و خسته می‌خندد. کمر می‌خماند و می‌بوسدت، زبری ریشش را بر گونه‌ات احساس می‌کنی و در بسوی خوش و بی‌مانند تنش، دلمشغولی‌ها و دبیران دبیرستان. نان‌های تازه را به دستت می‌دهد و تو جویده و شرمند می‌گویی: «از فردا من می‌روم نان می‌گیرم، بابا!» دستی بر موهایت می‌کشد و تو صدای چرخیدن فرقه‌های سبزی را در باد می‌شنوی و می‌دانی که صداها برگ دیگر از تقویم‌های دنیا و زمان، جا به برگی تازه داده است... تو کار می‌کنی و پدر بازنشسته شده است. پیر به نظر نمی‌رسد. با خنده می‌گوید: «حالا، تو هم که پدر شده‌ای، پسرا! چقدر این بجهات شکل خودت شده؛ رونوشت برابر اصل؛ جلد دوم است از تو که جلد اولی!» می‌گویم: «پدر جان، بهتر است بگویم جلد سوم!» می‌گوید: «چشم بر هم بزنسی، این نوه هم پدر می‌شود و صاحب جلد چهارم می‌شویم...»

اتفاق خوش

زنده باشید، جناب سرهنگ!

کنار خیابان ایستاده بودم که دیدم یک جوان آشفته کم‌توان ذهنی با ظاهری نامناسب، به هرکسی می‌رسد خواهش می‌کند دکمه بالای پیراهنش را برایش ببندد، اما شاید چون ظاهر پاکیزه‌ای نداشت، رهگذران از برآورده کردن این تقاضا اکراه داشتند و دست به سرش می‌کردند. دو-سه سروان و سرهنگ راهنمایی و رانندگی با چند سرپاز وسط چهارراه ایستاده بودند و صحبت می‌کردند. معلوم بود یکی از آنها از لحاظ درجه ارشد است، چون بیشتر به او احترام می‌گذاشتند. جوان پیریشان پا به خیابان گذاشت و به آنها نزدیک شد و از همان سرهنگی که وصفش کردم، خواست که دکمه‌اش را برایش ببندد! سرهنگ بی‌سیمش را به یکی از همکارانش داد و با دقت دکمه پیراهن او را بست و بعد از پایان کار، وسط خیابان، جلو چشم همکاران و رهگذران، به او با سلام نظامی ادای احترام کرد! جوان که اصلاً توقع این رفتار را نداشت، سینه جلو داد، راست ایستاد و به روش خودش پا جفت کرد و بعد راه افتاد به طرف پیاده‌رو. در این لحظات، لبخند و احساس غروری که توی چهره‌اش دیده می‌شد، فراموش نشدنی بود.



بعد از این قضیه با خودم گفتم کاش اس‌سم و مشخصات آن سرهنگ را یادداشت می‌کردم تا نامی از او به تحسین و تقدیر ببرم، اما احساس کردم اگر فقط به‌عنوان یک انسان با روحی وسیع از او یاد کنم شایسته‌تر است؛ زنده باشید جناب سرهنگ!

آیین خوبان

پویش «تهران؛ شهر بدون گرسنه»

از دو سال بیشتر شده که سایه کرونا بر سر کشور و پایتخت افتاده و با خسارت به کسب و کارهای مختلف، بنا به گفته فعالان حوزه اجتماعی، بر شمار گرسنگان شهر افزوده. این خبر را «حامد علیزده» می‌دهد که سال‌هاست در انجمن «طلوع بی‌نشان‌ها» کنسار جمعی از رهایی‌یافتگان از اعتیاد، می‌کوشد تا حداقل روزانه یک وعده غذا در قالب پویش «تهران؛ شهر بدون گرسنه» برای آسیب‌دیدگان و کارتن‌خواب‌ها تهیه کند. این داوطلب فعال حوزه آسیب‌های اجتماعی و دوستان بهبودیافته‌اش می‌کوشند تا با اجرای طرح‌های ابتکاری و خلاقانه و بهره‌گیری از کمک دیگر شهروندان، ضمن جلوگیری از اسراف غذاهای اضافی و ترویج این فرهنگ، غذاهای دست نخورده و باکیفیت را به دست گرسنه‌های شهر برسانند. او درباره این طرح‌ها می‌گوید: «ما از مردم، رستوران‌ها، هتل‌ها، دانشگاه‌ها و ادارات و حتی کارخانه‌ها خواستیم غذاهای اضافی خود را برای توزیع بین گرسنگان شهر به ما بسپارند. لازم بود مشارکت مردم عادی را هم در این طرح داشته باشیم، بنابراین «بانک غذا» را ایجاد کردیم و از مردم خواستیم نذرهایشان را در قالب محصولات غذایی خشک به ما بسپارند تا در ایام و مناسبت‌های گوناگون نسبت به پخت و توزیع غذا نیز بینمندان که تا به حال حتی سهمی از غذاهای نذری توزیع شده در شهر نداشتند اقدام کنیم.»



حادثه هفته

چاه در میدان بهاران بر سر کارگران فروریخت

میدان بهاران، خیابان سجاد جنوبی، فروریختن چاه در حال حفر بر سر کارگران. ۳ دقیقه پس از اینکه پیام در سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی ثبت می‌شود، مأموران ۳ ایستگاه آتش‌نشانی به همراه تجهیزات پشتیبانی به محل می‌رسند. در حاشیه خیابان، چندین حلقه چاه با فاصله‌های مشخص حفر شده؛ چاه‌ها شش‌متر عمق دارند و همه آنها به تونلی منتهی می‌شوند که محل انتقال فاضلاب است. حاضران می‌گویند زمانی که کارگران در حال کار بوده‌اند، حد فاصل بین دو چاه یکباره فرومی‌ریزد، تعدادی از کارگران در همان لحظات اولیه خود را نجات می‌دهند، اما یک کارگر زیر حجم سنگین خاک گرفتار می‌شود؛ جوانی ۲۰ ساله، با توجه به اینکه موقعیت دقیق کارگر مدفون مشخص نیست و خاک هم سست است، تلاش بی‌وقفه آتش‌نشانان ۷ ساعت ادامه می‌یابد. سرانجام وقتی آتش‌نشانان جوان افغان را بیرون می‌کشند، عوامل اورژانس فوتش را اعلام می‌کنند.



خره بین هفته

چهارراه قهوه‌خانه یافت‌آباد؛ ترافیک، بی‌ترافیک

هرکس گذرش به محله یافت‌آباد افتاده باشد، حتماً پشت‌سند سکندر راهبندان چهارراه قهوه‌خانه گرفتار شده؛ قطعی که به سبب وجود آرامستان و گلزار شهدای یافت‌آباد، درمانگاه خریه فرمانفرمایان، سازمان اوقاف و امور خیریه جنوب غرب تهران در بلوار ابراهیم‌آباد و همین‌طور دادسرای شهید مطهری، اداره‌های برق، آب و فاضلاب، گذرنامه، پلیس +۱۰ و بوستان بزرگ قائم‌عج) در بلوار معلم، محدوده‌ای پرجمع است با بار ترافیکی آزاردهنده. در چنین شرایطی، فقط یک تقاطع غیرهمسطح می‌تواند گره فروبسته راهبندان همیشگی این تقاطع را شل کند تا عبور و مرور روان شود و مردم بتوانند در خلال آمدورفت روزانه، کمی هم به اسم بانمک این چهارراه فکر کنند. شهردار منطقه ۱۸ قول داده با ساخت یک زیرگذر درست و درمان، ظرف یک سال آینده، مشکل ترافیکی چهارراه قهوه‌خانه کاملاً بر طرف شود و رانندگان عبوری محور شرق به غرب و غرب به شرق این تقاطع، بهترین شرایط ترافیکی را تجربه کنند.

گوی طلایی هفته

در پی هشدار همشهری محله بدل‌اندازان اطراف پاساژ علاءالدین دستگیر شدند

پس از انتشار گزارش هشدار آمیز همشهری محله، بدل‌اندازان اطراف پاساژ علاءالدین به دام پلیس افتادند. در آن گزارش درباره شگردهای خاص تعدادی از دستفروشان اطراف پاساژ علاءالدین برای خرید و فروش تلفن‌های همراه دست دوم و تقلبی هشدار داده شده بود. سرکلانتر هشتم پلیس پیشگیری تهران با تأیید فعالیت کلاهبرداران دستفروش نما در اطراف پاساژ علاءالدین از انجام عملیات انتظامی برای دستگیری این بدل‌اندازان خبر داد. سرهنگ «حسین مافی» توضیح داد: «شهروندان برای خرید تلفن همراه ارزان به سراغ دستفروشان می‌روند و تعدادی از کلاهبرداران با سوءاستفاده از این موقعیت، در پوشش دستفروش تلفن همراه، نقشه‌های مجرمانه خود را اجرا می‌کنند.» او با اشاره به دستگیری ۵۰ بدل‌انداز در اطراف پاساژ علاءالدین گفت: «به‌زودی طرحی جامع برای ساماندهی دستفروشان بازار علاءالدین اجرا می‌شود.» در گزارشی با تیتراژ «این گوشی‌ها ریجستری نمی‌شوند»، در مجله همشهری محله چهارشنبه ۱۳ بهمن، به فعالیت کلاهبرداری که در پوشش دستفروش در اطراف پاساژ علاءالدین به خرید و فروش موبایل‌های تقلبی می‌پردازند، اشاره شده بود. این کلاهبرداران با صحنه‌سازی و تبلیغ بابت ارزان و پرشمار بودن کالا، خریداران واقعی را برای خرید تلفن‌های همراه تقلبی ترغیب می‌کنند.



مثبت هفته

تدارک پارکینگ برای سرخه‌حصار

پارک جنگلی سرخه‌حصار در شرق پایتخت، گستره‌ای دل‌انگیز و تماشایی است که در چهار فصل سال آغوشش به روی همه اهالی شهر گشوده است؛ با بهار میزبان جمعیتی است که به استقبال شکوفه‌ها و شکفتن می‌روند و سیزدهشان را به در می‌کنند و تابستان میزبان دوچرخه‌سواران و ورزش دوستانی است که از دور و نزدیک رهسپارش می‌شوند. خیلی‌ها هم برای تماشای رنگ‌های سحرآمیز پادشاه فصل‌ها، پاییز، فقط نشانی سرخه‌حصار و باغ هزار درختش را بلدند و دل در گرو دودین ناگهانی رویاهای در زمستان سفیدرفی‌اش دارند؛ پس بی‌دلیل نیست که این محدوده را قطب گردشگری شرق تهران نامیده‌اند. این روزها خبر می‌رسد که مدیران شهر برای توسعه این ظرفیت دست به کار شده‌اند. خبر خوش این است: ظرفیت گردشگری و پارکینگ بوستان جنگلی سرخه‌حصار در فضای به مساحت ۲۷۰۰ مترمربع اجرا می‌شود. «محمدهادی علی احمدی»، شهردار منطقه ۱۳، خبر داد: «پروژه دیوارسنگی قطب گردشگری شرق تهران برای پیشگیری از جاری شدن آب و ریختن خاک به معبر مجموعه سرخه‌حصار، به طول ۲۵۰ مترمربع، در محدوده پارکینگ در سوم این بوستان جنگلی، و ۴۰۰ مترمربع در بوستان نرگس اجرایی شده است. همچنین این طرح در پارکینگ دراول سرخه‌حصار نیز در دست اجرا است و اکنون در مرحله پی‌ریزی.»



شماره بعد می‌خوانید

قرار است در این ستون هر هفته از چهره‌هایی که مهمان شماره بعدی نشریه محله هستند خیلی کوتاه بنویسیم تا شاید انگیزه‌تان برای خرید روزنامه همشهری که محله محله هم ضمیمه آن است دوچندان شود. از شما چه پنهان، ما کلی امید داریم تا شما را سر ذوق بیاوریم.

نسخه فارسی فیلم سینمایی محمد رسول‌الله (ص)، فیلمی که دست‌کم به ۱۲ زبان زنده دنیا دوبله شده است، حتی برای کارگردانش، «مصطفی عقاد»، هم جلب نظر کرد؛ چراکه صدای محکم و پرجلالت «صهرالله مدقالچی»، در نقش ابوسفیان، چیز دیگری بود و عقاد به عشق این صدا، فیلم دوبله‌شده فارسی را ۲ بار تماشا کرد و وادار به تحسین این هنر و صدای به‌یادماندنی شد. مصاحبه ما با این صدای ماندگار با بازگو کردن همین خاطره شروع شد، به تهران و محله‌هایش در سال‌های سال پیش رسید و مقایسه‌اش با امروز، اما مدقالچی در پایان از نوستالژیک‌ترین قسمت تهران یاد کرد و آرزویش را با یک آپارات قدیمی، جایی حوالی میدان منیریه پیوند داد.



از نوجوانی سودای ساختن و آباد کردن داشت و برای پشت میز نشینی ساخته نشده بود. از این‌رو با وجود اینکه در خارج از کشور کارگردانی تئاتر خوانده بود و آثار برجسته و ماندگاری چون بینوایان را روی پرده برده بود، وقتی به‌عنوان مدیر و مشاور هنری شهرداری تهران مشغول به کار شد، از دل ویرانه‌ها دو بنای ارزشمند فرهنگی و هنری ساخت، یکی خانه هنرمندان و دیگری فرهنگسرای بهمن. بی‌شک تبدیل کشتارگاه با آن مخاطرات و ناهنجاری‌های فرهنگی به نخستین فرهنگسرای پایتخت



این روزها خبر می‌رسد که مدیران استثنایی بود که با همکاری مدیریت شهری وقت توانمندی مدیری دلسوز چون او رقم خورد. در شماره پیش رو خاطرات «پهروز غریب‌پور»، هنرمند نام‌آشنای کشورمان، را از روزهای تبدیل کشتارگاه به فرهنگسرای بهمن می‌خوانید.

عکس خبر



میدان آزادی میزبان جشن ملی انقلاب با حضور نمایندگان از همه اقوام ایرانی با اجرای زنده ترانه غرور آمیز «وطنم» توسط سالار عقیلی در لورای پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران بود. در این برنامه بزرگ‌ترین آتش بازی تاریخ پایتخت تدارک دیده شده بود تا پدران و پسران در کنار مادران و دختران جشنی هیجان‌انگیز را تجربه کنند.

عدد خبر

۲۵۰۰

میلیارد تومان اعتبار برای رفع مشکل فاضلاب منطقه ۲۲ تأمین می‌شود. «علی خضریان»، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس، گفت: «مقرر شد اعتبار مورد اشاره در جلسه‌ای با حضور مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران برای رفع مشکل یادشده تأمین شود.»

۲۳۲۱

بوستان تهران در ایام الله دهه‌فجر سخنان مقام معظم رهبری و سرودهای خاطره‌انگیز روزهای پیروزی انقلاب اسلامی را پخش کردند و میزبان برگزاری مسابقات ورزشی و فرهنگی و همچنین اهدای جوایز به برندگان این مسابقات بودند.



قاب هفته

عمارت قزاقخانه تهران یکی از قدیمی‌ترین بناهای شهر تهران و نخستین ساختمان خیابان کوشک مصری است که ناصرالدین شاه دستور ساخت آن را داد، اما در زمان مظفرالدین شاه ساخته شد. در عمارت نظامی میدان مشق که به عمارت قزاقخانه معروف است در دوره پهلوی اول تغییرات بسیاری صورت گرفت.

در این مراکز خدمات تخصصی آموزشی، مشاوره‌ای و مهارت‌آموزی به کار آفرینان مبتدی ارائه می‌شود

توتیا؛ پشتیبان کسب و کارهای نوپا

زهره بلندی

در روزهای اوج گیری کرونا، وقتی مشاغل زیادی در اثر شیوع این ویروس منحوس دچار مشکل و صاحبان‌شان خانه‌نشین شده بودند زمزمه‌های شکل‌گیری مراکز حمایتی برای پایداری مشاغل آسیب‌دیده از کرونا شنیده شد. مرکز تسهیل و توسعه کسب و کار با هدف تسهیل‌گری و ارائه خدمات توسعه‌ای برای شهروندان کلانشهر تهران، به‌ویژه افراد کمتربرخوردار، برای نخستین بار مهر سال ۱۳۹۹ در منطقه ۹ راهاندازی و پس از آن ۵ مرکز دیگر هم در مناطق ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۹ به آن اضافه شد که هر یک خدمات عمومی و تخصصی در حوزه‌های کسب و کار اعم از راهاندازی و توسعه مشاغل خانگی، بسترسازی برای ایجاد و حمایت از کسب و کارهای خرد، کوچک، محلی و به‌ویژه مشاغل نوپا به شهروندان ارائه می‌کنند. در این گزارش با همراهی «محمود انصاری» معاون کارآفرینی و توانمندسازی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران با این مراکز بیشتر آشنا می‌شویم.



راهاندازی ۲ توتیای جدید

ایجاد ۲ مرکز جدید تسهیل و توسعه کسب و کار با هدف گذاری روی کلانشهرهای کشور در مناطق ۷ و ۵ یکی از اتفاقات مهم در حوزه ترویج و توسعه کارآفرینی است که معاون کارآفرینی و توانمندسازی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از راهاندازی آنها در آینده‌های نزدیک خبر می‌دهد: «در این مراکز بحث گسترش مشاغل خرد خانگی و صنایع کوچک محلی، ساماندهی و اتصال آنها به بازار فروش دنبال می‌شود. حوزه فعالیت آنها فراتر از شهر تهران است، اما نه تنها از کلانشهر تهران، بلکه از کلانشهرهای کشور هم حمایت می‌کند. به‌طور کلی تلاش همه مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار در نهایت کمک به معیشت مردم و رقم زدن اتفاقی خوب برای آنهاست و شهر وقتی برای زندگی کردن خوب است که حال مردمش خوب باشد.»



این روزها با گسترش شبکه‌های مجازی و برقراری ارتباط بدون مرز، افسردگی زیادی خودشان برای شغل آفرینی دست به کار می‌شوند و دیگر منتظر قبولی در آزمون‌های استخدامی و دعوت برای جلسه مصاحبه‌های کاری نمی‌شوند. اما راهاندازی همین کسب و کارهای خرد و شخصی که بخش زیادی از آنها در فضای خانگی شکل می‌گیرند، نیازمند کسب دانش و مهارت‌هایی است که اگر اصول‌شان آن‌طور که باید رعایت نشود، امکان شکست شغلی زیاد است. مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار با نگاه ویژه به این موضوع و با هدف حمایت از این نوع کسب و کارها، فعالیتش را از مهر سال گذشته برای نخستین بار در منطقه ۹ آغاز کرد تا به ارائه خدماتی همچون شبکه‌سازی کارجویان و کسب و کارهای محلی، توسعه زنجیره ارزش، ایجاد صندوق‌های خرد محلی، ارتقای مهارت جمعی و هم‌رسانی‌های مختلف زنجیره ارزش و روش‌های جدید بازاریابی و فروش برای مشاغل خرد و خانگی و... بپردازد. این مدل ارائه خدمت، خوشبختانه خیلی زود در مناطق دیگر هم شکل گرفت و اکنون ۲ مرکز در منطقه ۷ و در هریک از مناطق ۱۰، ۱۱ و ۱۹ یک مرکز «توتیا» فعال است.

«محمود انصاری» معاون کارآفرینی و توانمندسازی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران نگاه ویژه‌ای به این مراکز دارد و شکل‌گیری آنها را تلاش برای رفتن به سمت اقدامات پیشگیرانه از آسیب‌های اجتماعی در آینده می‌شمارد: «شکل‌گیری چنین مراکزی اقدامی برای توسعه کارآفرینی، ارتقای سطح فن‌آوری، افزایش اشتغال، تولید دانش فنی و تولید و توزیع متوازن درآمد در جامعه است که می‌تواند افزایش تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی جامعه را در بر داشته باشد و در نهایت پیشگیری از خطرات و آسیب‌های اجتماعی را به همراه بیاورد.»

حمایت از کسب و کارهای خرد محلی

قبل از مهر سال ۱۳۹۹ مراکز رشد و شتاب‌دهنده در مناطق مختلف در حوزه خدمت‌رسانی به کسب و کارهای نوپا یا استارت‌آپ‌ها فعالیت داشتند. با راهاندازی مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار، مدلی طراحی شد که خدمات متنوعی را به همه مردم شهر به‌خصوص کارجویان و دارندگان کسب و کارهای خرد، محلی، خانگی و نوپا ارائه می‌کند. معاون کارآفرینی و توانمندسازی اجتماعی که متولی اصلی موضوع کارآفرینی در تهران است در خصوص فعالیت این مراکز اطلاعات خوبی دارد: «این مراکز با هدف آموزش و ارتقای توانمندی‌های شهروندان با همکاری تسهیلگران و توانمندسازی محله‌محور شکل گرفته‌اند که ارائه مشاوره تخصصی در حوزه کسب و کار، راهاندازی و توسعه مشاغل خانگی، ترغیب شهروندان به عضویت در گروه‌های محلی و بهره‌مندی از خدمات مرکز، ایجاد زمینه اشتغال برای افراد نیازمند و خانواده‌های کمتربرخوردار، حمایت از کسب



بزرگ‌ترین مرکز توتیای تهران کجاست؟

مرکز توتیای منطقه ۱۹ با هزارمتر مساحت بزرگ‌ترین مرکز توتیا در شهر تهران است که ظرفیت ارائه خدمات آموزشی به حداقل ۱۲۰ نفر را دارد. در این مرکز که توسط یکی از کارآفرینان موفق کشور اداره می‌شود علاوه بر واحدهای مشاوره حقوقی، کارآفرینی و بیمه و مددکاری، ۶ کارگاه، سالن بزرگ و یک کلاس مجهز نیز وجود دارد که ایجاد فضایی با تجهیزات کامل برای تولید محتوای استارت‌آپ‌های جامعه محلی، راهاندازی کافه کسب و کار به‌عنوان باتوقی برای بیان ایده‌ها، برپایی بازارچه‌های خوداشتغالی و... جزء برنامه‌های مهمی هستند که قرار است در این فضاها اجرا شود. اولویت استفاده از خدمات این مرکز برای ساکنان منطقه ۱۹ است، اما دیگر مناطق هم می‌توانند از خدمات آن بهره‌مند شوند. حضور بنکدارهای بزرگ بازار میوه، پرده، اسباب‌بازی و... در منطقه ۱۹ از ویژگی‌های مهم این منطقه است و صاحبان این مشاغل می‌توانند راهنمای خوبی برای کسب و کارهای نوپا باشند و از سوی دیگر خودشان در طرح آموزش جامع صنفی محله قرار بگیرند.



نشانی مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار فعال در تهران

- مرکز فرآینک منطقه ۷: چهارراه نظام‌آباد، نبش کوچه پیرانی «مرکز توسعه بازار و فروش»
- مرکز توتیا منطقه ۷: خیابان نظام‌آباد، خیابان حسینیان، سرای محله نظام‌آباد، طبقه ۴
- مرکز توتیا منطقه ۹: خیابان آرژندی، انتهای بلوار استاد معین، نبش خیابان دستقیب
- مرکز توتیا منطقه ۱۰: خیابان قزوین، خیابان عرب، خیابان پهلوانی، ضلع شمالی بوستان ۲۲ بهمن
- مرکز جهش منطقه ۱۱: کنار گذر بزرگراه شهید نواب صفوی، جنوب به شمال، بالاتر از بریانک شرقی، نبش کوچه قطب شهرک شریعتی خیابان مهران، روبه‌روی خیابان نیکوییان



داریان، در این صندوق شهروندان بدون نیاز به این موارد و خودشان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی که با ایده و تعهد اخلاقی قرار است ایجادکننده شغل باشند، متقاضی دریافت وام می‌شوند. جالب است که در این مراکز خدمات آموزشی هم و مشاوره‌ای و مهارت‌آموزی هم به مراجعه‌کنندگان ارائه می‌شود، در هریک از بخش‌های مختلف کسب و کار از آموزش مباحث



می‌دهند، «مراکز جهش» براساس نوع مخاطب و جامعه هدف تقسیم می‌شود و از کسب و کارهای نوپا یا استارت‌آپ‌ها، مشاغل سیار و بی‌کانون یا کارگران فصلی و ساختمانی و... حمایت می‌کند که نمونه‌اش در منطقه ۱۱ فعال است. این مرکز با مناطق مشارکت و همکاری یک شرکت خلاق و استارت‌آپی راهاندازی شده که خدماتی مانند مهارت‌آموزی، مهارت‌افزایی و اتصال به بازار برای افراد ایجاد می‌کند. مرکز دیگری نیز با عنوان «مراکز تکاپو» برای ارائه خدمات براساس رشته شغلی در دستور کار این سازمان قرار دارد که در حال برنامه‌ریزی و اقدامات اولیه برای راهاندازی آن با مشارکت انجمن صنایع‌دستی هنرمندان کشور در منطقه ۱۷ هستیم.»

«مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار با هدف استفاده بهینه از زیرساخت‌های شهرداری در برخی مناطق دارای زیرساخت مناسب ایجاد می‌شوند و برخی قابلیت ساخت چنین مرکزی را ندارند. به همین دلیل تمرکز می‌کند در مناطق مختلف شهر قرار گرفته‌اند علاوه بر ارائه خدمات به ساکنان همان منطقه به مناطق همجوار و هریک از مناطق شهر هم خدمات ارائه می‌کنند. برای مثال ساکنان مناطقی همچون مراکز ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ از امکانات مرکز توتیای منطقه ۱۹، بزرگ‌ترین مرکز توتیای تهران استفاده می‌کنند.» او درباره نوع عملکرد این مراکز می‌گوید: «نظر دادن درباره دستاوردهای مراکز تسهیل و توسعه کسب و کار آن هم طی این مدت کوتاه کار راحتی نیست، اما در همین مدت زمان هم مرکز توتیا منطقه ۱۰ خدمات قابل توجهی به جوانان و نوجوانان این منطقه و مناطق همجوار ارائه کرده و از سوی دیگر مرکز منطقه ۱۱ خدمات شایسته‌ای به قشر زحمتکش کارگران فصلی و ساختمانی و صاحبان مشاغل سیار و بی‌کانون ارائه کرده است.»

مرکز توتیا، آماده خدمت‌رسانی به همه اقشار

منطقه‌ای همچون منطقه ۷ دارای ۲ مرکز تسهیل و توسعه کسب و کار است، اما در برخی مناطق دیگر هنوز هیچ مرکزی راهاندازی نشده است. انصاری این مراکز را مناسب برای استفاده همه شهروندان می‌داند:

خانواده چندقلوهای شهری
۹ سال در انتظار حمایت مسئولان مانده‌اند

زندگی ترش و شیرین پنج‌قلوها

▀ رابعه تیموری

سینما و رسانه



قوانین بر زمین مانده

در سال ۱۳۹۲ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، لایحه «حمایت از خانواده‌های دارای چندقلو» را به مجلس ارائه داد تا با تصویب مجموعه‌ای از سیاست‌های تشویقی، برای افزایش نرخ باروری و بالا رفتن جمعیت قدم مؤثری برداشته شود. بر اساس این لایحه قرار بود مادران این کودکان از بسته‌های مراقبت‌های بهداشتی، درمانی و تغذیه‌ای بهره‌مند شوند و والدین کارمند دولت از حق اولاد خاص استفاده کنند. همچنین قرار بود زنان دارای چندقلو از تسهیلات مالی بهره‌مند شوند و در بخش مسکن تسهیلاتی به آنها داده شود تا دغدغه سرپناه نداشته باشند. بر اساس گزارشی که تاکنون منتشر شده، این لایحه گرگشا در همان سال از وزارت رفاه به کمیسیون فرهنگی دولت فرستاده شده، اما در مرحله تصویب و اجرا عقیم مانده است. در مصوبات اخیر مجلس و دولت برای حمایت از چندقلوها به تصویب رسانده، قرار گرفتن خانواده دارای چندقلو در ۳ دهک پایین جامعه به‌عنوان مهم‌ترین شرط برخورداری از حمایت‌های نهادهای مختلف قید شده که امکان از قلم افتادن تعداد زیادی از خانواده‌های چندقلو را قوت می‌بخشد. خانواده یوسفی نمونه‌ای از این خانواده‌هاست که با وجود نداشتن شرایط اقتصادی مناسب جزو دهک‌های واجد شرایط قرار نگرفته است.

موقع تماشای تلویزیون هر چند بگویم که بچه‌ها برای انتخاب کانال بالا بگیرد، امیرعلی و امیرحسین از دیدن کارتون جنگی و بز بزن کوتاه نمی‌آیند، فاطمه و زینب هم باید همه کانال‌ها را زیر و رو کنند تا ببینند کدام کانال سریال خانواده دکتر ارنست یا کلبه عموپورنگ را پخش می‌کند. در این میان فقط نازنین‌زهر می‌تواند غائله انتخاب کانال تلویزیون را بخواباند. هسان چند دقیقه زودتر به دنیا آمدن، نازنین‌زهر را حسابی بزرگ کرده و کمک حال مادر است. صبح‌ها تا مادر دور تخت‌خواب بچه‌ها بپلکد و بیدارشان کند، نازنین‌زهرها سفره صبحانه را چیده و لقمه‌های رنگ تزئین قل‌های خوابالو را توی کیف‌شان گذاشته است. اگر هم یکی از قل‌ها دل‌شان بگیرد یا پدر و مادر غصه‌ای داشته باشند آبی بزرگه زودتر از همه می‌فهمد و آنقدر دورشان می‌چرخد تا حال‌شان بهتر شود. حواس نازنین‌زهرها بیشتر از همه به زینب است. دختر نازک‌دل و زودرنج خانواده یوسفی است و چشم‌های معموش خیلی زود خیس می‌شود، اما دوست دارد در آینده یک پلیس مخفی بر دل و جرئت شود.

پشت هم هستیم

فاطمه در سربزه سر گذاشتن با برادرهایش کم نمی‌آورد، ولی از اینکه خدا او و ۴ خواهر و برادرش را با هم به دنیا آورده، خوشحال است و با لحن شیرین کودکانه می‌گوید: «خواهر و برادر داشتن خیلی خوبه. ما همیشه پشت همیم و همدیگرو تنها نمی‌ذاریم.» امیرحسین، کوچک‌ترین قل است، ولی باباحمد و ریحانه خانم توقع دارند امیرحسین هوای خواهرهایش را هم داشته باشد. امیرعلی قل بازیگوش پنج‌قلوهاست و اگر دخترها موقع خاله‌بازی برادرهای‌شان را به اتاق خود راه ندهند، نقشه‌های بکری می‌کشد که مجبور شوند با او و امیرحسین هم بازی کنند. امیرعلی ریاضی را فوت آب است و شب امتحان ریاضی مثل یک اقامعلم درست و حسابی اشکالات ریاضی خواهر و برادرهایش را رفع می‌کند.



بازنده خوشحال

امیرعلی دوست دارد آتش‌نشان شود و عاشق بازی‌های پرهیجان است، ولی می‌داند پدر و مادر نمی‌توانند برایش اسباب‌بازی‌های مهیج و گران‌قیمت مثل پلی استیشن بخرند. امیرعلی با همه بازیگوشی، حواسش به جیب پدر و مادر هست و دلش نمی‌خواهد آنها برای شاد کردنش به زحمت بیفتند. باباحمد صبح زود از خانه بیرون می‌زند و شب دیر وقت برمی‌گردد، ولی تا به خانه می‌رسد پنج‌قلوهای دوستداشتنی دور بابا را می‌گیرند و با شیرین‌زبانی‌های خود خستگی را از تنش در می‌کنند. آخر شب هم همیشه وقت کشتی گرفتن باباحمد و پسرهایش، ولی باباحمد حتی وقتی امیرحسین و امیرعلی با یک فن جاتانه فیتیله‌پیش می‌کنند، از باختن خود ناراحت نمی‌شود و از غش و ریسه رفتن‌های شاد پسرهای برنده‌اش لذت می‌برد. فرزندان خانواده یوسفی فقط ۹ سال دارند، اما پخته‌تر و بزرگ‌تر از سن‌شان هستند و صبوری و ملاحظه را خوب یاد گرفته‌اند.

حسرت‌های کودکانه

آنها در کلاس چهارم درس می‌خوانند و نشستن پای کلاس آنلاین با تبلت مشترکی که صاحبکار بابا به آنها هدیه داده، کار آسانی نیست، ولی سعی می‌کنند مادر متوجه نشود برای بهتر شنیدن صدای خانم معلم یا زودتر فرستادن تکالیف‌شان چه دروس‌هایی دارند. حجم اینترنتی هم که مادر برای درس و مشق‌شان می‌خرد انگار حباب است و صرفه‌جویی بچه‌ها

خانواده و صاحبکارم حامی من بودند

در طول ۹ سالگی که از تولد بچه‌ها می‌گذرد، خانواده ریحانه خانم و احمدآقا کمک حال‌شان بوده‌اند و زینب ۳ سال اول زندگی‌اش را در خانه عمو و فاطمه در کنار مادر بزرگش گذرانده است. هنوز هم نزدیکان و اطرافیان‌شان هوای‌شان را دارند و آنها را تنها نمی‌گذارند. احمدآقا می‌گوید: «اگر کمک‌های خانواده من و همسرم نبود، نمی‌دانم ما این ۹ سال را چطور می‌گذرانیم. من در یک شرکت تولید لوله‌های پلی‌اتیلن کار می‌کنم و حقوق معمولم به زحمت کفاف زندگی یک خانواده ۳،۲ نفری را می‌دهد، اما از زمان تولد بچه‌ها صاحبکارم واقعا برادرانه پشتم ایستاده و با کمک‌هایش حمایت کرده است. اگر صاحبکارم دستم را نمی‌گرفت خانواده‌ام هیچ‌وقت از کابوس آجارنشینی خلاص نمی‌شد.» ریحانه خانم با وجود مشغله‌های ریز و درشتی که در خانه دارد، جزو انجمن اولیا و مربیان مدرسه بچه‌هاست و زمان زیادی را برای رسیدگی به تحصیل آنها صرف می‌کند تا آینده روشنی داشته باشند.



برای پربرکت کردن آن ثمری ندارد. پنج‌قلوها هیچ‌وقت گلابه نمی‌کنند که چرا مثل بقیه بچه‌های فامیل و همسایه اسباب‌بازی‌های رنگارنگ ندارند یا چرا همیشه باید مثل آدم بزنند و به اندازه جیب تنگ و ترش باباحمد رخت و لباس و کتاب و دفتر بخزنند، ولی ریحانه خاتم همه این حرف‌های ناگفته‌ای را که توی دل کوچک پنج‌قلوها هوار شده می‌داند و مانند همه مادرها آرزو دارد بچه‌های عاقلش بدون این غصه‌های ریز و درشت بچگی کنند و شاد باشند.

وعده‌های بی‌سرانجام

ریحانه خانم از بدقولی‌های بعضی از مسئولان گلابه دارد و می‌گوید: «۱۶ فروردین سال ۱۳۹۱ که پنج‌قلوها به دنیا آمدند، بسیاری از مسئولان شهری وعده دادند که از پنج‌قلوها حمایت می‌کنند و در تأمین هزینه‌های زندگی ما را تنها نمی‌گذارند، ولی در عمل این‌طور نبود و به قول و وعده‌های خود عمل نکردند. مثلاً پوشاک و شیرخشک سهمیه پنج‌قلوها نصب کسانی شد که کارت سهمیه دارند و شیرخشکی که به دست ما می‌رسد مارک‌های متفرقه بود که بچه‌ها نمی‌توانستند استفاده کنند یا در شهریه سرویس مدرسه بچه‌ها که هزینه بالایی است، هیچ‌وقت تخفیفی به ما داده نشد. هیچ‌وقت تخفیف استفاده از امکاناتی مثل شهر بازی شامل پنج‌قلوهای ما نشده و آنها از چنین تفریحاتی محروم هستند.»

سینما و رسانه



«آبگوشت‌پزان» در زورخانه‌های مسلم بن عقیل و شهیدان «رضا چراغی» و «حسین اسداللهی» فرمتی است برای احسان به نیازمندان

از گود زورخانه تا گاهل کوره‌پزخانه

مریم قاسمی

ورزشکاران رشته باستانی ۲ زورخانه مسلم بن عقیل و شهیدان جهادگر «رضا چراغی» و «حسین اسداللهی» پنجشنبه و جمعه هر هفته، ضیافت ساده و بی‌ریایی با عنوان «آبگوشت‌پزان» در جنوب تهران برگزار می‌کنند. زورخانه مسلم بن عقیل در محله یافت‌آباد است و اعضای آن را قهرمانان و پهلوانان رشته باستانی تشکیل می‌دهند. این زورخانه زیر نظر ناحیه بسیج مسلم بن عقیل اداره می‌شود. زورخانه جهادی شهیدان «رضا چراغی» و «حسین اسداللهی» هم در محله خلیج‌فارس قرار گرفته است. بانای اصلی هر دو مراسم، قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران است که اهداف خیرخواهانه دارد. ▶

«قهرمانی و پهلوانی، دو روی یک ورزش»

آیین نیکوکارانه آبگوشت‌پزان در زورخانه مسلم بن عقیل قدمتی ۱۵ساله دارد. بسیجیان ناحیه مسلم و قهرمانان رشته‌های ورزشی باستانی و کشتی، آخر هر هفته، برای پخت آبگوشت استسین بالا می‌زنند تا بهانه‌ای برای کار خیر در محله‌شان فراهم کنند. معمولاً در این مراسم اتفاقات خوبی می‌افتد و افراد نیکوکاری که از نقاط مختلف

تهران به این زورخانه می‌آیند، مشتاق می‌شوند تا در انجام امور خیرخواهانه در جنوب شهر با آنان همکاری کنند. سرهنگ «علی‌اصغر صفری»، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج مسلم، می‌گوید: «زورخانه فضای مناسبی برای رونق بخشیدن به امورخیرخواهانه دارد. ورزشکاران در کنار پرداختن به ورزش، گوشه‌چشمی هم به مرگه‌گشایی از مشکلات مردم دارند، چون بر این

«وقتی باستانی‌کاران پای کار می‌آیند»

ورزشکاران زورخانه مسلم برای ترویج فرهنگ ورزش در نقاط مختلف منطقه، به‌ویژه در

باورند که قوی ساختن جسم و جان و کسب عناوین قهرمانی و مدال‌های رنگین یک وجه از این رشته ورزشی و وجه دیگر آن پایبندی به اصول و مرام پهلوانی و کمک به نیازمندان است.»

بوستان‌ها و مکان‌های روباز اقدام به برگزاری ورزش زورخانه‌ای می‌کنند. ورزشکاران باستانی‌کار بیشتر وقت‌ها لباس بسیج به تن دارند و با انجام حرکات نمایشی با میل باستانی و کباده و... توجه نوجوانان و جوانان را به این رشته ورزشی جلب می‌کنند. انجام ورزش باستانی در نقاط منتخب، یکی از برنامه‌های ورزشکاران زورخانه مسلم است، اما تدارک جشن آبگوشت‌پزان در محل زورخانه آنها را در فضایی صمیمی‌تر گرد هم جمع

فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران: پیست و مقام تا پشت در زورخانه

اعضای زورخانه شهدای جهادگر «رضا چراغی» و «حسین اسداللهی» از همه طیف‌ها و گروه‌ها هستند، اما در بین آنها تعداد جهادگرانی که افتخاری با قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران همکاری می‌کنند، بیشتر است. «محمدجواد قربانی»، فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران، می‌گوید: «ورزشکاران این زورخانه در چند حوزه به مردم خدمت می‌کنند. از بازسازی و تعمیر رایگان خانه نیازمندان تا کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان سیل و زلزله در نقاط مختلف کشور. پهلوانان واقعی این افرادند چون پیست، مقام، تحصیلات عالی و... را پشت در قرارگاه و زورخانه جا می‌گذارند و مانند کارگر ساده برای تعمیر خانه محرومان عرق می‌ریزند.» مراسم آبگوشت‌پزان در زورخانه شهدای جهادگر محله خلیج‌فارس پنجشنبه و جمعه هر هفته به راه است. به همت نیکوکاران، حدود هزار تا ۱۵۰۰ کاسه آبگوشت طبخ و با خودرو به نقاط دورافتاده و محروم شهر تهران از جمله کوره‌پزخانه‌ها منتقل و با اکرام و احترام توسط جهادگران بین مردم توزیع می‌شود.



نخستین درس؛ دستگیری از محرومان

فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران درباره علت انتخاب محل زورخانه مسلم بن عقیل برای طبخ و پخت آبگوشت نذری و توزیع آن بین نیازمندان می‌گوید: «نخستین درسی که از ورزش زورخانه‌ای می‌آموزیم، افتادگی، مردمداری و تلاش برای کمک و دستگیری از نیازمندان است. یعنی همه در کنار ساختن زور بازو، باید به پرورش روح و جان هم توجه داشته باشند. انتخاب زورخانه مسلم نیز به این علت است که طبق آداب و رسم پهلوانان رشته باستانی، فرصتی برای خدمت به فقرا پیدا کنیم؛ همان فرهنگی که مولای‌مان حضرت علی(ع) پایه‌گذار آن بوده است.»



پخت آبگوشت نذری ۱۵ سال سابقه دارد

ضیافتی که ورزشکاران زورخانه شهدای جهادگر و اعضای قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران برای خدمت به محرومان تدارک دیده‌اند، باعث شده تا فضای صمیمانه‌ای در محله ایجاد شود. قربانی می‌گوید: «هریک از اعضای قرارگاه در برگزاری مراسم آبگوشت‌پزان، وظیفه و مسئولیتی دارند. از بانوانی که مسئول تهیه و پاک کردن حیوانات و سبزی هستند تا افرادی که برای پخش آبگوشت پای پیاده در کوره‌پزخانه‌ها به راه می‌افتند.»

فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران درباره تاریخچه این مراسم در منطقه ۱۸ می‌گوید: «حدود ۱۵ سال از رسم آبگوشت‌پزان در محله یافت‌آباد می‌گذرد، اما چند وقت است که به خواست مردم و ورزشکاران ساکن در محله خلیج‌فارس، این سنت ماندگار را به زورخانه شهدای جهادگر نیز آورده‌ایم تا ۲ محلی در منطقه ۱۸ برای برگزاری این مراسم وجود داشته باشد.»

آشنایی نسل جوان با فرهنگ پهلوانی

اعضای قرارگاه جهادی محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران از همه طبقات اجتماعی هستند. از روحانیون و طلبه‌های جوان حوزه‌های علمیه گرفته تا آموزگار مدرسه، استاد دانشگاه، نخبه علمی و فرهنگی از دانشگاه‌های شاخص ایران، از جمله صنعتی شریف و تهران، در کنار کارگر، کارمند، کاسب و بازاری. در این بین، نباید از قهرمانان و پهلوانان رشته باستانی و ورزش زورخانه‌ای غافل باشیم. حضور این افراد، که بین مردم جایگاهی اجتماعی دارند، باعث می‌شود که برنامه‌هایی مثل مراسم آبگوشت‌پزان با شور و اشتیاق بیشتر اجرا شود. گروه جهادی و محرومیت‌زدایی جنوب غرب تهران خیلی تلاش کرده تا نسل جدید را با رشته ورزش باستانی و فرهنگ پهلوانی آشنا کند. فرمانده قرارگاه جهادی در این باره توضیح می‌دهد: «اجرای برنامه ورزش باستانی در فضای باز با حضور قهرمانان رشته‌های مختلف از جمله میل‌زنی، کبادکشی و... باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان، این رشته ورزشی اصیل و فرهنگی را بیشتر بشناسند و برای ورزش زورخانه‌ای بیشتر ترغیب شوند.»





با نزدیک شدن به پایان سال، پویبش «حساب دفتری» در منطقه ۸ همچنان با هدف کمک‌رسانی به نیازمندان اجرا می‌شود

حساب دفتری شما با ما



۱۰۰

خیر ر به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم در پویبش حساب دفتری شرکت دارند.

۲۰

سوپرمارکت در منطقه ۸ در حال حاضر میزبان پویبش حساب دفتری هستند.

سید خرید نیازمندان کوچک شده

از زمان شیوع کرونا تاکنون بسیاری کارها از جمله مشاغل روزمزد با رکود مواجه شده‌اند. این درحالی است که در این میان قشر کم‌برخوردار فشار زیادی متحمل می‌شوند. «محسن منفرد» کاسی است که از حدود یک سال پیش اجناس نسبیه در اختیار افراد نیازمند می‌گذارد. در این باره می‌گوید: «متأسفانه با وضعیت فعلی اقتصادی، سید خانواده‌های نیازمند کوچک‌تر شده است. آنها در حد تأمین چند قلم کالای ساده به سوپرمارکت مراجعه می‌کردند و گاهی ماه‌ها طول می‌کشید همان مبلغ ناچیز را با من تسویه کنند. در این شرایط تنها کمکی که از دستم برمی‌آید این بود که اجناس نسبیه به آنها می‌دادم و می‌گفتم هر وقت پول داشتند تسویه کنند. اوایل این افراد به سختی می‌توانستند در طول یک ماه مبلغ خریدشان را بپردازند و وقتی شرایط را این‌گونه دیدم به آنها پیشتر فرصت دادم. خوشبختانه با ورود خیران به تسویه حساب دفتری نیازمندان، نیازمندان زیادی به من، مراجعه و تسویه خرید می‌کنند و خیران حساب آنها را می‌پردازند.»



چرا دسترسی به بیمارستان‌ها و خدمات بیمارستانی در پایتخت دشوار است؟

چالش درمان

اگر چه کمبودهای حوزه درمان با همت خیریه‌ها و برپایی درماتگاه‌ها و کلینیک‌ها در محله‌های مختلف تاحدودی برطرف شده است، اما دسترسی سهل‌الوصول به بیمارستان و دریافت خدمات بیمارستانی هنوز با اما و اگرهایی، به‌ویژه در جنوب شهر، مواجه است.

این مشکل آنگاه مضاعف می‌شود که از اقشار متوسط و کم‌برخوردار صحبت به میان می‌آید: آنها می‌گویند با همه دردسرها و دشواری‌ها، چاره‌ای جز مراجعه به بیمارستان‌های پرازدحام دولتی ندارند، چراکه برداخت هزینه‌های درمان در بخش خصوصی، به‌ویژه در روزهای اخیر، برای این طبقه که در دو، سه دهه اخیر، فقط شاهد افزایش کمی بیمارستان‌های خصوصی بوده‌ایم و داشته‌هایمان در حوزه بیمارستان‌های دولتی ساخت، به‌جز بیمارستان میلاد، تقریباً مربوط به قبل از انقلاب است که آنها هم در این مقطع با مشکل فرسودگی بنا و تجهیزات دست و پنجه نرم می‌کنند.

در پرونده این شماره، پراکندگی بیمارستان‌ها در تهران را بررسی کرده و فقر مطلق برخی مناطق را یادآور شده‌ایم. کارشناسان و مسئولان این حوزه نیز بر کمبود واحدهای بیمارستانی، به‌ویژه در جنوب شهر، صحنه گذاشته‌اند. در عین حال، نوع امکانات و خدمات در بیمارستان‌های لاکچری خصوصی و در دسترس‌های مراجعه و گرفتن خدمات از بیمارستان‌های دولتی را هم مقایسه کرده‌ایم.

سارا جعفرزاده

تابلوی کوچک «نسبیه نداریم» سال‌هاست بر دیوار بسیاری از سوپرمارکت‌ها و مغازه‌های شهر نقش بسته است، اما در تکه هشتم پایتخت پویبش فرهنگی و خیرخواهانه‌ای در حال اجراست که اتفاقاً افراد بی‌بضاعت و نیازمند می‌توانند در محله نسبیه، خرید و خیران حساب دفتری آنها با سوپرمارکت‌ها را تسویه کنند. حدود یک سال است که فرهنگسرای گلستان با همت جمعی از خیران مجری این طرح است و در این زمینه تاکنون موفق عمل کرده و تعداد زیادی از سوپرمارکت‌ها و خواربارفروشی‌های منطقه ۸ به این پویبش پیوسته‌اند. جالب اینکه بر تعداد خیران این طرح هم روز به روز اضافه می‌شود. در آستانه نزدیک شدن به پایان سال اجرای این طرح همچنان در همه محله‌های منطقه ۸ به‌ویژه محله‌های نارمک، فدک و لشکر و تسلیحات در حال اجراست.

شناسایی خانوارهای بی‌بضاعت

نخستین گام در اجرای طرح پویبش «حساب دفتری» شناسایی سوپرمارکت‌ها و مغازه‌های خواربارفروشی است که اجناس نسبیه به افراد کم‌برخوردار فروخته‌اند. «رعنا نصرزاده» دبیر کل خیریه بانوان نصر و یکی از مجریان پویبش، می‌گوید: «این طرح حدود یک سال است که در مناطق ۴ و ۸ در حال اجراست و با نزدیک شدن به شب‌عید نیازهای معیشتی خانواده‌های کم‌بضاعت هم طبیعتاً افزایش پیدا می‌کند. نخستین اقدامی که ما در این طرح انجام می‌دهیم مراجعه به سوپرمارکت‌ها برای شناسایی افراد نیازمند است. در واقع هیچ‌کس مانند کاسبان به وضعیت معیشت اهالی محله آگاه نیست. کاسبان با توجه به اینکه در قلب محله حضور دارند افراد بی‌بضاعت به وسیله آنها راحت‌تر شناسایی می‌شوند. البته شناسایی نیازمندان از راه‌های مختلف انجام می‌شود؛ مانند سرراهی محله، معتمدان، اطرافیان و دوستان. هر فرد خانواده‌های نیازمندی را که می‌شناسد به ما معرفی می‌کند. ما هم با بررسی وضعیت معیشتی این افراد به‌صورت حضوری، نامشان را وارد فهرست حساب دفتری می‌کنیم.»

فرستی برای خیران با توان مالی متوسط

برخی تصور می‌کنند برای کمک به افراد نیازمند باید توان مالی بالایی داشت، اما در اجرای طرح حساب دفتری مرفه بودن شرط لازم برای کمک به افراد نیازمند نیست. «مهدی انصاری» یکی از خیران حدود ۶ ماه است که به سوپرمارکت‌ها، مراجعه و حساب‌دفتری بی‌بضاعت‌ها را تسویه می‌کند. او می‌گوید: «من یک کارمند ساده هستم. همیشه تصور می‌کردم برای کمک به افراد نیازمند باید وضع مالی خودم بسیار خوب باشد، اما یکی از مزیت‌های طرح خیرخواهانه حساب دفتری این است که هر شخص با هر توان مالی می‌تواند به نیازمندان کمک کند. افراد بی‌بضاعت با توجه به شرایطشان زندگی را به ساده‌ترین شکل ممکن می‌گذرانند و فقط به دنبال تأمین نیازهای اولیه خود از جمله خوراک هستند و قطعاً افراد با توان مالی متوسط می‌توانند حساب دفتری آنها را که خیلی مفصل نیست تسویه کنند. در واقع این پویبش یک فرصت است که هر فرد با توان مالی متوسط با شرکت در آن نیازمندان دستگیری کند.»

اولویت با تأمین نیازهای قطعی

یکی از ایراداتی که در زمینه کمک به افراد بی‌بضاعت وارد است هدفمند نبودن کمک‌هاست. در واقع کمک به افراد نیازمند باید با توجه به نیاز آن فرد باشد. نصرزاده در این باره می‌افزاید: «ما از ابتدای سال سعی کرده‌ایم خانواده‌هایی را که به‌صورت جدی با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند در اولویت طرح حساب دفتری قرار دهیم و از طرفی تأمین نیازهای اولویت‌دار افراد را برعهده گرفته‌ایم. به‌عنوان مثال، اگر خانواده‌ای به نان شبش محتاج است و برای تأمین مواد غذایی مشکل دارد ابتدا در زمینه تأمین پوشاک برای آن خانواده ورود نمی‌کنیم؛ بلکه تمام تمرکز خود را بر تأمین مواد غذایی آنها می‌گذاریم.» نصرزاده از تسویه حساب دفتری در محدوده منطقه ۴ هم می‌گوید: «خیران ما صرفاً حساب دفتری شهروندان منطقه ۸ را تسویه نمی‌کنند، بلکه در منطقه ۴ هم حساب دفتری افراد بی‌بضاعت تسویه می‌شود. اگر کسانی در مناطق همجوار هم باشند، خیران برای کمک پیشقدم هستند.»

برنامه‌ریزی برای لباس عید نیازمندان

«در صورتی که خیر تمایل داشته باشد به افراد بی‌بضاعت معرفی می‌شود.» این جمله را نصرزاده می‌گوید و تأکید می‌کند: «بیشتر خیران تمایل ندارند شناسایی شوند. ما هم اصراری نداریم تا عزت نفس نیازمندان حفظ شود. اما اگر خیری بخواهد ارتباط بیشتری با خانواده نیازمندی که حسابش را تسویه کرده است داشته باشد، آنها را به یکدیگر معرفی می‌کنیم. خوشبختانه در زمینه تسویه حساب دفتری افراد بی‌بضاعت تاکنون به مشکلی برخوردیم. خودم در حد توان به این افراد کمک می‌کنم و از طرفی با یک شبکه خیران در ارتباط هستیم. البته پویبش حساب دفتری صرفاً مربوط به تأمین مواد غذایی و سوپرمارکتی نیست و خیران در زمینه اسباب ضروری مانند بخاری، یخچال و حتی لباس گرم هم می‌توانند فعالیت کنند. در فصل سرما تعدادی از مددجویان را به فروشگاه‌هایی که از قبل شناسایی شده‌اند، مراجعه و لباس گرم تهیه کنند تا خیران مبلغ را حساب کنند برای تأمین لباس عید نیازمندان هم برنامه‌ریزی کرده‌ایم.»

پراکندگی بیمارستان‌ها در تهران
متناسب نیست

رنج بیماری و دشواری دسترسی به مراکز درمانی

ابوذر چهل امیرانی

اواپل انقلاب تعداد بیمارستان‌های تهران متناسب با جمعیت سه میلیونی پایتخت بود و پراکندگی معقولی هم داشت، اما با توسعه شهر و مهاجرت مردم از روستاها و شهرهای مختلف به پایتخت، لزوم ساخت مراکز درمانی بیشتر احساس شد. با وجود این کاستی، اقدام چندانی برای ساخت بیمارستان‌های جدید در تهران انجام نشده و کمبود بیمارستان به مشکل بسیاری از مناطق بیست و دوگانه پایتخت تبدیل شده است. از طرف دیگر، ناعدالتی در توزیع این مراکز درمانی هم دیده می‌شود و برخی از مناطق دارای چند بیمارستان هستند و برخی دیگر هم سهمی از این مراکز نبرده‌اند. در این گزارش، ضمن آشنایی با پراکندگی بیمارستان‌ها در مناطق مختلف تهران، با بیمارستان‌های خاص آشنا می‌شوید.

اگرچه قبل از شیوع ویروس کرونا گلابه‌هایی از کمبود مراکز درمانی در مناطق شنیده می‌شد، اما توجه چندانی به پراکندگی نامناسب بیمارستان‌ها در مناطق بیست و دوگانه پایتخت وجود نداشت، اما در این ۲ سال، بسیاری از شهروندان به این وضع واکنش نشان دادند و توجه مسئولان هم به آن جلب شده است. براساس آمار، منطقه ۶ بیشترین بیمارستان‌ها را در خود جای داده؛ اکنون ۲۸ بیمارستان در این منطقه فعال است. مناطق ۳ و ۱۲ هم به ترتیب با ۱۶ و ۱۷ بیمارستان، در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند، اما مناطق ۸، ۹، ۱۷، ۲۱ و ۲۲ هر کدام یک بیمارستان دارند و در این مناطق دسترسی مردم به خدمات متنوع بیمارستانی چندین رضایتبخش نیست.

پراکندگی بیمارستان‌های تخصصی

در بعضی از مناطق تهران، بیمارستان‌هایی ساخته شده که به افراد خاص خدمات می‌دهند. به همین دلیل، از دیگر مناطق پایتخت متمایز شده‌اند. به‌عنوان مثال، بیمارستان‌های ایران تهران (نواب

صفوی سابق) در منطقه ۲۱ و ایرانیان در منطقه ۲۲ از بیمارستان‌های روانپزشکی پایتخت محسوب می‌شوند. بیمارستان اعصاب و روان رضایی در منطقه یک، جانبازان در منطقه ۲، صدر در منطقه ۳، آزادی در منطقه ۵، میمنت در منطقه ۱۰، روزبه در منطقه ۱۱ و رازی در منطقه ۲۰ هم به شکل تخصصی، خدمات روانپزشکی ارائه می‌کنند یا اینکه یکی از بخش‌های مهم آنها، به این حوزه درمانی اختصاص یافته است. به همین دلیل، اگر ساکنان تهران به خدمات چنین بیمارستان‌هایی نیاز پیدا کنند، مجبورند به این مناطق مراجعه کنند. این در حالی است که بخشی از مراجعان این مراکز را بیماران شهرهای دیگر تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر، تجهیزات و تخت‌های آنها

کافی نیست و گاهی اوقات خانواده‌ها در نوبت طولانی برای بستری بیمارشان قرار می‌گیرند.

سهم زنان از بیمارستان‌های تخصصی

همه بیمارستان‌های پایتخت بخش ویژه بستری بانوان دارند، اما ۹ بیمارستان در شهر تهران وجود دارد که مختص زنان و زایمان است. ۲ بیمارستان در مناطق ۳ و ۱۲ به این قشر از افراد خدمات می‌دهند و مناطق ۵، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۵ هر کدام یک بیمارستان دارند. در بین این مراکز، بیمارستان شهید اکبرآبادی در خیابان مولوی، قدیمی‌ترین بیمارستان به حساب می‌آید که هم‌روزه ده‌ها نفر از بانوان جنوب شهر در این مرکز وضع حمل می‌کنند. برخی از بیمارستان‌ها هم که به بانوان خدمات می‌دهند، خصوصی هستند و پرداخت هزینه آنها از عهده همه خارج است.

کمبود بیمارستان‌های سوانح و سوختگی

گفته می‌شود بیش از ۸ میلیون نفر در مناطق مختلف تهران زندگی می‌کنند و حدود ۵ میلیون نفر هم هم‌روزه از شهرهای اطراف وارد پایتخت می‌شوند. با وجود این، برای این تعداد جمعیت بیمارستان‌های تخصصی سوانح و سوختگی چندانی وجود ندارد. بیمارستان‌هایی که به‌صورت تخصصی در این حوزه فعالیت دارند، بیمارستان شهدای یافت‌آباد و شهید مطهری نام دارند که به ترتیب در مناطق ۱۸ و ۶ قرار دارند. البته در همین بیمارستان‌ها نیز به همه مصدومان نمی‌توان خدمات داد و مصدومان سوختگی کمتر از ۴۰ درصد در بیمارستان شهدای یافت‌آباد و مصدومان بیش از ۴۰ درصد سوختگی در بیمارستان

شهید مطهری پذیرش می‌شوند. این بیمارستان‌ها در مناسبت‌های خاصی از سال مثل چهارشنبه‌سوری، مملو از مراجعه‌کننده می‌شوند و به گفته مسئولان اورژانس تهران، حداقل باید در ۴ طرف پایتخت چنین بیمارستان‌هایی ساخته شود. البته یک مرکز بیمارستانی نیز در غرب تهران در حال ساخت است و مرکز سوانح و سوختگی رازی در منطقه ۱۱ هم به بخشی از مراجعان خدمات می‌دهد.

دسترسی سخت به بیمارستان کودکان

خانواده‌های تهرانی به محض بیمار شدن فرزندان خردسال خود، با دغدغه زیادی مواجه می‌شوند؛ چراکه تعداد بیمارستان‌های تخصصی کودکان در پایتخت کم و دسترسی به آنها نیز برای همگان آسان نیست. ضمن اینکه هزینه بستری و درمان کودکان در برخی از بیمارستان‌ها نیز به دلیل خصوصی بودن بالاست. اکنون بیمارستان‌های طبی کودکان و کودکان تهران در منطقه ۶، بیمارستان‌های حضرت علی اصغر (ع) و مفید در منطقه ۳، بیمارستان شهید فهمیده در منطقه ۱۱ و بیمارستان کودکان بهرامی در منطقه ۷ به‌صورت تخصصی به کودکان خدمات می‌دهند. از اول دی امسال هم بخش اطفال در بیمارستان خیریه غیائی راهاندازی شده است. این بیمارستان در منطقه ۱۸ قرار دارد.

نبود بیمارستان خصوصی در جنوب تهران

بیمارستان‌های خصوصی با تجهیزات مناسب و به‌روز به کمک بیمارستان‌های دولتی آمده و از جمعیت مراجعان آنها کاسته‌اند، اما چنین بیمارستان‌هایی در مناطق جنوبی شهر وجود ندارد. مسئولان و سرمایه‌گذاران بیمارستان‌های خصوصی، با وجود اینکه قیمت زمین در مناطق جنوبی شهر کم است، تمایلی به ساخت مرکز درمانی در این مناطق ندارند و عنوان می‌کنند ساکنان توانایی پرداخت هزینه‌هایشان را ندارند. این در حالی است که تعداد بیمارستان‌های دولتی هم در این مناطق کم و اهالی را دچار مشکل کرده است.





رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از دلایل تأخیر در ایمن‌سازی بیمارستان‌ها می‌گوید

بیشتر بیمارستان‌های تهران نایمن و فرسوده‌اند

رابعه تیموری

سال گذشته پس از آتش‌سوزی کلینیک «سینا مهر» که منجر به از دست رفتن ۱۹ تن از هموطنانمان شد، از مجلس شورای اسلامی تا شورای شهر تهران و وزارت بهداشت دست به کار شدند تا با بررسی‌های کارشناسی و وضع قوانین جدید برای ایمنی بیمارستان‌ها و سایر مراکز درمانی شهر چاره‌ای ببندیشند. در تب و تاب این اتفاق، قوانین جامعی نوشته و تصمیماتی گرفته شد که اگر به مرحله اجرا می‌رسید، شاید موضوع پراهمیت ایمن‌سازی بیمارستان‌های شهر تهران بار دیگر به فراموشی سپرده نمی‌شد. «حسینعلی شهریاری» رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی معتقد است تغییرات مدیریتی سبب بر زمین ماندن قوانین مصوب و غفلت از پیگیری این موضوع شده است. شهریاری در این گفت‌وگو به پرسش‌های ما درباره کمیبود و نایمنی بیمارستان‌های شهر تهران پاسخ داده است.

«پس از آتش‌سوزی کلینیک سینا مهر سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اعلام کرد که ۴۳۱ مرکز درمانی نایمن در تهران شناسایی شده است. چه اقداماتی انجام شده تا اتفاق کلینیک سینا مهر در دیگر مراکز نایمن شهر تکرار نشود؟ در زمان وقوع این اتفاق که به ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی و شکایت از عملکرد وزارت بهداشت وقت هم رسید، برای ایمن‌سازی مراکز درمانی قوانین جامعی به تصویب رسید و نهادهای ذی‌ربط مکلف شدند مقدمات اجرای این قوانین را به وجود آورند.

«قوانینی که به تصویب رسیدند، اجرایی شدند؟ متأسفانه خیر، جابه‌جایی دولت و به دنبال آن تغییر مدیران باعث شد اجرای قوانین به تأخیر بیفتد. شیوع کرونا هم در ایمنی

تأخیر بی‌تأثیر نبود، ولی امیدوارم دولت کنونی در اجرای این قوانین جدیت نشان دهد. «برای ایمن‌سازی بیمارستان‌ها چه موانعی وجود دارد؟ تجهیز بیمارستان‌ها و افزایش امکانات ایمنی بیمارستان‌های تهران به اعتبار قابل توجهی نیاز دارد. مثلاً تجهیز سیستم سرمایشی و گرمایشی بیمارستان امام خمینی (ره) حدود ۴۰ میلیارد تومان اعتبار لازم دارد. با تخصیص این میزان اعتبار هم مشکلات بیمارستان حل نمی‌شود و سیستم برق، گاز و

تأخیر بی‌تأثیر نبود، ولی امیدوارم دولت کنونی در اجرای این قوانین جدیت نشان دهد. «برای ایمن‌سازی بیمارستان‌ها چه موانعی وجود دارد؟ تجهیز بیمارستان‌ها و افزایش امکانات ایمنی بیمارستان‌های تهران به اعتبار قابل توجهی نیاز دارد. مثلاً تجهیز سیستم سرمایشی و گرمایشی بیمارستان امام خمینی (ره) حدود ۴۰ میلیارد تومان اعتبار لازم دارد. با تخصیص این میزان اعتبار هم مشکلات بیمارستان حل نمی‌شود و سیستم برق، گاز و

کاملاً درست است. نمونه این مسائل نه تنها در تهران، بلکه در شهرهای دیگر کشور هم دیده می‌شود. مثلاً در زلزله اهر، هریس و ورزقان آذربایجان شرقی که زلزله بزرگی هم نبود، بیمارستانی تازه‌ساز فرو ریخت، در حالی که خانه‌های خشتی و گلی اطرافش خراب نشدند یا در زلزله کرمانشاه بیمارستان تازه‌ساخت سر پل ذهاب تخریب شد. این اتفاقات نشان

می‌دهد بر ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نظارت جدی وجود ندارد که در زمان بروز حوادث، بی‌شک عواقب غیرقابل جبرانی به بار خواهد آورد. «یکی از مشکلاتی که در ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی جدید به چشم می‌خورد، محدود بودن فضای باز است و بنای بسیاری از این مراکز بیشتر از آنکه برای دایر کردن بیمارستان قابلیت داشته باشند، برای فعالیت مجتمع‌های اداری و تجاری مناسب هستند. به نظر شما این موضوع در زمان بروز حوادث مشکلی ایجاد نمی‌کند؟ این معماری نامناسب زمینه گسترش و انتقال بیماری‌ها را فراهم نمی‌کند؟

در شهر تهران آنقدر شهرفروشی و تراکم‌فروشی شده که برای ایجاد سرنانه‌های خدمات عمومی کمیود فضا داریم. البته اداره بیمارستان‌ها و مراکز درمانی که به‌صورت طبقاتی ساخته شده‌اند، از نظر اقتصادی مقرون به‌صرفه‌تر است و به همین دلیل سرمایه‌گذاران بخش درمان هم به اداره چنین مراکز رغبت بیشتری دارند. متأسفانه معماری بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هر روز بیشتر به این سمت می‌رود. بیمارستان‌هایی که در دهه‌های گذشته ساخته شده‌اند، از نظر نقشه و امکانات بنا شرایط مطلوب‌تری دارند، ولی معماری بنای بسیاری از بیمارستان‌هایی که در دهه‌های اخیر بنا شده‌اند، با کارکرد آنها تناسب زیادی ندارد.

«بسیاری از بیمارستان‌هایی هم که در سال‌های اخیر بنا شده‌اند، با اصول ایمنی مطابقت ندارند. نمونه آن هم مجتمع بیمارستانی تازه‌تأسیس امام خمینی (ره) در میدان توحید است که کارشناسان نایمن بودن آن را هشدار داده‌اند. به نظر شما سن ساختمان‌ها برای سنجش استحکام و مقاومت آنها معیار مناسبی است؟

کاملاً درست است. نمونه این مسائل نه تنها در تهران، بلکه در شهرهای دیگر کشور هم دیده می‌شود. مثلاً در زلزله اهر، هریس و ورزقان آذربایجان شرقی که زلزله بزرگی هم نبود، بیمارستانی تازه‌ساز فرو ریخت، در حالی که خانه‌های خشتی و گلی اطرافش خراب نشدند یا در زلزله کرمانشاه بیمارستان تازه‌ساخت سر پل ذهاب تخریب شد. این اتفاقات نشان

می‌دهد بر ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نظارت جدی وجود ندارد که در زمان بروز حوادث، بی‌شک عواقب غیرقابل جبرانی به بار خواهد آورد. «یکی از مشکلاتی که در ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی جدید به چشم می‌خورد، محدود بودن فضای باز است و بنای بسیاری از این مراکز بیشتر از آنکه برای دایر کردن بیمارستان قابلیت داشته باشند، برای فعالیت مجتمع‌های اداری و تجاری مناسب هستند. به نظر شما این موضوع در زمان بروز حوادث مشکلی ایجاد نمی‌کند؟ این معماری نامناسب زمینه گسترش و انتقال بیماری‌ها را فراهم نمی‌کند؟



فرسوده‌ترین بیمارستان‌های شهر تهران

بر اساس اعلام معاونت درمان وزارت بهداشت، بیمارستان‌های زیر فرسوده‌ترین بیمارستان‌های شهر تهران هستند.

بیمارستان رازی: که زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار دارد و در سال ۱۳۱۲ تأسیس شده، فرسوده‌ترین بیمارستان پایتخت به شمار می‌آید.

بیمارستان فیروزآبادی ری-تهران: این بیمارستان تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران فعالیت می‌کند و سال ۱۳۱۳ تأسیس شده است. **بیمارستان امام خمینی (ره):** زیرنظر دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار دارد و سال ۱۳۱۳ تأسیس شده است. **بیمارستان بهارلو:** با نظارت دانشگاه علوم پزشکی تهران فعالیت می‌کند و سال ۱۳۱۸ آغاز به کار کرده است.

بیمارستان امیراعلم: زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی تهران فعال است و سال ۱۳۱۹ ساخته شده است.

بیمارستان روزبه: این بیمارستان را هم دانشگاه علوم پزشکی تهران اداره می‌کند. بیمارستان روزبه سال ۱۳۱۹ تأسیس شده است.

بیمارستان اشرفی اصفهانی: این بیمارستان زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی فعالیت می‌کند و ۱۳۲۰ سال تأسیس آن است.

بیمارستان ۱۵ خرداد: تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و سال ۱۳۲۰ فعالیت خود را آغاز کرده است.

بیمارستان طرفه: زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و سال ۱۳۲۰ تأسیس شده است.

بیمارستان لولاگر: تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران فعالیت می‌کند و سال ۱۳۲۵ آغاز به کار کرده است.

رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران: سلامت شهر و شهروندان در گرو افزایش سرانه درمانی جنوب و شرق تهران

به گفته «مهدی بیرهادی» بیشتر بیمارستان‌های تهران در مرکز و شمال شهر و بخشی از آن در غرب تهران قرار گرفته است. این عضو شورای شهر تهران در گفت‌وگو با همشهری به کمیبود بیمارستان و پایین بودن سرانه درمانی جنوب و شرق تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: «مردم این مناطق برای دریافت خدمات درمانی مجبورند به مناطق برخوردار شمال، مرکز و غرب تهران مراجعه کنند که این امر با توجه به تراکم جمعیت مناطق جنوبی و شرقی در افزایش سفرهای درون‌شهری پایتخت نقش قابل توجهی دارد.» رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران ساخت بیمارستان و مراکز درمانی در جنوب و شرق تهران را برای رساندن سرانه‌های درمانی به نقطه مطلوب ضروری می‌داند و می‌گوید: «در دسترس بودن امکانات درمانی در کاهش سفرهای درون‌شهری تأثیرگذار است و کاهش آلودگی هوا و تأمین سلامت شهروندان را به دنبال دارد.» بیرهادی به نایمن بودن ساختمان‌هایی که بیشتر از ۴ دهه عمر دارند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «در ساختمان بیمارستان‌هایی که پیش از دهه ۶۰ ساخته شده‌اند، اصول ایمنی و مهندسی رعایت نشده و استحکام لازم را ندارند. این بناها در زمان بروز زلزله ناپایدار و نایمن هستند.»

«غلامرضا شریعت‌رضوی» رئیس اسبق بیمارستان فیاض‌بخش:

جنوب تهران بیمارستان کم دارد

ابوذر چهل امیرانی

دکتر «غلامرضا شریعت‌رضوی»، رئیس اسبق بیمارستان‌های شهید فیاض‌بخش، هدایت و شهید شریعت‌رضوی، معتقد است که پراکندگی بیمارستان‌ها در مناطق بیست و دوگانه پایتخت مناسب نیست. او که پیش از پیروزی انقلاب مدیر کل بهداری بوده و مدتی هم در کمیته ضد خرابکاری از سوی ساواک بازداشت شده است، از تمرکز بیمارستان‌ها در برخی نقاط شهر از جمله مناطق شمالی پایتخت رضایت ندارد و عنوان می‌کند که جنوب‌شهری‌ها با کمیبود سرانه‌های درمانی مواجهند و باید ساخت بیمارستان در این مناطق آغاز شود. با او که برادر «پوران شریعت‌رضوی»، همسر دکتر «علی شریعتی»، و برادر شهید «مهدی شریعت‌رضوی» است، در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

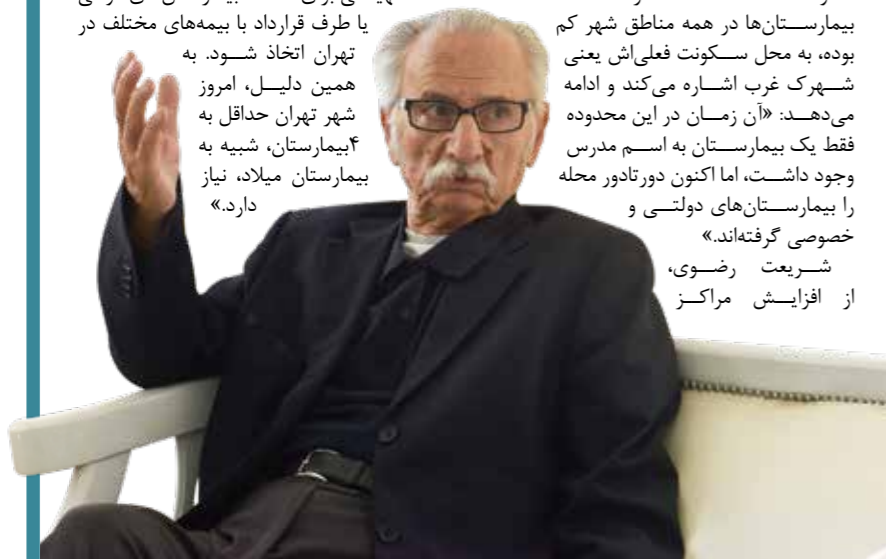
بهداشتی و درمانی رضایت دارد، اما می‌گوید: «ساخت بیمارستان بسیار خوب است، اما باید به پراکندگی یکسان آنها در شهر توجه شود. خوشبختانه با افزایش بیمارستان‌ها شاهد افزایش سطح و کیفیت بهداشت و درمان هستیم، اما متأسفانه بیشتر این بیمارستان‌ها در شمال شهر ساخته شده‌اند و جنوب پایتخت هنوز هم با مشکلات زیادی در این حوزه مواجه است. کاش در محله‌های جنوبی شهر هم، مثل شمال تهران، بیمارستان ساخته می‌شد. اکنون ساکنان مناطق جنوبی پایتخت مجبورند برای استفاده از خدمات مراکز بهداشتی و درمانی، مسافت و هزینه زیادی متحمل شوند و ترافیک سنگین خیابان‌ها را به جان بخرند تا به بیمارستان‌ها برسند. چه بسا ممکن است در همین مسیر جان بیمارمان به خطر بیفتد.»

به گفته او، هزینه‌های درمان برای مداوی برخی از بیماران سنگین است و لازم است تمهیداتی برای ساخت بیمارستان‌های دولتی یا طرف قرارداد با بیمه‌های مختلف در تهران اتخاذ شود. به همین دلیل، امروز شهر تهران حداقل به ۴ بیمارستان، شبیه به بیمارستان میلاد، نیاز دارد.»

آخرین بیمارستان محل خدمت دکتر «غلامرضا شریعت‌رضوی» در جنوب تهران، محله مهرآباد جنوبی، بوده است؛ بیمارستانی که به نام برادر شهیدش نامگذاری شده بود. به همین دلیل به خوبی از کاستی‌ها و فقر مراکز بهداشتی و درمانی در جنوب شهر اطلاع دارد. دغدغه‌های این پزشک پیشکسوت درباره این موضوع به حدی است که در کتابی با عنوان «خاطرات یک پزشک عوضی»، به مضرات و مشکلات کمیبود مراکز درمانی و نبود لوازم پزشکی در درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها اشاره کرده است. او می‌گوید: «اگرچه اکنون برخی از مناطق، به‌خصوص محله‌های جنوب شهر با کمیبود مراکز درمانی مواجهند، اما نسبت به گذشته وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند. سال‌ها پیش، کار درمان خیلی سخت بود و بیماران زیادی به خاطر کمیبود تجهیزات و کادر درمانی جان خود را از دست می‌دادند.»

او که معتقد است در گذشته تعداد بیمارستان‌ها در همه مناطق شهر کم بوده، به محل سکونت فعلی‌اش یعنی شهرک غرب اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «آن زمان در این محدوده فقط یک بیمارستان به اسم مدرس وجود داشت، اما اکنون دوازده محله را بیمارستان‌های دولتی و خصوصی گرفته‌اند.»

شریعت‌رضوی، از افزایش مراکز



طبق آماري که وزارت بهداشت در بررسی فضاهای درمانی تهران به دست آورد و حتی وزیر بهداشت سابق هم اعلام کرد، نیمی از بیمارستان‌ها نایمن و غیرمقاوم هستند و قدیمی بودن بنا، یکی از علت‌های ذکر شده برای این عارضه است. بیشتر این بیمارستان‌ها در محله‌های قدیمی شهر واقعند، از آن جمله می‌توان به بیمارستان‌های مناطق ۷، ۱۱، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ اشاره کرد. برای نمونه، ۱۱ بیمارستان در منطقه ۷ وجود دارد که به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران این منطقه، بیشترشان وضعیت مطلوبی

ندارند و بیمارستان امام حسین(ع) بیش از بقیه نیاز به رسیدگی دارد. به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران، سازه‌های ایمنی این بیمارستان با وجود مراجعه زیاد بیماران، مناسب نیست و تجهیزات کافی ندارد. مقاوم نبودن سازه ساختمانی، فرسودگی آسانسورها، نقص سیستم تأسیساتی و کهنگی سیستم سیم‌کشی از مواردی است که این بیمارستان را نایمن کرده است. سیستم اطفای حریق این بیمارستان هم کامل

نیست و با اینکه نسبت به دیگر بیمارستان‌های فرسوده شهر جوان‌تر است، اما قدم زدن در کریدور آن حسن ناخوشایندی به مراجعان القا می‌کند. در طبقه زیرزمین این بیمارستان، راهرو باریکی با سقفی کوتاه و روشنایی کم وجود دارد که هنگام تردد در آن، مراجعان احساس نامنی می‌کنند.

نبود پله فرار در بیمارستان‌های قدیمی
از منطقه ۱۲ به‌عنوان طهران قدیم یاد می‌شود و محله‌هایش در زمان شکل‌گیری پایتخت ساخته شده‌اند. به همین دلیل، بیمارستان‌های این منطقه هم قدیمی‌اند و به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران، ایمنی کافی ندارند. به‌عنوان مثال، بیمارستان رازی سال ۱۳۱۲ ساخته شده و بیمارستان طرفه هم عمری ۸۲ ساله دارد. شکل‌گیری بیمارستان

سینا هم به عهد ناصری برمی‌گردد و اگرچه ظاهر برخی از این مراکز درمانی در منطقه ۱۲ نوین‌تر است، اما برطرف‌کننده شکل اتاق‌ها، پنجره‌ها و کریدورهای این بیمارستان‌ها، خبر از قدیمی بودنشان می‌دهد و متأسفانه برخی از آنها فاقد پله فرار هستند. سیم‌کشی، تأسیسات و آسانسورهای آنها دیده می‌شود.

نوسازی بیمارستان‌های منطقه ۱۰
بیمارستان در منطقه ۱۰ وجود دارد، اما در این بین فقط بیمارستان لولاگر دولتی است. با اینکه فضای وسیعی ندارد، اما هم‌روزه پذیرای بیماران زیادی است که یکی از علت‌های آن، ارائه بهترین خدمات با کمترین هزینه به بانوانی است که قصد زایمان دارند. خوشبختانه مقاوم‌سازی این بیمارستان انجام شده و به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران، به‌جز بیمارستان‌های میمنست و آزادی که یک طبقه هستند، مابقی بیمارستان‌ها مجهز به پله فرار هستند. از این نظر می‌توان گفت بیمارستان‌های منطقه ۱۰ وضعیت بهتری نسبت به مراکز درمانی مناطق دیگر دارند، ولی این سخن به این معنا نیست که از هر نظر کامل و بی‌نقص هستند. در جوار این منطقه هم، بیشتر بیمارستان‌های منطقه ۱۱ قدمت زیاد و ساختمان‌های فرسوده‌ای دارند. البته فعالیت‌هایی برای نوسازی و از همه مهم‌تر، توسعه بیمارستان‌های فارابی و روزبه در این منطقه انجام شده است.

بیمارستان‌های ۷۰ ساله در منطقه ۱۳
بیمارستان در منطقه ۱۳ فعال است که قدیمی‌ترین آنها با بیش از ۷۰ سال قدمت، بوعلی سینا است. بیمارستان شهید لواسانی دومین مرکز تخصصی قلب تهران است و مراجعه‌کننده زیادی دارد. در دل این بیمارستان، بنای چندصدساله‌ای وجود دارد که بعد از بهسازی به ساختمان اداری تبدیل شده است. این بیمارستان که به باغ سرخه‌حصار معروف بود، شکارگاه ناصرالدین شاه بود و برای رفاه خودش عمارت پاقوت را در آن ساخته بود تا اینکه سال ۱۳۳۶ به بیمارستان تغییر کاربری داد. بخش‌های بستری این بیمارستان چند بار مرمت شده و بخش‌های جراحی قلب و اتاق عمل آن نوساز است. سومین بیمارستان منطقه ۱۳ هم «فجر» نام دارد که سال ۱۳۷۰ ساخته شده است. به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران، اغلب این بیمارستان‌ها مشکل سازه‌ای دارند. راه‌پله فرار در آنها جانمایی نشده و گاهی اوقات سیستم برق آنها دچار مشکل می‌شود. البته بیشتر این مشکلات در درمانگاه‌های منطقه ۱۳ نیز دیده می‌شود.

نوسازی در اولویت کارها
در تکه پانزدهم پایتخت بیمارستان وجود دارد که بیمارستان «خاص شرق تهران» در محله مسگرآباد و شهدای گمنام در خیابان خاوران، نوسازند و نکات ایمنی و تأسیساتی در آنها رعایت شده است، اما بیمارستان مهدیه با ۵۵ سال قدمت نیاز به رسیدگی دارد تا در مواقع بحرانی، با مشکل روبه‌رو نشود. بیمارستان ضیاییان هم در منطقه ۱۷ قدمت زیادی دارد و تنها بیمارستان این منطقه به شمار می‌رود. مراجعه بیماران به این بیمارستان زیاد است؛ چراکه مناطق اطراف آن با نبود یا فقر مراکز بهداشتی و درمانی مواجهند. چند سالی است مسئولان مشغول ساخت بخش‌های جدید در محوطه این مرکز درمانی هستند. تا قبل از نوسازی این بیمارستان، کمتر کسی رغبت می‌کرد پا به این مرکز درمانی بگذارد؛ چراکه فرسودگی آن توی ذوق می‌زد، اما خوشبختانه فعالیت مسئولان بیمارستان کارساز شده و بخش‌های نوساز سبب افزایش ایمنی این مرکز درمانی و رغبت زیاد بیماران برای مراجعه به آن شده است. X

خطر در درمانگاه‌ها بیشتر است

منطقه ۴ وسعت و جمعیت زیادی دارد و به تبع آن، مراکز درمانی فراوانی هم دارد، به گونه‌ای که ۷ بیمارستان و ۱۱۲ درمانگاه در این منطقه فعالند. بیمارستان قمرینی‌هاشم(ع) قدیمی‌ترین مرکز درمانی این منطقه سال ۱۳۴۶ ساخته شده و به گفته مسئولان ستاد مدیریت بحران، ایمن‌سازی آن سال‌ها پیش انجام شده است. بیمارستان جامع بانوان آرش که ۵۰ سال پیش ساخته شده، نوسازی شده و بیمارستان‌های الغدیر، لبافی‌نژاد، رسالت و گلستان (تیروی دریایی) هم شرایط مطلوبی دارند. تنها بیمارستانی که تأسیسات آن مشکل داشت و پیش از این از سازمان آتش‌نشانی تذکر گرفته بود، بیمارستان تهرانپارس بود که مشکلات آن تا حد زیادی حل شده است. به‌رغم اینکه درمانگاه‌های این منطقه تا حدودی توانسته‌اند کمبود بیمارستان را نسبت به جمعیت جبران کنند، متأسفانه بیشترشان ایراد شهرسازی دارند و به گفته کارشناسان ستاد مدیریت بحران، اگر ایرادهای تأسیساتی و سازه‌ای را رفع نکنند، هر کدام می‌توانند مشکل‌آفرین شوند.

فعالیت در محله‌های شلوغ

بیمارستان در تکه چهاردهم پایتخت فعال است. بیمارستان «مردم» سال ۱۳۴۶ تأسیس شده و سالانه نزدیک به ۲۵۰ هزار بیمار به آن مراجعه می‌کنند. به همین دلیل، ایمن‌سازی آن در اولویت برنامه مسئولان بیمارستان قرار دارد و چندی پیش پله فرار در پشت ساختمان‌ها ایجاد شد. از آنجا که کریدور و سالن انتظار بیمارستان کوچک است، برای جلوگیری از ازدحام جمعیت، نوبت‌دهی به‌صورت تلفنی و اینترنتی انجام می‌شود، اما این بیمارستان در بافت فرسوده و متراکم خیابان کرمان قرار گرفته که این ویژگی در زمان بحران می‌تواند مشکل‌ساز شود. کلنگ بیمارستان ۹ طبقه بعثت هم سال ۱۳۵۰ به زمین خورده و سال ۱۳۶۸ به بهره‌برداری رسیده است. مسئولان ستاد مدیریت بحران از نبود سیستم اعلام و اطفای حریق این مرکز درمانی ابراز گرفته بودند و همچنین باید اقدامی برای ایجاد راه خروج اضطراری در آن انجام شود.



فرسودگی ساختمان و تجهیزات بسیاری از بیمارستان‌های شهر در مواقع بحران به درگیری بزرگ تبدیل خواهد شد
شفاخانه‌های سالخورده

ابوزر چهل امیرانی

در مواقع بحرانی، مثل وقوع زلزله، نخستین مراکزی که می‌توانند به داد آسیب‌دیدگان برسند، بیمارستان‌ها هستند. با وجود این، با نگاهی گذرا به ساختمان بیشتر بیمارستان‌ها، این‌طور تصور می‌شود که خودشان حال و روز خوشی ندارند؛ چراکه قدمت زیادی دارند و همین قدیمی بودن می‌تواند نشانه‌ای از فرسوده و نایمن بودن آنها باشد. برای پاسخ به این پرسش که قدیمی بودن ساختمان بیمارستان‌ها نشان از فرسودگی آنها دارد و موقع رخداد زلزله ممکن است فرو بریزند یا نه، باید پای صحبت کارشناسان نشست که در گزارش‌های بعد خواهد آمد، اما در این گزارش، علت ناامن بودن برخی از بیمارستان‌های تهران را از زبان کارشناسان اداره بحران بررسی کرده‌ایم. >

دغدغه‌ها و مشکلات مردم برای دریافت خدمات از مراکز درمانی دولتی؛ از اخذ نوبت ویزیت تا مراحل پیشرفته درمان

دست به دامان دلال‌ها برای بستری در بیمارستان دولتی

فاطمه عسگری نیا

تهران، شهری است که در کنار تمام جذابیت‌های پایتخت بودنش، خدمات و امکانات حوزه درمان در آن هم طرفداران زیادی دارد. به همین دلیل هر روز شاهد حضور مسافران بی‌شمار برای بهره‌مندی از خدمات درمانی در این کلانشهر هستیم؛ مسافرانی که از راه‌های دور و نزدیک خود را به پایتخت می‌رسانند تا در مراکز درمانی دولتی به دردهای خود پایان دهند. ۴۶ بیمارستان دولتی در تهران فعال هستند. قدمت ۲۷ بیمارستان از ۵۰ سال هم بیشتر است که به همین علت ظرفیت کافی و متناسب با نیاز امروز تهران و بیماران سایر شهرهای ایران را ندارند. بیمارستان‌های امام حسین(ع)، امام خمینی(ره)، امیر اعلم، بهارلو، دکتر شریعتی، رازی و... از این دست هستند. بیمارستان‌هایی که روزگاری برای جمعیت محدود تهران ساخته شدند و حالا نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای موجود باشند و عمدتاً بیماران و همراهانشان در مسیر دریافت خدمات درمانی در این مراکز با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند؛ از انتظار طولانی برای اخذ نوبت ویزیت توسط پزشکان تا مراحل پیشرفته‌تر درمان. گرچه مراکز درمانی دولتی از ابتدا با هدف ارائه خدمات درمانی رایگان یا ارزان‌قیمت در کشور ایجاد شدند اما این روزها نه تنها کاملاً رایگان نیستند بلکه استفاده از خدماتشان مشروط به شروط بسیاری شده که صبر و حوصله پیش نیاز همه این شروط است. برای بررسی مشکلات مردم سراسری به چند بیمارستان دولتی زده‌ایم.

صبح علی‌الطول در بیمارستان تخصصی ارتوپدی معیری تا چشم کار می‌کند بیماری‌ها هستند که هر کدام برای اخذ نوبت قبل از طلوع آفتاب خود را به بیمارستان رسانده‌اند. در میانشان از اغلب شهرهای کشور دیده می‌شود؛ از بلوچ‌هایی که لباس‌هایشان به خوبی معرف آنهاست تا بیمارانی از لرستان و کرمانشاه و حتی خراسان. «حسین» برادرزاده‌اش را از روستاهای استان کرمان آورده است. می‌گوید مدتی است که استخوان‌هایش تند تند می‌شکند. پسرک ۱۰ ساله با یک دست و پای گچ گرفته روی نیمکت سالن انتظار به خواب رفته است. ساعت ۸ صبح با حضور اپراتور نوبت دهی بدون رعایت فاصله اجتماعی انجام می‌شود. مهمه زیادی در فضای بیمارستان می‌پیچد. انگار کسی ترسی از کرونا ندارد؛ مهم پیروزی در گرفتن نوبت است.

انتظارهای طولانی برای ویزیت

بالاخره بعد از موفقیت در اخذ نوبت اولیه مصیبت بعدی شروع

می‌شود. «غلامرضا حسینی» در حالی که زانوی راستش را با پارچهای محکم بسته و بیقراری‌اش حکایت از درد شدید دارد می‌گوید: «ماه گذشته پام در این شرایط نبود. کمی بهتر بود. قانون اینجا این‌گونه است که بیماران در مرحله نخست توسط یک پزشک عمومی ویزیت می‌شوند. بعد اگر پزشک تشخیص بدهد و به پزشک متخصص معرفی کند می‌توانیم تازه امید به ویزیت توسط متخصص زانو داشته باشیم. من ماه پیش با درد شدید آمدم و ویزیت اولیه شدم و توانستم مجوز عبور از خزان اول را بگیرم. خدا می‌داند که در این یک ماه انتظار برای ویزیت توسط پزشک متخصص چه کشیده‌ام که ورم پام به این حد رسیده است.» سر که می‌چرخانیم از هر گوشه و کنار بیمارستان صدای ناراضی‌ها به گوش می‌رسد و افرادی که معتقدند پول نداشتن و هزینه‌های بالای پزشکان بخش خصوصی باعث شده تا برای ویزیت تن به چنین سختی‌هایی دهند.

کامل‌رایگان نیست

در میان تمام بیمارستان‌های دولتی که در تهران فعالیت می‌کنند بیمارستان میلاد چه در بین تهرانی‌ها و چه بیماران شهرستانی طرفداران زیادی دارد. هرچند به قول «علیرضا قربانی» از بیماران حاضر در این بیمارستان نوبت گرفتن از پزشکان و بستری شدن در آن مشروط به شروط خاصی است یا اقبال بلند یا پارتی حسابی. او می‌گوید: «۳ ماه است که برای دریافت نوبت از طریق سایت بیمارستان تلاش می‌کنم. هر ساعت که مراجعه می‌کنم نوبت‌های پزشک مورد نظر تمام شده. از کارکنان بیمارستان پرسیدم که چه ساعتی از شبانه‌روز برای نوبت‌گیری بهتر است؟ گفتند رأس ساعت ۱۲ شب. این ساعت را هم امتحان کردم اما متأسفانه به

نتیجه‌ای نرسیدم. جالب اینکه در نهایت برای دریافت نوبت از پزشک و انجام عمل جراحی در این بیمارستان متوسل به دلالان نوبت‌گیری و موفق شدم از این راه نوبت ویزیت توسط پزشک و در نهایت دست‌خور جراحی و بستری را اخذ کنم.» اغلب بیماران که بیمه‌شان تأمین اجتماعی است انتظار دارند همه مراحل درمانشان در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی از جمله میلاد رایگان انجام شود، اما این‌گونه نیست. «رضا حدادی» قرار است همسرش تحت عمل جراحی قرار بگیرد. قیل از اینکه کارهای بستری انجام شود فهرست لوازم اتاق عمل در اختیارش قرار گرفته که حدود ۳۰۰ هزار تومانی برای او آب می‌خورد. او می‌گوید: «قبل از من پیرمردی در صف بود که نتوانست این ملزومات را تهیه کند و از جراحی منصرف شد. شاید برای خیلی‌ها هزینه‌های گزافی نباشد اما برای کسی که ندارد این رقم هم سنگین است.»

هزینه رفت و آمد، بیشتر از ویزیت تخصصی خارج از بیمارستان

سری به بیمارستان قلب تهران در انتهای کارگر شمالی می‌زنیم. پذیرش اورژانس غلغله است. زن میان‌ساله مشغول چانه‌زنی با اپراتور پذیرش است که شرط پذیرش او را دستور پزشک اورژانس همین بیمارستان اعلام می‌کند. اپراتور می‌گوید: «برای ویزیت توسط متخصص بیمارستان باید نامه اورژانس باشند و برای استفاده از بخش‌های تشخیصی مثل اکو، تست ورزش و... باید نسخه

پزشک متخصص داشته باشید.» زن مستأصل می‌گوید: «هزینه ویزیت توسط پزشک متخصص بخش خصوصی را ندارم. هر روز درد بدی در قفسه سینه‌ام احساس می‌کنم. پزشک اورژانس اینجا هم به راحتی دستور چکاپ قلبی را نمی‌دهد. مگر اینکه خیلی از درد و بیماری ناله کنیم.» بیماری که در فاصله‌های کوتاه متوجه صحت‌های ما می‌شود می‌گوید: «برای یک ویزیت و چکاپ کوچک باید بارها مسیر بیمارستان تا خانه را طی کنیم. باور کنید هزینه رفت و آمدمان برابر با قیمت ویزیت توسط یک پزشک متخصص قلب بیرون از بیمارستان است.»

اغلب بیماران که بیمه‌شان تأمین اجتماعی است انتظار دارند همه مراحل درمانشان در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی از جمله میلاد رایگان انجام شود، اما این‌گونه نیست

اگر خیران نبودند می‌مردم در بیمارستان شریعتی هم شمار مراجعان زیاد است. بخش قابل توجهی از این بیماران را هم بیماران کلیوی دربرمی‌گیرند. «الهام» ۴۹ ساله، یکی از بیماران کلیوی این بیمارستان است. در حالی با ما صحبت می‌کند که به گفته او طبق دستور پزشک باید برای رگ‌گیری از ناحیه گردن و انجام دیالیز به اتاق عمل برود، اما امکانش را ندارد. در توضیح شرایطش می‌گوید: «دفترچه خدمات درمانی همگانی دارم، اما شرط ورود به بخش اورولوژی و بستری شدن رابز مبلغی حدود ۶۰۰ هزار تومان است. تأمین این هزینه برای من امکانپذیر نیست. هربار که مجبور می‌شوم برای

تعویض این تجهیزات بایم باید بالغ بر ۳ میلیون تومان هزینه کنم؛ تازه در بیمارستان دولتی. اگر مددکاری بیمارستان کمک کند می‌توانم درمانم را ادامه دهم. در غیراین صورت امکان ندارد که این کارها را انجام دهم؛ چون شرط ورود به بخش و تشکیل پرونده پرداخت این مبلغ است.» همین‌طور که مادر ۴۹ ساله دیالیزی مشغول صحبت با ماست پیرمردی سیه چرده که مشخص است از استان‌های جنوبی برای درمان آمده با همان تله‌پچه زیبای جنوبی می‌گوید: «خانم! فقرا و دردمندان بیمه داشتند ما همسران هستیم. درآبادی ما هیچ‌کس مدارک هویتی و شناسایی ندارد که بخواهیم بیمه داشته باشیم. همسر سرطان دارد. باید هرچند وقت یکبار به تهران بیاییم. از صدقه سسر خیران هر سفر ما که حدود ۱۵ میلیون تومان هزینه دارد از طرف آنها پرداخت می‌شود. شما فکر می‌کنید اگر خیران نبودند ما می‌توانستیم از عهده هزینه‌های درمان برآییم؟» سری تکان می‌دهد. رویی ترش می‌کند و دست‌هایش را محکم به هم می‌ساید. X

نیازمندان حتی توان پرداخت حداقلی هزینه‌های درمان را ندارند

«سیدمحمدحسین پناه» از خیران مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) سال‌هاست به رسم پدر دستگیری از نیازمندان را ادامه می‌دهد و بخش زیادی از کمک‌های او و دوستانش صرف درمان بیماران نیازمند می‌شود. او می‌گوید: «متأسفانه شمار زیادی از بیماران ما حتی توان پرداخت هزینه‌های ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومانی بخش دولتی را هم ندارند. فرانشیزهای دریافتی از سوی بیمارستان‌های بخش دولتی حتی برای افراد دارای بیمه هم سنگین است چه برسد به افرادی که بیمه ندارند. متأسفانه جمعیت این افراد در شهر ما کم نیست.» او می‌گوید: «وضعیت شیوع بیماری کرونا در اطراف شهر تهران افتضاح است و اغلب بچه‌ها بیمارند. اما خانواده‌ها حتی توان انتقال بچه‌ها به بیمارستان‌ها را ندارند.» او طی ۲ سال اخیر هر روز برای یک بیمار در حال پیدا کردن تخت بیمارستانی و دستگاه اکسیژن بوده و به قول خودش گاهی با حقایق روبه‌رو شده که زندگی را به کامش تلخ کرده است. حسین پناه می‌گوید: «یک روز بیمار بدحال مبتلا به کرونا، سرطان و دیابت داشتیم. هرچه دنبال تخت بیمارستانی برای بستری گشتیم در بخش دولتی کسی نپذیرفت.

به ناچار به یکی از بیمارستان‌های خصوصی مراجعه کردیم و برای ۴ روز بستری این فرد در بیمارستان مجبور شدیم بالغ بر ۲۰ میلیون تومان هزینه کنیم. حالا شما فکرش را بکنید حمایتی از بیماران نیازمند نباشد چه بر سرشان می‌آید؟» درد و رنج‌های درمان در بخش دولتی قصه تلخ و دردآوری است که از زوایای مختلف می‌توان روایت کرد، اما روایت بیشتر آن حاصلی ندارد جز افسوس بیشتر از فاصله میان دنیای فقرا و اغنیاء



پرونده

پرونده

سرانه‌های درمان اندک و توزیع ناعادلانه

کمبود بیمارستان کودکان، در کلانشهر تهران، از جمله موضوعات مهمی است که متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. تا آنجا که ۴ بیمارستان از مجموع ۶ بیمارستان ویژه درمان کودکان یک روزه تا ۱۳ ساله، در مناطق شمالی واقع شده است. البته بیمارستان، درمانگاه و کلینیک‌هایی در شهر پراکنده هستند که بخش اطفال در آنها فعال است، اما امکانات تخصصی ویژه درمان و بستری کودکان مراجعه‌کننده در آنها کافی نیست و همواره والدین نگران و کودکان بیمار از سوسوی این مراکز به بیمارستان‌های محدود و تخصصی اطفال ارجاع داده می‌شوند. از سوسوی دیگر بیمارستان‌های تخصصی کودکان اغلب یا خصوصی هستند و یا در شرایط شیوع کووید ۱۹ و سوسوی امیکرون، روند پذیرش و بستری در آنها به کندی انجام می‌پذیرد. این را «حمید مسیری» یکی از ساکنان منطقه ۲۰ می‌گوید و می‌افزاید: «در این منطقه چند درمانگاه هست که بخش اطفال دارند، اما بود و نبودشان فایده‌ای ندارد، چراکه اغلب فقط خدمات سرپایی و عمومی ارائه می‌دهند. مانند



کمبود بیمارستان و پزشک متخصص کودکان در دوران همه‌گیری، عرصه را بر پدر و مادرها تنگ کرده است

بچه بدحالم را کجا ببرم؟

سدر جعفریان

آشفته و پریشان است. دختر ۶ ساله و تبارش را به آغوش کشیده و به زحمت خود را از جنوب شهر به یکی از بیمارستان‌های تخصصی کودکان در شمال شهر، که حدود ۲۰ کیلومتر با خانه‌اش فاصله دارد، می‌رساند. سراسیمه وارد بخش اورژانس می‌شود. نگاهی می‌چرخاند و پرستاری می‌بیند. مستاصل دخترش را که حالا نفس‌هایش هم به شماره افتاده به دست پرستار می‌دهد و گوشه‌ای کز می‌کند. این داستان همه پدران و مادرانی است از شهرهای مختلف ایران و مناطق ۲۲گانه پایتخت، که بیماری کودکان‌شان اغلب با مشکلاتی مانند کمبود فضای تخصصی درمانی گره می‌خورد و رنج و دردشان را افزون می‌کند. درد و رنجی که این روزها با شیوع کووید ۱۹ و سایه سنگین سوسوی امیکرون بر سر کودکان، به‌عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر، شدت یافته است.



همه دشواری‌های شرایط پاندمی

سرپرستار یکی از بیمارستان‌های دولتی تخصصی کودکان در پایتخت می‌گوید: «متوسط پذیرش ما ۵۰۰ بیمار با موارد سرپایی در روز است، اما در شرایط پاندمی کرونا به پذیرش ۷۰۰ بیمار رسیده‌ایم که از مجموع آنها ۲۰۰ کودک کرونایی و غیرکرونایی نیاز به بستری دارند. این یعنی، کمبود تخت و نیروی متخصص که گاه حتی امکانات بهداشتی و درمانی کافی مراکز را تحت تأثیر قرار می‌دهند و شرایط اضطرار ایجاد می‌کنند.» کمبود بیمارستان‌های تخصصی مهم‌ترین مسئله در حوزه درمان کودکان و ساختار درمانی و بهداشتی کشور است. استاندارد بهداشت جهانی از تهیه و وجود یک تخت به ازای هر ۲۰۰ کودک می‌گوید که این آمار با واقعیت تعداد تخت‌های درمانی و بهداشتی کودکان در ایران و تهران، فاصله زیادی دارد. ۲۰ درصد از این استاندارد نیز باید به تخت‌هایی در بخش مراقبت‌های ویژه اختصاص داشته باشد. یکی دیگر از پرستاران در این ارتباط می‌گوید: «کمبود بیمارستان‌های تخصصی کودکان در روزگاری که کرونا با پیک‌های مختلف جولان می‌دهد، بیشتر از قبل نمود یافته است. طوری که گاه مجبور هستیم کودک دارای علائم کرونا را در کنار کودک بدون علائم، ولی با بیماری زمینهای قرار دهیم. آمار پذیرش بیمار از ۳۰۰ کودک که ۵۰۰ کودک رسیده که اغلب هم از شهرهای دیگر مراجعه می‌کنند، چراکه شهرستان‌ها، حداقل امکانات و تجهیزات ویژه کودکان را دارند. تقریباً می‌توان گفت که از هر ۵۰۰ پذیرش روزانه فعلی، ۲۰۰ مراجعه از شهرهای دیگر داریم. تخصص در درمان کودکان از مهارت پزشک گرفته تا تجهیزات کاربردی، نیاز به کمیتی مطلوب دارد که استاندارد آن حتی در پایتخت هم با چالش مواجه است.»

هم بیمارستان کودک کم است هم پرستار و پزشک

«ترگس پنهانی» از ساکنان منطقه ۹ تهران است که علاوه بر کمبود بیمارستان‌های تخصصی کودکان در بسیاری از مناطق جنوبی و غربی، از نحوه رسیدگی به فضای داخلی آنها نیز گلایه‌مند است و می‌گوید: «کودکان از محیط‌هایی مانند بیمارستان و مطب، ترس دارند که می‌توان این ترس را با رنگ، نور و نصب تابلو نقاشی‌های مناسب خنثی کرد، موضوعی که حداقل در مراکز همجوار ما به آن توجه کافی نمی‌شود. می‌گویند چون دولتی هستند، بودجه محدودی دارند که بهتر است صرف تجهیزات شود. در حالی که توجه به این مسئله مهم از دغدغه والدین می‌گاهد و آستانه تحمل کودک را افزایش می‌دهد. گاهی پیش می‌آید کودکان، ساعت‌ها یا حتی روزها را در فضاهای بیمارستانی سپری کنند، بنابراین باید نمای بصری، تزیینات و چیدمان وسایل آنها متناسب با شرایط سنی و روان‌شناختی بچه‌ها شکل بگیرد. این مسئله به خوبی در بیمارستان‌های خصوصی رعایت می‌شود. بیمارستان‌هایی که با پذیرش سریع، امکانات عالی، رسیدگی‌های کافی و خدمات جانبی فراوان، فقط فاصله طبقاتی اقتصادی را یادآوری می‌کنند.» «کریم قاسم‌زاده» از دیگر شهروندان منطقه ۹، صحبت‌های هم‌محله‌ای‌اش را تأیید می‌کند و می‌گوید: «خدای نکرده اگر گذرتان به بیمارستان‌های دولتی کودکان بیفتد باید ساعت‌ها در صف انتظار باشید، حتی اگر حال کودک‌تان اورژانسی باشد هم باید از ۲ ساعت تا ۱۲ ساعت انتظار بکشید. این تجربه چندین باره من برای فرزند اولم است که خیلی هم دردناک بود. با این تعداد اندک بیمارستان‌هایی که خدمات مناسب به کودکان ارائه می‌دهند، طبیعی است که اگر مشکلی برای فرزند کسی پیش بیاید، باید راهی همین چند بیمارستان شود. در مورد این مشکل، مسئولان بارها اظهار کرده‌اند، اما حتی حالا که امیکرون بالای جان کودکان شده، اتفاق اثرگذاری نیفتاده است. تا امروز بیمارستان تخصصی و تخت برای کودکان کم داشتیم، حالا دیگر پزشک و پرستار هم کم داریم.»



بیمارستان‌های تخصصی کودکان در تهران، به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند و هزینه‌های آزاد در یافت می‌کنند.

بیمارستان‌های تهران، دارای بخش یا گروه کودکان به‌صورت مجزا هستند

درمانگاه و کلینیک تخصصی کودکان در پایتخت فعال است

بیمارستان تخصصی کودک در پایتخت فعال است



مهم‌ترین بیمارستان‌های تخصصی کودکان در تهران

بیمارستان دانشگاهی و درمانی حضرت علی‌اصغر (ع)

سال تأسیس: ۱۳۵۵
ظرفیت: ۱۸۰ تخت
آدرس: بزرگراه آیت‌الله مدرس، خیابان شهید دستگردی (ظفر)

مرکز آموزشی، درمانی و پژوهشی طبی کودکان

سال تأسیس: ۱۳۴۶
ظرفیت: ۲۹۰ تخت
آدرس: انتهای بلوار کشاورز، خیابان محمد قریب، جنب بیمارستان امام خمینی (ره)، پلاک ۶۲

بیمارستان شهید فهمیده

سال تأسیس: ۱۳۳۳
ظرفیت: ۲۵۰ تخت
آدرس: خیابان هلال احمر، تقاطع بزرگراه نواب صفوی و خیابان عباسی

بیمارستان آموزشی، پزشکی، درمانی و تحقیقاتی مفید

سال تأسیس: ۱۳۳۳
ظرفیت: ۲۶۱ تخت
آدرس: بالاتر از حسینیه ارشاد، نرسیده به میرداماد

بیمارستان کودکان تهران

سال تأسیس: ۱۳۴۶
ظرفیت: ۵۰ تخت
آدرس: تقاطع خیابان ولیعصر (عج) و خیابان طالقانی، روبه‌روی جهاد سازندگی، پلاک ۴۵۴

بیمارستان بهرامی

سال تأسیس: ۱۳۳۷
ظرفیت: ۱۲۱ تخت
آدرس: میدان امام حسین (ع)، خیابان دماوند، خیابان شهید کیانی، ایستگاه قاسم‌آباد

مهم‌ترین خدمات تخصصی این مراکز درمانی و بهداشتی ویژه کودکان شامل فیزیوتراپی، ارتوپدی، شیمی‌درمانی، رادیولوژی، خون و آنکولوژی، مغز و اعصاب، گوش و حلق و بینی، گوارش، غدد، دندانپزشکی، آسم و آلرژی، قلب، چشم، ریه و ژنتیک است. درمانگاه‌های پگاه، مادر و کودک، ارمان سلامت، سبز و مهر نیز خدمات درمانی تخصصی ویژه کودکان ارائه می‌دهند.





اشتباه نکنید! اینجا اتاق خواب کودک نیست، بلکه بخش کودکان یک بیمارستان لاکچری است

هزینه سرسام‌آور بیمارستان‌های خصوصی دست بخش بزرگی از جامعه را از این خدمات کوتاه کرده است

پول بده زنده بمان!

فاطمه عسگری نیا

بیمارستان‌های لاکچری که این روزها تصاویرشان در شبکه‌های مجازی حسابی دست به دست می‌شود و به قول مردم عادی جای از ما بهتران است در ظاهر شباهتی به بیمارستان ندارند؛ نه از دیوارهای قدیمی و ترک خورده در آنها خبری است و نه از شلوغی و ازدحام بیماران. مردم عادی می‌گویند که در این بیمارستان‌ها مرده زنده می‌شود؛ افرادی که شاید حتی پایشان هم به این بیمارستان‌ها باز نشده اما تعریف و تمجیدهایی که در تبلیغات و از زبان این و آن شنیده‌اند چنین تصوراتی را برای آنها ساخته است. با شیوع بیماری کرونا مشتریان این مراکز هم خواسته و ناخواسته بیشتر شده؛ عده‌ای از سر اجبار اما عده دیگر چنین مراکزی با توجه به برخورداری از امکانات مالی انتخاب اولشان است؛ مراکزی که برای بستری و درمان بیماران کرونایی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان فقط ورودی دریافت می‌کنند و هزینه‌های طول درمان تا تریخیص بیمار گاهی تا ۸۰ میلیون تومان هم افزایش می‌یابد. مراکز درمانی خصوصی یا هتل بیمارستان‌هایی که درمان در آنها بر اساس دارایی جیب بیماران انجام می‌شود در روزگار فعلی دست خیلی از افراد جامعه را از خدماتشان کوتاه کرده‌اند اما در عوض گردشگر بیماران کشورهای همسایه حسابی از این خدمات بهره‌مند می‌شوند.

گاندی، تریستا، کسری، مردم، نیکان، آتیه، خاتم‌الانبیاء، بوعلی، پارس، آزاد، جم، عرفان، مادران و... بیمارستان‌های خصوصی و هتل بیمارستان‌هایی هستند که این روزها حتی بستری شدن در آن یکی از رفتارهای لاکچری فعالان فضای مجازی شده است. تا همین یکی دو سال پیش که خبری از بیماری کرونا نبود و مردم نیاز خود به بخش‌های درمانی و بیمارستانی را مطابق وضعیت جیبشان تأمین می‌کردند هزینه‌های سرسام‌آور درمان در بخش‌های خصوصی خیلی مورد توجه مردم نبود. اما از آسسال پیش که بیماری کرونا و نیاز به بستری در آی، سسی، یو دامن فیر و غنی جان عزیزانشان راهی بیمارستان‌های خصوصی شدند و شنیدن قیمت‌های گزاف غم و دردشان را دوچندان کرد. «مهسا طبیبیان» که همسرش را در بخش آی، سسی، یو یکی از بیمارستان‌های خصوصی شهر بستری کرده است، می‌گوید: «بعد از نامیدی از بیمارستان‌های دولتی و تکمیل

زایمان‌های ۱۱ تا ۱۳ میلیون تومانی

در بخش‌های دیگر هم هزینه‌های بیمارستان‌های بخش خصوصی به همین صورت است. برای مثال افراد برای یک زایمان با یک شب بستری باید ۱۱ تا ۱۳ میلیون تومان پرداخت کنند. این تجربه‌ای است که «فاخته فرج‌نیا» در بیمارستان تریتا داشته است. او می‌گوید: «قلب پزشکان زنان جراحی و زایمان را در بیمارستان‌های خصوصی انجام می‌دهند. من هم

ظرفیت بخش آی، سسی، یو به یکی از بیمارستان‌های بخش خصوصی مراجعه کردیم. چاره‌ای نبود. همسرم به شدت به خدمات درمانی این بخش نیاز داشت، اما به هر بیمارستان که مراجعه می‌کردیم درخواست مبلغ هنگفت ورودی ما را شوکه می‌کرد. هر کدام هنگام ورود بین ۵ تا ۸ میلیون تومان می‌خواستند تا تشکیل پرونده دهند و هر شب هم به ازای بستری فارغ از هزینه‌های درمانی بابت تخت بستری باید همین مبلغ را ثابت پرداخت می‌کردیم.»

ورودی‌های میلیونی بیمارستان‌های خصوصی

دریافت ورودی‌های میلیونی بابت جراحی‌ها را خیلی از شهروندان تجربه کرده‌اند؛ از ۱۵ تا ۲۵ میلیون تومان که با مجموع هزینه‌های بستری و... در نهایت هنگام تریخیص بیمار باید ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان به صندوق بیمارستان واریز کند. «سینا فغانی» که تجربه جراحی ستون فقرات در یکی از بیمارستان‌های خصوصی شهر را دارد می‌گوید: «به محض ورود به بیمارستان قبل از بستری باید ۲۰ میلیون تومان واریز می‌کردم. چاره‌ای نبود. بعد از پرداخت این هزینه و بستری در بخش و انجام عمل جراحی روز تریخیص با فاکتور بالابندی روبه‌رو شدم که حدود ۵۴ میلیون تومان مرا به‌دکار بیمارستان کرده بود. جالب‌تر اینکه بیمه‌های

تکمیلی خیلی از بندهای صورت‌حساب بیمارستان خصوصی را نمی‌پذیرند.»

۳ تست ۵ میلیون تومان ناقابل

درست است که مشتریان ثابت بیمارستان‌های خصوصی افراد متمول شهر هستند ولی گاهی نوبت‌های طولانی بخش دولتی و ضرورت نیاز بیمار به انجام تشخیص‌های اولیه شامل آزمایشگاه، تصویربرداری‌ها و... گذرشان را به این مراکز می‌اندازد. «فرانک حمیدی» می‌گوید که برای انجام آندوسکوپی‌های معده و روده و تست پاتولوژی ۵ میلیون تومان در یکی از بیمارستان‌های بخش خصوصی پرداخت کردیم. انجام این تست‌ها با توجه به وضعیت بد همسر الزامی بود. چاره‌ای نداشتیم جز تن دادن به این هزینه. اگر می‌خواستیم همین تست‌ها را در بیمارستان میلاد انجام دهیم باید حداقل ۳ تا ۴ ماه در نوبت باشیم.»

هزینه‌های گزاف، کادر درمان خوش‌اخلاق

«در بیمارستان‌های خصوصی خبری از پذیرش دفترچه‌های بیمه نیست، اما تا دلتان بخواهد احترام به بیمار و آرامش بخشی به

خانواده او در اولویت کارکنان است.» این صحبت‌های «حسین جعفری» همراه بیماری است که در یکی از بیمارستان‌های خصوصی بستری است. او می‌گوید: «در بیمارستان‌های دولتی به دلیل ازدحام بیماران و کمبود کادر پرستاری همه خسته و کلافه‌اند و در میان این شلوغی و کلافگی و عقب افتادگی حقوق و دستمزد کادر درمان، تنها بیمار است که متضرر می‌شود.»

لاکچری‌بازی با بیمارستان‌های خصوصی

هتل بیمارستان‌های لاکچری تهران امروز یا محل درمان ثروتمندان این شهر است یا محل درمان گردشگرانی که صرفاً برای درمان راهی پایتخت ایران می‌شوند. یکی از کارکنان فعال در تهران یکی از بیمارستان‌های خصوصی می‌گوید: «بیمارستان‌های لاکچری تهران تا چند سال پیش مشتریان خاص خود را داشت؛ از ثروتمندان داخلی تا گردشگرانی که برای انجام اعمال جراحی راهی ایران می‌شدند. اما امروز به واسطه شبکه‌های مجازی و ترویج رفتارهای لاکچری، افراد زیادی هستند که به سختی هزینه‌های درمانی را تأمین می‌کنند تا با انتشار فیلم



نمایی از اتاق بیکار یک هتل بیمارستان

وزیر بهداشت:

نظارتی بر فعالیت بخش خصوصی نیست

«بهرام عین‌اللهی» وزیر بهداشت، هم مدتی پیش با بیان اینکه متأسفانه نظارت خوبی بر بیمارستان‌های بخش خصوصی نیست خواستار تقویت این مهم شد تا از دریافت هزینه‌های گزاف از مردم جلوگیری شود. «حسین علی‌شهریاری» رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، نیز در خصوص فعالیت‌های بیمارستان‌ها در بخش خصوصی می‌گوید: «قاعدتاً دولت نمی‌تواند با توجه به قوانین دخیل و تصرفی در فعالیت‌های بیمارستان‌های بخش خصوصی داشته باشد؛ چون سهمی از اعتبارات دولتی ندارند.» او می‌افزاید: «متأسفانه



کاستی‌هایی که در بخش دولتی وجود دارد باعث شده تا بیمارستان‌های بخش خصوصی در شرایط خاص و ویژه مردم را با دریافت هزینه‌های هنگفت غافلگیر کنند؛ موضوعی که در کرونا اتفاق افتاد.» به گفته او نظارت دقیق بر بخش دولتی و نحوه ارائه خدمات مطلوب به مردم باید در دستور کار وزارت بهداشت قرار بگیرد.

و عکس در شبکه‌های مجازی نوعی رفتاری لاکچری از خود بروز دهند و با این کار دنبال پیدا کردن جایگاه اجتماعی در بین مردم هستند.»

بخش خصوصی جاذبه بیشتری برای پزشکان دارد

یکی از نکاتی که در خلال تهیه این گزارش توجه ما را جلب کرد زمان حضور یک پزشک متخصص جراح در بیمارستان‌های خصوصی و دولتی است. تفاوت فاحش این زمان حکایت از آن دارد که رغبت پزشکان برای فعالیت در بخش خصوصی خیلی بیشتر از بیمارستان‌های دولتی است. البته پزشکان هم دلایل خود را دارند. دکتر «حسین زهی» فوق‌تخصص کلیه، می‌گوید: «بخش عمده پزشکان متخصص و فوق‌تخصص فعال در بیمارستان‌های دولتی اعضای هیئت علمی دانشگاه هستند. به همین دلیل نمی‌توانند در بخش‌های خصوصی شاغل باشند و گزینه پزشکی که امکان و اجازت فعالیت در بخش خصوصی را داشته باشد حتماً این گزینه را انتخاب می‌کند؛ چون دنبال کسب نتایج بهتر در درمان است. در بیمارستان‌های خصوصی و خلوت امور پرستاری بیماران با دقت بیشتری دنبال می‌شود و بیمار نتیجه بهتری می‌گیرد. در حالی که در بخش دولتی هم همان کار انجام می‌شود، اما گاهی در سایه کوتاهی پرستاران بعد از عمل جراحی همه زحمات پزشک زیر سؤال می‌رود.»

او دریافت دستمزد بیشتر در بخش خصوصی را عامل ترغیب‌کننده بعدی معرفی می‌کند و می‌گوید که یک پزشک جراح و متخصص در نهایت از یک عمل جراحی در بیمارستان دولتی دست بالا حدود ۵۰۰ هزار تومان نصیب می‌شود اما در بخش خصوصی ۸ تا ۱۰ میلیون تومان!

گفت‌وگو با رضا و بیژن بنفشه خواه
پدر و پسر محبوب سینما و تلویزیون

از پدر بودن سیر نمی‌شوم

پریسا نوری

بازیگری آنقدر شغل جذابی است که از بازیگران هالیوود تا بالیوود، خیلی‌ها راه پدرانشان را در این حرفه دنبال کرده و برخی با استعداد و علاقه ذاتی‌شان سوپرستار شده و برخی از دور خارج شده‌اند. در نسخه وطنی و سینمای ایران هم کم نیستند پسرای که با ورود به دنیای بازیگری، جا پای پدران گذاشته و در این عرصه خوش درخشیده‌اند. «رضا» و «بیژن بنفشه خواه» یکی از نسخه‌های قدیمی پدر و پسرهای سینما و تلویزیون ایران هستند. به بهانه «روز پدر» با این دو هنرمند خوشنام و کم‌حاشیه گفت‌وگو کرده‌ایم.

از پیگیری‌هایی که برای تهیه این مصاحبه انجام دادیم، متوجه شدیم که سرتان بسیار شلوغ است. پدر و پسر سینمای ایران این روزها مشغول چه کاری هستند؟

رضا: من خانم‌ها و مشغول خواندن دو فیلمنامه هستم و باید خیلی فوری به هر دو کارگردان جواب بدهم که کار را می‌پذیرم یا نه. برای همین کمی سرم شلوغ است. قبل از اینکه بپرسم بگویم نمی‌توانم بگویم اسم فیلمنامه یا کارگردان چیست؛ چون هنوز معلوم نیست که کارها را بپذیرم. بیژن سرش از من هم شلوغ‌تر است و حتی چند ماه است که به خانه ما سر نزده و اگر فرصتی داشته باشد زنگ می‌زند و تلفتی حال مادرش را می‌پرسد.

بیژن: بله. پدر درست می‌گویند. این چند ماه فرصت نداشته‌ام به خانه‌شان بروم. چون مشغول ضبط یک سریال هستیم. لوکیشن سریال حوالی احمدآباد مستوفی است. از صبح زود سر فیلمبرداری حاضر می‌شوم و شب برمی‌گردم.

از کار جدیدتان بگویید. مثل اغلب کارهایتان در ژانر طنز است؟

بیژن: یک سریال تاریخی به نام «مستوران» به کارگردانی آقای «مسعود آب‌پرور» که قرار است ماه

رمضان پخش شود. نقش اول منفی را در این سریال بازی می‌کنم.

شما جزو نسل اول بازیگران کمدی تلویزیون هستید، خودتان چه نقش‌هایی را بیشتر دوست دارید؟ طنز یا جدی؟

بیژن: برای من فرق نمی‌کند. هر دو را دوست دارم و معتقدم یک بازیگر باید این توانایی را داشته باشد که در نقش‌های طنز و جدی و کاراکتر مثبت و منفی به خوبی از عهده نقشش برآید.

مردم بیشتر شما را با کدام سریال یا فیلم به یاد می‌آورند؟

بیژن: حدود ۱۰ سال پیش در یکی از کارهای آقای مدیری به نام «بمب خنده» نقش یکی از مجری‌های برنامه‌های ماهواره را بازی می‌کردم که در حین کار دائم می‌رقصید. آن سکلس رقص من قبل از پخش لو رفت. یعنی اول در سایت‌های اینترنتی پخش شد و بعد هم به‌صورت سیدی به نام «رقص بیژن بنفشه‌خواه» دست به دست و حسابی جنجالی شد. آن کار خیلی در خاطر مردم مانده است. بعد از آن، مردم سریال‌های «بدون شرح»، «پژمان» و «ساختمان پزشکان» را دوست داشتند. یک نکته جالب اینکه من جزو بازیگران «ساعت خوش» نبودم، اما چون همان دوره‌ای که «ساعت خوش» پخش می‌شد من هم در یک برنامه تلویزیونی بازی می‌کردم، مردم فکر می‌کنند من در ساعت خوش بازی کرده‌ام.

بیژن بنفشه‌خواه:
حسن شیرین پدر بودن

پدر بودن حس خیلی شیرین و دلچسبی است و باعث می‌شود افراد مسئولیت‌پذیرتر شوند. تا پدر نباشید نمی‌توانید این حس را درک کنید. وقتی پدر می‌شویم تازه متوجه زحماتی که پدران ما کشیده‌اند می‌شویم و قدر آنها را بیشتر می‌دانیم. من بچه‌ها را خیلی دوست دارم و اگر امکانات و زمان اجازه می‌داد دوست داشتم ۴ یا ۵ بچه داشته باشم، اما خیلی سخت است؛ هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ معنوی. در دنیای بازیگری هم وقتی پدر هستی و نقش پدر را بازی می‌کنی حس خیلی بهتری داری برای اینکه این حس را در واقعیت تجربه کرده‌ای و بهتر می‌توانی آن را درک کنی.



آقای بنفشه‌خواه! حضور شما در سینما و تلویزیون چقدر در زندگی هنری فرزندان تأثیر داشت؟

رضا: من هیچ تأثیری در بازیگر شدن بیژن نداشتم. همین‌طور که در انتخاب شغل آن دو پسر «هزیر» و «پژمان» نقشی نداشتم. بیژن برخلاف برادرانش از بچگی به بازیگری علاقه داشت. یکبار در دوره ابتدایی که برای جلسه انجمن اولیا و مربیان به مدرسه‌اش رفته بودم، دیدم با چند نفر از بچه‌ها در مدرسه تئاتر اجرا می‌کند. همان موقع چند نفر از دوستان بازیگر و کارگردان که رابطه خانوادگی داشتیم، وقتی بیژن را می‌دیدند می‌گفتند این بچه استعداد بازیگری دارد و... یکبار هم گفتند دنبال یک بازیگر نوجوان می‌گردند و خواستند بیژن نقش بازی کند، بعد از آن من گفتم تا دیپلمت را نگیری نمی‌گذارم بازی کنی.

شغل آن دو فرزندان چیست؟

رضا: پسر بزرگم «هزیر» دبیرستان که بود، یک روز آمد و گفت: «مامان می‌گوید باید بروی تجریش و دکتر شوی. اما من می‌خواهم مهندس شوم.» گفتم: «نه حرف مرا گوش کن و نه مادرت را. برو دنبال علاقات.» سال‌هاست که مهندس عمران شده و در کانادا زندگی می‌کند. «پژمان» پسر کوچکم هم وقتی سوم راهنمایی‌اش تمام شد گفت: «می‌خواهم به هنرستان بروم.» در هنرستان و دانشگاه نقاشی خواند و لیسانس گرفت. حالا هم به‌عنوان گرمسور در سینما و تلویزیون کار می‌کند. من دوست داشتم پسرهایم دنبال علاقه شخصی‌شان بروند. چون معتقدم یک راننده تاکسی، یک نقاش، یک هنرمند با علاقه، موفق‌تر و خوشحال‌تر از یک پزشک بی‌علاقه است.

پدرم پدروم چه زمانی با شما آشنا شد؟

بیژن: پدرم از بچگی همیشه مثل یک دوست با ما رفتار می‌کرد. گاهی دلخور می‌شد و دعوایمان می‌کرد. اما هیچ‌وقت کلام و حرف بدی نمی‌زد یا ما را تنبیه نمی‌کرد.

رضا: سعی کرده‌ام با پسرهایم رابطه دوستانه داشته باشم و بیشتر رفیقشان باشم تا پدر.

بیژن: درسته است که پدرم توصیه‌ای به انتخاب رشته یا

شغل من نداشتمند اما غیرمستقیم در ورود به دنیای هنر نقش داشتند. پدرم همیشه من و برادرهایم را با خود به سینما و تئاتر می‌بردند. بعدها هم که بازیگر شدند، گاهی همراهشان سر فیلمبرداری و اجرا می‌رفتیم و در واقع از بچگی با فضاهای هنری آشنا شدیم و این موضوع در شکل‌گیری علاقه من به بازیگری مؤثر بود.

آقای بیژن! برای انتخاب نقش‌هایتان از پدرتان مشورت می‌گیرید؟

بیژن: آن اوایل که تازه بازیگر شده بودم درباره پیشنهادهای بازیگری و رقص قراردها با بابا مشورت می‌کردم.

آقای بنفشه‌خواه! روز پدر چه کادویی از پسرها گرفتید؟

رضا: هیچی والا... بچه‌ها کادو نمی‌دهند، منتظرند کادو بگیرند. (با خنده)

بیژن: ما معمولاً فقط روزهای تولدمان به همدیگر کادو می‌دهیم، ما به پدر ادکلن هدیه می‌دهیم و پدر هم پول هدیه می‌دهند.

ارتباط پدر و فرزندی بین شما چطور است؟

رضا: سعی کرده‌ام با پسرهایم رابطه دوستانه داشته باشم و بیشتر رفیقشان باشم تا پدر. ارتباط خیلی خوبی با پسرايم دارم. اما همیشه دلم می‌خواست یک دختر هم داشتم.

بیژن: پدرم با ما رفتار می‌کرد. گاهی دلخور می‌شد و دعوایمان می‌کرد. اما هیچ‌وقت کلام و حرف بدی نمی‌زد یا ما را تنبیه نمی‌کرد.

رضا: سعی کرده‌ام با پسرهایم رابطه دوستانه داشته باشم و بیشتر رفیقشان باشم تا پدر.

بیژن: درسته است که پدرم توصیه‌ای به انتخاب رشته یا

رضا بنفشه‌خواه:
سعی کردم پدر کاملی باشم

اینکه من چقدر پدر خوبی بوده‌ام را باید از فرزندانم بپرسید. همیشه تلاش کردم نه تنها از بچه‌هایم بلکه از دیگران توقعی نداشته باشم. هرچقدر آدم توقعش را از اطرافیان پایین بیاورد، قطعاً راحت‌تر زندگی می‌کند و کمتر حرص می‌خورد. یک پدر خوب به نظر من کسی است که هم از نظر مالی و هم از نظر معنوی بچه‌های خودش را حمایت کند. وقتی بچه بزرگ می‌شود یک وظایفی دارد و در مقابل پدر و مادر هم وظایفی دارند؛ اما فکر می‌کنم وظیفه پدر و مادر بیشتر است، زیرا بچه برای خودش زندگی می‌کند اما هیچ پدر و مادری فرزندان‌شان را برای این بزرگ نمی‌کنند که در آینده از او توقع داشته باشند. این حق فرزندان است که از پدر و مادر خود انتظار داشته باشند آنچه از دست‌شان برمی‌آید برای آنها انجام دهند.

یادش بخیر؛ چقدر می‌نشستم آثاری بازی می‌کردیم. اما واقعیت این است که طبق یک قانون نانوشته ارتباط پسرها با مادرها و دخترها با پدرها بهتر است. حالا که خودم پدر هستم و می‌دانم دختر داشتن چه حس خوبی دارد، پس درک می‌کنم که پدر همیشه دلش می‌خواست یک دختر هم داشته باشد.

بین پسرها کدام بیشتر شیطنت می‌کردید و به اصطلاح آتش می‌سوزاند؟

بیژن: من و برادرهایم به یک اندازه شیطنت می‌کردیم. اما چون آنها درسخوان بودند شیطنشان به چشم نمی‌آمد. هزیر برعکس من، شاگرد بسیار زرنگ و درسخوانی بود اما من مدرسه برایم یک کابوس بود و از اول راهنمایی سالی یک‌بار تجدید شدم. پدرم هم از اوضاع درسی‌ام ناراضی بود.

با اینکه در استان خوب نبود اما نخستین بار در کنکور رشته نمایش قبول شدید؟

بیژن: این موضوع باعث تعجب خودم هم شد! تقریباً آنقدر از قبول‌نشدم مطمئن بودم که حتی بیک سنجش را که اسامی قبول‌شدگان دانشگاه در آن چاپ می‌شد، نگرفتم. وقتی پدرم خبر قبولی‌ام را آورد، فکر کردم شوخی می‌کند!

نخستین بار با چه نقشی در تئاتر، سینما یا تلویزیون بازی کردید؟

رضا: نخستین حضورم در تلویزیون نوروز سال ۱۳۶۳ و با سریال «مخمس» بود. آن موقع بیژن ۱۰ ساله بود.

بیژن: ترم دوم دانشگاه برای پرداخت شهریه مشکل پیدا کردم. پدرم می‌گفت نمی‌تواند هزینه دانشگاه آزاد را پرداخت کند. برای همین مجبور شدم از ترم دوم سر کار بروم که تئاتر عروسکی «پهروز غریب‌پور» به نام «میکی و کارگاه ۲» نخستین شغل من بود. ✕

بیژن بنفشه‌خواه:
به ناحق یک سیلی از معلم خوردم!

من و «نیما فلاح» در دوره دبستان هم‌کلاسی و دوست بودیم. یک‌روز، نفری یک آینه کوچک سر کلاس برده بودیم. موقعی که معلم پای تخته می‌نوشت، آن را درمی‌آوردیم و نور خورشید را روی تخته می‌انداختیم. یکبار که نیما نور می‌انداخت، معلم یک‌دفعه برگشت و نور توی چشمش افتاد. تا معلم به سر میز ما بیاید، نیما سریع آینه‌اش را قایم کرد و چون آینه را دست من دید یک سیلی آبدار خواباند زیر گوشم! هرچه گفتم کار من نبود، باور نکرد که نکرد. شاید هم حق داشت. چون آینه را در دست من دیده بود. البته من هم معرفت به‌خرج دادم و نیما را لو ندادم. بعد هم که از کلاس بیرون آمدم ناظمان یک سیلی دیگر تارم کرد!

نویسنده حوزه دفاع مقدس از تجربه نوشتن درباره شهدا می‌گوید

کوتاه و شیرین

مثل یک خواب بعد از ظهر

«مربع‌های قرمز» و «درگاه این خانه بوسیدنی است» اثر زینب عرفانیان مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است و بر آن تقریظ نوشته‌اند

سَمیرا باباجانیور

زینب عرفانیان، نویسنده کتاب «رسول مولتان»

«مربع‌های قرمز»، «درگاه این خانه بوسیدنی است» و «همسایه‌های خانم جان»، متولد ۱۴ مهر ۱۳۶۳، کارشناس ارشد تاریخ اسلام و ساکن تهران است. از بین این کتاب‌ها، «مربع‌های قرمز» و «درگاه این خانه بوسیدنی است» مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته و تقریظ‌هایی بر آنها نوشته‌اند. او این روزها مشغول نوشتن کتابی با عنوان «همسایه خانم جان» است؛ خاطراتی از ۴ ماه حضور شهید «حسان جاویدی» در سوریه به عنوان پرستار است. همچنین کتابی درباره شهید رکن آبادی، از شهیدهای منا، را در دست نگارش دارد. گفت‌وگوی ما را با این نویسنده حوزه دفاع مقدس می‌خوانید.

ویژگی اصلی نوشتن درباره شهدا و خانواده‌شان، حضور آنان در مسیر تدوین و تألیف کتاب است. من این را دیدم که شهدا حاضر و ناظر بر کار هستند و کسانی که دستی در آتش دارند و در این حوزه می‌نویسند، این را حس می‌کنند که خودشان کارهای نیستند و اتفاقات در دایره مدیریت خودشان رقم نمی‌خورد. در واقع صاحب اصلی کار، کار را پیش می‌برد. مسلمانان و رویداد به خاطر مادران شهید و همسران‌شان ساده نیست! ورود به خاطر مادران شهدا و همسران‌شان شاید در نگاه اول خیلی سخت نباشد، اما سختی‌های خودش را دارد. قرار است وارد حیطه شخصی یک فرد شویم. قرار است رازهای مگو را از زبان آنها بشنویم و آنها احساسات‌شان را بگویند. رازی که باید تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی‌اش را بگوید که موضوع بسیار بااهمیتی است. به هر حال، هرکاری سختی‌های خودش را دارد و مزد را به اندازه سختی و زحمتی که می‌کشیم می‌دهند. برای تألیف یک اثر سفارش می‌گیرید یا خودتان به سراغ آن می‌روید؟

عموماً کارهایم توسط رازی به من پیشنهاد شده است و از این بابت بسیار خوشحالم.

در سال‌های اخیر کتاب‌های زیادی درباره شهدا نوشته شده است. نظر شما درباره کیفیت این آثار چیست؟

هرکاری فرم و روایت خودش را دارد و من همه کتاب‌ها را نخوانده‌ام که بتوانم نظر بدهم. گام‌های خوبی در حال برداشته شدن است. در مورد کیفیت کتاب‌ها نمی‌توانم اظهار نظر کنم، اما به لحاظ کمی آثار زیادی در حال تولید شدن است. بازماندگان شهدا، شاهدان یک واقعه هستند و اطلاعاتی در سینه دارند که تاریخ شفاهی یک کشور به حساب می‌آید. از و ندیده‌ام، اما به آنها مدیونم؛ زانی که طلایی‌ترین روزهای جوانی‌شان را بدون هیچ چشمداشتی با جنگ تقسیم کردند.

نوشتن درباره شهدا و خانواده‌های‌شان چه ویژگی‌هایی دارد؟

این نظر، برای ثبت و ضبط این تاریخ باید دست بچینایم و کار روی زمین مانده را برداریم. مقام معظم رهبری در یکی از دیدارهای‌شان فرمودند تلاش در این زمینه باید صبرابر شود، که نشان از کار روی زمین مانده است. به نقطه ایده‌آل نرسیده‌ایم، اما این حجم از کتاب در حوزه شهدا، که وارد بازار نشر می‌شود، نشان از این دارد که تلاش‌های خوبی صورت می‌گیرد.

یک بخش از بازار کتاب، تولید و بخش دیگر مصرف است. چگونه باید مخاطب را جذب این کتاب‌ها کنیم و تولیدات را به مصرف برسانیم؟

اعتقاد بر این است که تولیدکننده در شکل‌گیری سلیقه مخاطب نقش دارد. برای جذب مخاطب تا جایی که امکان داشته باشد باید بتوانیم واقعی بنویسیم که مخاطب بتواند همذات‌پنداری کند. نویسنده نباید افسانه‌ای از شخصیت شهدا بسازد که دست‌نیافتنی باشد. شهدا مراحل رشد را پله‌پله طی کردند که به اعلی‌ترین رسیدند. راه رشد را باید نشان مخاطب بدهیم. باید به مخاطب نشان دهیم لقمه‌ای که شهدا خوردند و تربیتی که شدند در پیدا کردن و پیمودن راه درست نقش داشته است. اگر این نکات در کارها به زبان ساده بیان شود، قطعاً مخاطب با آن همذات‌پنداری می‌کند و به آن علاقه‌مند می‌شود.

مسلمانان هم‌نشینی با خانواده شهدا و گوش سپردن به خاطرات‌شان باید متفاوت باشد، به خصوص کتاب «درگاه این خانه بوسیدنی است» که مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. خاطره‌ای از مراحل



انتقال رسیده‌اند. بزرگ‌تر از داغ بچه برای مادر وجود ندارد، اما اعتقاد به این راه است که منجر به انتقال می‌شود. بسا اینکه فروغ منهی ۳ فرزندش را از دست داده است، اما صورتش را همیشه خندان می‌بینید. این دنیا و تعلقاتش پشت سر مادر شهید قرار دارد. تعلق مادی را در رفتارهای او نمی‌بینید. فروغ منهی بعد از شهادت فرزندان از مادیات و تعلقات این دنیا و همه زرق و برق‌هایش منقطع شده است و این چیزی است که من کم از کم از نزدیک شاهدش بودم. ✕



خانه‌موزه شهدا در منطقه ۱۸ به محلی برای آشنایی کهنه‌سربازان و هم‌دلی خانواده‌هایشان مبدل شده است

تماشای یادگار شهدا دل‌ها را می‌لرزاند



مریم قاسمی

خانه‌موزه شهدای منطقه ۱۸، در محله شهید رجایی، ابتدای خیابان شهدای دانش‌آموز است. برای رفتن به این موزه متفاوت کافی است سوار اتوبوس‌های شهک ولی عصر (عج) - میدان آزادی شوید و در ایستگاه شهدای دانش‌آموز پیاده شوید.

فضای داخلی موزه شهدا چند بخش اصلی دارد که هر کدام دوره‌ای تاریخی را به نمایش گذاشته است. از «سیدحسین سیدولی‌لو»، کارشناس امور ایثارگران شهرداری منطقه ۱۸، می‌خواهیم درباره امکانات و برنامه‌های خانه‌موزه شهدا برای ما صحبت می‌کند.

«سید ولی‌لو» از رزمندگان دوران دفاع مقدس است و سال‌ها راوی رشادت‌های جوانان این مرزوبوم در اردوهای راهیان نور بوده است. او اطلاعات خوبی از عملیات‌های مختلف دوران دفاع مقدس دارد و می‌تواند پاسخگوی سؤالات بازدیدکنندگان باشد.

خانه‌موزه شهدا چندین بخش دارد. بخش اول، سالن رویدادها و اتفاقات دوران پیروزی انقلاب اسلامی و بخش دوم، اتاق جنگ و سالن معرفی شهدای شاخص و چهره‌های مطرح دوران هشت سال دفاع مقدس است. در اینجا تصاویری از شهدای معظم منطقه ۱۸ به نمایش درآمده و سومین بخش، اتاق مربوط به شهدای مدافع حرم است. در این بخش تماشای یادگاری‌ها، خواندن وصیتنامه و آثار به‌جامانده از شهدا برای بازدیدکنندگان



خیر مقدم به خانواده شهدا

یکی از ویژگی‌های بارز موزه شهدا این است که همه خانواده‌های شهدا دارای یک کارت ورود هستند که هنگام ورود به خانه‌موزه و کشیدن آن در دستگاه تعبیه‌شده، بلندگوهای موزه به صدا درمی‌آیند و با خوشامدگویی، اطلاعاتی مانند نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، تاریخ شهادت، حضور در عملیات، وصیتنامه و مختصری از زندگی‌نامه شهید را به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد تا اهالی با آن شهید بیشتر آشنا شوند.

خانه امید جانبازان و ایثارگران

دوستی تعداد زیادی از خانواده شهدا، جانبازان و ایثارگران در محل موزه شهدا شکل گرفته است. آنها در محافل و دوره‌های موزه از خاطرات دوران جنگ تحمیلی و رشادت‌های هم‌زمان خود می‌گویند و با هم تجدید خاطره می‌کنند. حالا دیگر موزه شهدا به خانه دوم جانبازان و ایثارگران تبدیل شده است.



خاطره‌ای می‌افتند و با ما در میان می‌گذارند تا از آن استفاده کنیم. حدود ۲۰ درصد از اطلاعات و تصاویر شهدای محله از طریق همسایه‌ها، بستگان دور و نزدیک، کاتبان محله و شوراباران در اختیار کارشناسان امور ایثارگران قرار گرفته و هنگام چاپ کتابچه‌ها و بارگذاری مطالب از آنها استفاده شده است.

کارشناس امور ایثارگران شهرداری منطقه می‌گوید: «همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید فرموده‌اند، حفظ و پاسداشت نام و یاد شهدا کمتر از شهادت نیست. همه ما وظیفه داریم تا این فرهنگ و معارف ناب و معنوی منطقه اشاره می‌کنند و می‌گویند: «این سایت برای سهولت دسترسی شهروندان به بانک اطلاعات شهدای معظم منطقه دایر شده و اطلاعات آن در طول ماه و فصل به‌روز می‌شود. گاهی وقت‌ها دوستان و هم‌زمان شهدا با ورود به سایت و مطالعه مطالب به یاد نکته و

معرفی فرهنگ ایثار و شهادت به نسل جدید

سید ولی‌لو به راهاندازی نسخه الکترونیکی و سایت امور ایثارگران منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید: «این سایت برای سهولت دسترسی شهروندان به بانک اطلاعات شهدای معظم منطقه دایر شده و اطلاعات آن در طول ماه و فصل به‌روز می‌شود. گاهی وقت‌ها دوستان و هم‌زمان شهدا با ورود به سایت و مطالعه مطالب به یاد نکته و

برپایی موبک شهدا

کارشناس امور ایثارگران شهرداری منطقه در ادامه از معماری خاص موزه شهدا صحبت می‌کند: «مما این ساختمان ایرانی-اسلامی و کاشیکاری‌های آن برگرفته از هنر اصیل ایرانی است. حسینیه موزه شهدا فضای مناسبی است برای برگزاری مراسم ملی و مذهبی، قرائت قرآن و دعا... به بنا بر نیاز شهروندان و درخواست آنها، این فضا در اختیارشان قرار می‌گیرد. به‌جز این، موبک شهدا توسط شهروندان در ایام و مناسبت‌های ویژه، مثل سالگرد شهدای منطقه ۱۸، ماه محرم، نیمه شعبان، ماه مبارک رمضان و... در محل خانه‌موزه شهدا برپا می‌شود.»

گفت‌وگو با شاعر محبوب ترانه‌های کودکی و خالق شعر معروف «صد دانه یاقوت»

لالایی عاشورا را در محله نواب سرودم

پریسا نوری

حتی اگر اهل شعر و

شاعری نباشید، حتماً با

بسیاری از سروده‌هایش در کتاب‌های فارسی

دوره دبستان خاطره دارید. شعرهای آهنگین و دلنشینی

مانند «صد دانه یاقوت»، «خوشا به حالت، ای روستایی» و... که با

زبان ساده مفاهیم زندگی را به بیش از ۳ نسل از کودکان و نوجوانان

ایران‌زمین آموزش داده‌اند. «مصطفی رحماندوست» با انتشار ۲۲۰ شعر و قصه،

ترجمه ده‌ها داستان کودکانه و تألیف چندین کتاب با موضوع فنون قصه‌گویی برای

کودکان، سهم بسزایی در پرورش ماندن چراغ ادبیات کودک و نوجوان این سرزمین

داشته و نامش با شعر کودک و نوجوان عجین شده است. در یکی از روزهای سرد

زمستان، برای گفت‌وگوی دوستانه با این شاعر محبوب کودکان که به تعبیری او را پدر

شعر کودک می‌خوانند، به دفتر کارش در محله درازشیب رفتیم. >

<< در شعر «شهر و روستا» و برخی دیگر از سروده‌هایتان حال و هوا و طبیعت روستا جوری به زیبایی توصیف شده که انگار در روستا زندگی کرده‌اید.

بله. آن شعرها را با الهام از دوره کودکی‌ام و روزگاری که در روستایی در همدان زندگی می‌کردیم، سرودم. زندگی ساده و روستایی داشتیم؛ یک خانه روستایی و حیاطی بزرگ که در آن مرغ و خروس نگهداری می‌کردیم. چون یخچال نداشتیم، هر وقت گوشت می‌خواستیم، پدرم سر یکی از مرغ و خروس‌ها را می‌بردند و کترک و پرش را می‌کنند و مادرم همان روز آن را می‌پخت.

<< چه سالی به تهران آمدید و در کدام محله ساکن شدید؟

سال ۱۳۴۹ که دانشجو شدم به تهران آمدم و سال‌ها در خیابان استادمعین ساکن شدم. ۲۶ سال هم است که در دروس زندگی می‌کنم.

<< از خاطرات خیابان استادمعین بگویید.

آنجا منطقه‌های مخصوص فرهنگیان بود. یعنی تقریباً همه ساکنانش فرهنگی یا بازنشسته بودند. من و همسر و ۳ دخترم در یکی از مجتمع‌های فرهنگیان زندگی می‌کردیم. همسایه روبه‌روی ما پدر گروس عبدالملکیان بود. محله ما بسیار امن بود و مردم بسیار خوبی داشت، طوری که دخترهایم از صبح تا شب با خیال راحت در محوطه دوچرخه‌ازی می‌کردند. با اینکه زمان بمباران و جنگ بود و مشکل و کمبود زیاد داشتیم، اما محبت‌ها خیلی زیاد بود. یک تعاونی فرهنگیان داشتیم که بیشتر تعاونی تبادل عاطفه بود. چون ساعت‌ها آنجا دور هم جمع می‌شدیم و از هر دری حرف می‌زدیم. بچه‌ها که بزرگ‌تر شدند، دیدیم جایمان تنگ است، تصمیم گرفتیم خانه‌ای بزرگ‌تر بخریم. دوستی داشتیم که می‌دانست دنبال خانه‌ایم، پیشنهاد داد در دروس زمین بخریم و بسازیم. فرهنگی بودیم و زور جیمیان به خرید خانه در شمال شهر نمی‌رسید. با ۸،۷ نفر شریکی

زمینی در دروس خریدیم و به تدریج پول دادیم تا خانه ساخته شد. از آن موقع در دروس زندگی می‌کنم. اما هنوز هم گاهی دلم برای آن روزها تنگ می‌شود و می‌روم در آن محدوده قدم می‌زنم تا شاید آشنایی قدیمی بینم و سلام و علیکی کنیم.

<< کدامیک از شعرهایتان با الهام از محله‌های تهران سروده شده است؟

حدود سی و اندی سال پیش شعر «لالایی عاشورا» را در کوچه‌پس‌کوچه‌های نواب گفتم. ماجرایش این بود که چند سال

مرا برای شب شعر عاشورایی دعوت می‌کردند. اما چون شعری به این مناسبت نگفته بودم، نمی‌رفتم. یک شب که زنگ زدند و برای شرکت در این شب شعر دعوت‌م کردند، عذرخواهی کردم و گفتم نمی‌توانم بیایم. بعد هم از دست خودم ناراحت شدم که چرا شعر عاشورایی ندارم. همان موقع شعر «گنجشک لالایی من داشت از رادیو پخش می‌شد. با خودم گفتم فقط بلدی شعر لالایی بگویی؟ همین لالایی را برای عاشورا بخوان. همانجا که کوچه نشستیم و در روشنایی تیرچراغ برق شعر لالایی عاشورا را سرودم.

<< کدام سروده‌تان از همه بهتر است و آن را بیشتر دوست دارید؟ شعر صد دانه یاقوت؟

شعر صد دانه یاقوت را مردم خیلی دوست دارند و اغلب هرجا مرا می‌بینند می‌خوانند. اما راستش خودم هنوز از شعرهایم راضی نیستم و دنبال این هستم که شعر بهتری بگویم.

<< واقعا هر جا می‌روید، مردم شعر صد دانه یاقوت را برایتان می‌خوانند؟

بله. این شعر را مردم طور دیگری دوست دارند و جاهای مختلف که می‌روم مردم محبتشان را با خواندن این شعر نشان می‌دهند. مثلاً به بانک می‌روم؛ کارمندان شعر را می‌خوانند یا چند شب پیش که به تئاتر رفته بودم، تماشاگران برایم این شعر را خواندند.

<< خاطره‌ای از برخورد مردم با شاعر دوران کودکی‌شان تعریف کنید.

مردم همیشه به من لطف دارند و هر جا مرا شناخته‌اند با عزت و احترام برخورد کرده‌اند. یکبار به خاطر عجله‌ای که داشتم با ماشین شخصی وارد طرح ترافیک شدم. افسر پلیس دستور توقف داد و با اخم مدارک خواست. وقتی اسمم را روی گواهینامه دید، چهره‌اش باز شد و گفت: «من اگر شما را جریمه کنم پیش بچه‌ام خجالت می‌کشم». بعد هم احترام نظامی گذاشت و گفت: «بفرمایید، به سلامت.»

<< با ترافیک و شلوغی تهران چطور کنار می‌آیید؟

همیشه در ماشینم کتاب صوتی دارم که موقع رانندگی گوش می‌کنم و متوجه نمی‌شوم زمان چطور می‌گذرد؛ باعث می‌شود از ترافیک و شلوغی کلافه نشوم. به همه هم توصیه می‌کنم ترافیک تهران را با گوش دادن به کتاب گویا دلپذیر کنند. هرچند پشت فرمان گوش دادن به کتاب صوتی جزو مطالعه حساب نمی‌شود، اما از مطالعه نکردن بهتر است.

<< بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها

اغلب شما را با شعرهای دوره مدرسه می‌شناسند. چند شعرتان در کتاب‌های درسی چاپ شده؟

در هر دوره، بستگی به سلیقه سیاستگذاران، محتوای کتاب درسی فرق داشته. زمانی ۷ شعر از من در کتاب‌ها بود، یک دوره ۲ تا ۴ شعر و چند سالی هم هیچ‌کدام از شعرهایم نبود. اما هیچ‌کدام از شعرهایم اغلب بچه‌ها و بزرگ‌ترها مرا با شعرهای کتاب مدرسه می‌شناسند و یکی از زیباترین لحظه‌هایم آنجاست که پدرها و مادرها وقتی مرا جایی می‌بینند، می‌گویند: «ما شعر شما را هنوز حفظ هستیم». یا می‌گویند: «یادش به خیر. چقدر از اینکه شعرهای شما را سر کلاس حفظ نمودیم حرص خوردیم.» (با خنده)

<< شاعر کودکان حتماً ارتباط خوبی با بچه‌ها دارد.

ارتباطم با بچه‌ها عالی است. قبل از کرونا که مدارس باز بود، وقتی شعر یا قصه‌ای می‌گفتم، اول به مدرسه می‌رفتم و شعر را برای بچه‌هایم می‌خواندم و نظرشان را می‌گفتم و بعد سراغ چاپ می‌رفتم. الان هم سعی می‌کنم از طریق فضای مجازی ارتباطم را با آنها داشته باشم. حقیقت این است که من سوز و وزن شعرهایم را از حرف زدن، خیال‌پردازی‌ها و بازی بچه‌ها می‌گیرم. سرسته و یواشکی بگویم که شعرهایم از خود نیست، همه مال بچه‌هاست.

<< سرودن شعر را از دوره نوجوانی شروع کرده‌اید، از اول شعر کودک و نوجوان می‌گفتید؟

زمانی که در دانشگاه تهران دانشجوی ادبیات فارسی بودم، شعر طنز و شعر نو و مدرن می‌گفتم و آنها را سر کلاس شادروان دکتر «مظاهر مصفا» و دکتر «شفیعی کدکنی» می‌خواندم و تشویق می‌شدم. بعدها فهمیدم که چون شعرهایم پیچیده است، برخی از مخاطبان مفهوم آن را اشتباه متوجه می‌شوند. به همین دلیل تصمیم گرفتم که به جای بزرگ‌ترها برای بچه‌ها شعر بگویم. چون دنیای بچه‌ها صاف و ساده و بی‌شلیه‌پله است. اگر از کارت خوششان بیاید لیخندی به تو می‌زنند و اگر دوست نداشته باشند، شانه‌هایشان را بالا می‌اندازند. این صفا و راستگویی بچه‌ها بود که مرا به ادبیات کودکان علاقه‌مند کرد.

<< به نظر شما شعر کودک در جامعه ما چه جایگاهی دارد؟

حقیقتش نمی‌دانم. در این زمینه مطالعه نکرده‌ام و نمی‌خواهم بدون مطالعه حرف بزنم. البته با دوستان و نویسندگان جلسات گفت‌وگوی درباره این موضوع برگزار کرده‌ایم، اما نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نکرده‌ام. ✕

هدیه جالب

میهمان ایتالیایی

به نظر می‌رسد خالق شعر انار، علاقه خاصی به این میوه بهشتی دارد. چون دفتر کارش با انواع انار از خشک تا سفالی و شیشه‌ای و پلاستیکی تزئین شده. رحماندوست در این باره می‌گوید: «راستش انار را مثل سایر میوه‌ها دوست دارم. اما این انارهای دکوری را دوستانم به مناسبت‌های مختلف هدیه آورده‌اند. چون فکر می‌کنند برای خالق شعر انار، هدیه‌ای خوشایندتر از انار نیست. در واقع اغلب وقتی کسی به من سر می‌زند، برایم انار می‌آورد. چند وقت پیش یک خاتم که تزئین شده با لیسانس درباره جایگاه زبان فارسی در ایتالیاست، وقتی به ایران آمد، برایم هدیه یک دانه انار درشت و آبدار آورد.»

«آقای طهمورث، چرا ایران‌زمین و شهرک غرب را برای سکونت انتخاب کردید؟»

ما در خیابان فرح‌بخش یوسف‌آباد ساکن بودیم که در گذشته بن‌بست بود، اما وقتی به بزرگراه جلال آل احمد دسترسی پیدا کرد و اسیر ترافیک شد، تصمیم گرفتم که از آن محله خارج شوم. وقتی خواستیم جابه‌جا شویم تمام تهران راه از فرمانیه تا اقدسیه، مقدس اردبیلی و... گشتیم، اما همسرم همه را رد می‌کرد. تا اینکه به خیابان ایران‌زمین آمدیم. برادر مرحومم در خانه‌های ویلایی همین خیابان زندگی می‌کرد و جالب آنجا بود که هر وقت برای دیدنش به این محله می‌آمدیم، می‌گفتم واقعا چه کسانی می‌خواهند در این محله

کوتاه درباره سیاوش طهمورث

متولد: ۳ اسفند ۱۳۲۵
تحصیلات: فارغ‌التحصیل رشته تئاتر از دانشکده هنرهای دراماتیک نخستین بازی: سال ۱۳۶۱ در سریال همشهری
فعالیت‌ها: بازیگری، دوبله، کارگردانی و نویسندگی

تعداد آثار: ۱۹ فیلم سینمایی، ۵۴ فیلم تلویزیونی، نمایش خانگی و نمایشنامه‌خوانی

ایران زمین؛ دوست‌داشتنی‌ترین جای دنیا

مریم باقرپور

«سیاوش طهمورث» ابهت خاصی دارد، حتی وقتی با لبخند حرف می‌زند. پشت صدای مقتدر و هیبت مردانه‌اش و با وجود اینکه او را بیشتر با نقش‌های ضدقهرمان در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی می‌شناسیم، روحیه مهربان و لطیفی دارد. وقتی حرف محله زندگی‌اش به میان می‌آید، می‌گوید محله ایران‌زمین شهرک غرب را با هیچ‌جا عوض نمی‌کند. برای بازیگر مجموعه‌های تلویزیونی «گرگ‌ها»، «آینه»، «در پناه تو» و... محله‌اش دوست‌داشتنی‌ترین جای دنیاست. برای همین قرارمان را با او در پایگاه ستاد مدیریت بحران شهرداری منطقه ۲، نزدیک محل سکونتش، می‌گذاریم؛ چراکه طهمورث به‌تازگی رفت‌وآمد زیادی به این پایگاه دارد و به دنبال انجام کار فرهنگی و آموزشی در زمینه پیشگیری از بحران است. با او درباره محله‌اش و فعالیت‌های روزهای اخیرش به گفت‌وگو نشستیم.

ایران‌زمین و شهرک غرب را بدون فروشگاه‌های زنجیره‌ای، کارواش و تعمیرگاه‌ها دوست‌دارم و با هیچ‌جا عوض نمی‌کنم

دارم. از طرفی این محدوده محصور نیست و به نظرم بهترین هوای تهران را دارد. دسترسی ما به بزرگراه‌ها هم راحت‌تر است، در حالی‌که اگر در شمال تهران مانند فرمانیه و اقدسیه خانه گرفته بودیم، حداقل ۳ تا ۴

ساعت باید در ترافیک می‌ماندیم، اما حالا در ترافیک کمتری هستیم. من ایران‌زمین و شهرک غرب را بدون فروشگاه‌های زنجیره‌ای، کارواش و تعمیرگاه‌ها دوست دارم و با هیچ‌جا عوض نمی‌کنم.

«چرا بدون تعمیرگاه و کارواش و...؟»

چون موقعیت ایران‌زمین به هم خورده است و بدون قاعده مشاغل مختلفی در آن ایجاد شده است که جای‌شان در شهرک نیست. البته در شهرک جاهای زیادی هست که هنوز بکر مانده است.

«پس، از ترافیک فراری هستید؟»

خب! آلودگی هوا و صدا، هر فردی را آزار می‌دهد و قابل تحمل نیست.



بازیگر مطرح کشورمان می‌گوید زندگی در شهرک غرب را با هیچ‌جا عوض نمی‌کند

ترین جای دنیا

«گویا قرار است در زمینه مدیریت بحران هم برنامه آموزشی مشترک با منطقه ۲ داشته باشید؟»

«آقای طهمورث این روزها چه می‌کنید؟»

۲ قرار داد دارم، اما باید منتظر باشم تا به مرحله اجرا برسند. البته جلسه‌هایی هم داشتیم که بتوانیم کاری را که ۲۴ سال پیش، ۸ ماه در کشورهای مختلف دنیا و از جمله آمریکا و یک ماه در آلمان و همچنین در فستیوال بین‌المللی آوینیون فرانسه به صحنه رفت، دوباره اجرا کنیم و این بار به شهرهای کشور خودمان و اروپا و کانادا و شاید هم کره ماه (با خنده) برویم تا اجرا داشته باشیم. البته این موضوع تا به سرانجام برسد، زمان می‌برد.

«منظور تان نمایش «معرکه در معرکه» است؟»

بله. معرکه در معرکه نخستین

با کاشت درخت در خیابان ایران‌زمین، در آینده شاهد خیابان ولی‌عصر (عج) دیگری خواهیم بود

نمایشی بود که پس از پیروزی انقلاب در خارج از کشور اجرا می‌شد و خوشبختانه ۲۰۰ بار در تهران روی صحنه رفت. پس از آن در آمریکا هفته‌ای ۲ تا ۳ شب اجرا داشتیم و بیشتر تماشاچیان ایرانی‌ها بودند و سالان معمولاً با هزار و ۲۰۰ نفر پر

راستش من در زمینه‌های مختلف با نهادها همکاری دارم. مثلاً سفیر پهداشتی دانشگاه تهران هستم و برای پزشکان و پرستاران برنامه داریم. خوشحال هم می‌شوم که کمکی در زمینه بحران داشته باشم. برای همین قرار است چند موضوع آموزشی در زمینه ساختمان‌های ایمن و... داشته باشیم. چون در همین شهرک غرب هم ساختمان‌هایی وجود دارد که ایمن نیستند. این شامل ساختمان‌های نوساز هم می‌شود، چراکه‌گاه به جای تیر آهن ۳۵ از تیر آهن ۱۰ استفاده می‌کنند و در برخی محله‌ها هم ساختمان‌های فرسوده‌ای داریم که نیاز به بازسازی دارند. قرار است درباره این موارد برنامه مشترک آموزشی داشته باشیم.

می‌شد. در آلمان هم شبی گفتند که عده‌ای به دنبال به هم زدن اجرا هستند، اما من گفتم نمایش را اجرا می‌کنیم و این کار انجام شد بدون اینکه اتفاقی بیفتد. هنوز هم دوستانم خاطرات آن دوران را یادآوری می‌کنند و معتقدند نمایش خوبی بود.

«اجرا در خارج از کشور سخت است؟»
شاید اولش سخت باشد، چون به فضا و کشوری

«وقتی از تو می‌گویم»

کتاب «وقتی از تو می‌گویم» اثر سیاوش طهمورث، ۲ سال پیش منتشر شد. این کتاب مجموعه قصه‌های کوتاهی است که توسط انتشارات نودا جمع‌آوری شده است. طهمورث معتقد است که نسل امروز حوصله خواندن داستان‌های بلند را ندارد و به مطالعه داستان کوتاه راغب‌تر است؛ از این‌رو قصه‌های این کتاب کوتاه، اما جذاب است. محتوای کتاب برگرفته از وقایع واقعی زندگی طهمورث است. او می‌گوید: «بارها گفته‌ام و مجدد می‌گویم، چاپ کتاب تخصص می‌خواهد و حتی خودم با آنکه سال‌ها می‌نوشتیم، جسارت ورود به این حوزه را نداشتیم. هیچ‌گاه نوشته‌هایم را با هدف نویسنده شدن ننوشتیم. من اینها را نوشتم تا تراوشات ذهنی‌ام را روی کاغذ بیاورم. تعداد زیادی داستان بلند و کوتاه، فیلمنامه و نمایشنامه نوشتم، شعر هم سرودم تا یادم باشد چطور فکر می‌کردم و چه برخوردهایی در جامعه داشتیم، اما دوست نداشتم آنها را منتشر کنم. دوستان اصرار کردند و خودشان پیگیر چاپ آن شدند تا آثار را در قالبی غیر از هنرهای نمایشی ارائه دهند.»



می‌روید که با فرهنگ خودتان متفاوت است. حتی با ایرانیانی مواجه می‌شوید که در نتیجه سکونت طولانی در خارج از ایران با نیمی از فرهنگ آن دیار همگون شده‌اند. اما جالب اینجاست

یک سیدی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. از فرد آموزش‌دیده آزمون هم گرفته می‌شود و در نهایت ۱۰ تا ۱۵ بازیگر را انتخاب می‌کنیم.

«به محیط اطراف و محله توجه خاصی دارید؟»

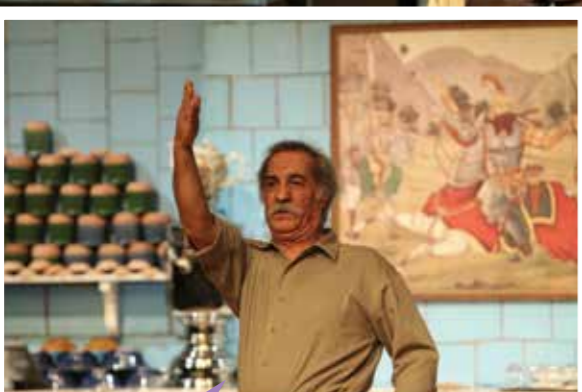
فکر می‌کنم برای همه، محیط اطراف‌شان اهمیت دارد و معتقدم که از نظر روان‌شناختی هم زیبایی محیط بر روحیه تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، اگر هنگام خروج از خانه، مخروبه‌ای را ببینید تأثیر آن تا عصر در ذهن‌تان باقی می‌ماند. یادم هست قدیم‌ها رفتگران خیابان را پس از جازو، آب‌پاشی می‌کردند که بسیار زیبا بود و محله باطراوت می‌شد، اما الان این اتفاق‌ها کمتر می‌افتد. همه اینها جزئیات در نشاط و سرزندگی افراد تأثیرگذار است.

«از زیبایی محل زندگی‌تان بگویید؟»

در محدوده «خورزم» با وجود فضاهای سبز و بوستانش می‌توان چنین زیبایی‌هایی را دید، اما در



طهمورث در حال گفت‌وگو با یکی از اهالی محله ایران‌زمین



نقش منفی تکراری بازی نکردم

سیاوش طهمورث به بازی کردن در کاراکترهای منفی خاکستری شهرت دارد. او می‌گوید: «متأسفانه در ساخت سریال‌ها و فیلم‌ها دچار نقص هستیم. کارگردان فکر می‌کند بازیگر باید فقط در همان قالب همیشگی بازی کند و اجازه تغییر در نوع بازی را به بازیگر نمی‌دهد. درحالی‌که برای من، به‌عنوان بازیگر، هیچ فرقی ندارد در چه قالبی بازی کنم. من نقش سیاه و سفید و مثبت و منفی بازی می‌کنم، چون معتقدم همه این ویژگی‌ها در جامعه وجود دارد و باید آنها را بازی کرد. هیچ‌یک از نقش‌های خاکستری که تا امروز بازی کردم شبیه دیگری نبوده است. چون حرکت دست‌ها و واکنش صورت و صداسازی همگی با یکدیگر متفاوت است. البته از خوشبختی من است که به‌رغم بازی کردن در نقش‌های منفی و خاکستری باز هم جامعه به

با ما مشکلات شهری را زیر ذره‌بین ببرید

گزارشی از یک معضل اجتماعی که شهروندان منطقه ۲ را در روزهای پایانی هفته و شب‌ها به ستوه آورده است

دور دورهای لاکچری روی اعصاب سعادت‌آبادی‌ها

مریم باقرپور

تا همین چند سال پیش خیابان‌های ایران زمین، سعادت‌آباد و بلوار اندرزگو مهم‌ترین پاتوق لوکس‌سوارانی بود که برای تفریح و به رخ کشیدن ماشین‌های‌شان به اینجا می‌آمدند، ترافیک ایجاد می‌کردند و صدای موزیک ماشین‌های‌شان اهالی را آزار می‌داد تا اینکه دستگاه‌های اجرایی وارد عمل شدند. اما گویا ماجرای دور دورها تمامی ندارد و این روزها گرچه حضورشان در برخی محدوده‌ها کاهش یافته، اما همچنان از گوشه و کنار بلوار شهید ذبیحی در محله بوعلی، خیابان شهیدای برق، محدوده بیمارستان مدرس، بلوار شهید پاک‌نژاد خبر می‌رسد که دور دور بازها یکبار دیگر همدیگر را پیدا کرده‌اند و این میان‌گاه حادثه‌ای هم رخ می‌دهد؛ مانند حادثه جندی پیش بلوار پاک‌نژاد که جان عابری را گرفت.

«بلوار هست، ما هم هستیم»
ساعت ۶ عصر که می‌گذرد بلوار شهید ذبیحی هم شلوغ می‌شود. این بلوار ۲ کیلومتری از انتهای حق‌شناس شروع می‌شود و تا میدان هنر ادامه دارد. نیمه‌های بلوار چند خودرو بوگاتی، پورشه، کاپرا و بی‌ام‌و توقف کرده و ترافیک راه انداخته‌اند. صدای پخش خودروها آنقدر بلند است که کسی صدای بوق خودرو پشت سرش را نمی‌شنود. سرنشینان خودروها ۲۰ تا ۳۰ ساله به نظر می‌رسند و با آمدن داریوش، خودروها به حرکت در می‌آیند. داریوش از قدیمی‌های دور دور به حساب می‌آید و به ما می‌گوید: «واقعیت این است که هرچا بلواری پیدا شود که بتوان

در آن دوری زد، می‌شود دور دور؛ فرقی هم نمی‌کند این بلوار یا آن بلوار. می‌تواند هر کجای ایران باشد؛ مثل سعادت‌آباد، ایران زمین یا همین بلوار ذبیحی. هر جا که از شر ایست و بازرسی در امان باشیم، مناسب‌تر است.» این دور دورها ساکنان ۲ هزار و ۵۰۰ واحدی شهرک را آزار می‌دهند. «فرزین رحمانی» از ساکنان مجتمع پرواز می‌گوید: «عصرها زمان برگشت به خانه کلافه می‌شوم. راه دیگری خودروها در گوشه‌های توقف می‌کنند و گاه در ترددن و تعدادشان آنقدر زیاد است که مجبوریم در ترافیک بمانیم.»

«۳۰۰ متر در ۱۰ دقیقه»

در محدوده بلوار شهید ذبیحی صدها خنوار سکونت دارند. بیشترین معترض دور دورها ساکنان جنوب همین بلوار هستند؛ همان‌ها که در ساختمان‌های دوطبقه شهرک مخابرات زندگی می‌کنند. «محمد ترابی» استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی، ساکن همین بلوار است. او بارها در ترافیک خودروهای مدل بالا و لوکس‌گیر کرده و رسیدن به خیابان سرخ عابدی که از تقاطع اصلی کمتر از ۳۰۰ متر فاصله دارد، بیش از ۱۰ دقیقه طول کشیده است. می‌گوید: «گاهی تعداد خودروها آنقدر زیاد می‌شود که قابل شمارش نیست. برخی مواقع کنار هم جمع می‌شوند که این خود باعث سد معبر شده و امکان عبور حتی یک خودرو از کنارشان وجود ندارد. گاه تا نیمه‌های شب شاهد دور دور خودروها هستیم که از صدای پخش صوتشان ساختمان‌ها تکان می‌خورد. برخی مواقع پلیس هم حضور دارد، اما کاری نمی‌تواند انجام دهد.» این استاد دانشگاه مقصر اصلی را جوانان نمی‌داند و می‌گوید: «وقتی جوانان بیکار و بی‌زنامه باشند، از طرفی هم پدر و مادرشان خودرویی برایشان بخرند، نباید توقع داشت که چنین صحنه‌هایی در شهر وجود نداشته باشد. از طرفی حالا دیگر دور دور شامل فقط ماشین‌های مدل بالا نیست. گاه افرادی را می‌بینیم که خودرو لوکس ندارند، اما در حال چرخیدن هستند تا شاید رقیبی برای خود یافته و مسابقه بدهند.»

«وقتی راهی برای آمبولانس نیست»

شمال میدان سعادت‌آباد، عصرها و آخر هفته‌ها پاتوق دور دورسواران است. در طول سال شهرداری و نیروهای انتظامی و راهور با طرح‌های مختلف مثل اصلاح هندسی و نصب راهبند تلاش می‌کنند حجم دور دورها را کم کنند، اما کافی است بعد از ظهر یکی از روزهایی که فردایش هم تعطیل است به این محل سر بزنید تا شاهد حضورشان باشید؛ چون حرفه‌های دور دور چم و خم کار دست‌شان آمده و می‌دانند به چه شکل سدهای موجود را دور بزنند و به هدف خود برسند. حتی حواس‌شان به صدای موتورهای هم هست؛ چون هر موتوری که از کنارشان رد می‌شود، ممکن است گشت انتظامی باشد و طعم دور دورشان را با دستگیری تلخ کند. گرچه برخی هم ترس زیادی از مأموران دارند و در فرعی‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌ها رانندگی می‌کنند، اما در نهایت به قرارهای هفتگی و همیشگی خود می‌رسند و با چهره‌های آشنا در خیابان، موازی هم گاز می‌دهند. دور دوربازان کار را به جایی رسانده‌اند که حتی اطراف بیمارستان هم ترافیک قابل توجهی به وجود می‌آید. «محمد مقیسه» از کارکنان بیمارستان مدرس می‌گوید: «عصرهایی که فردایش به هر دلیلی تعطیل است، بیچاره می‌شویم. فاصله میدان کاج تا بیمارستان چندان زیاد نیست و در زمان عادی آمبولانس در چند دقیقه می‌رسد، اما اوای از روزهای آخر هفته و تعطیل، راننده‌های آمبولانس‌ها مجبورند زمان زیادی را پشت خودروهای بمانند که راننده‌های‌شان صدای آژیر هم برایشان اهمیتی ندارد.»

«نه پلیس هست نه دوربین»

بلوار شهید پاک‌نژاد برخلاف سایر معابر منطقه که روزهای پایانی هفته به پاتوق دور دورسواران تبدیل می‌شود، با تاریکی هوا پاتوق دور دورسواران است؛ چراکه از تاکسی‌ها و متروسواران میدان صنعت خبری نیست و می‌توانند با سرعت در بلوار ویراز داده و خودروهای خود را به رخ بکشند و حتی کورس بگذارند. پاتوق‌شان هم‌گاه ابتدای بلوار

یک استاد دانشگاه: گاهی تعداد خودروها آنقدر زیاد می‌شود که قابل شمارش نیست؛ گاه تا نیمه‌های شب شاهد دور دور خودروها هستیم که از صدای پخش صوتشان ساختمان‌ها تکان می‌خورد.

و نزدیک میدان دامن‌ان است. «کیان» ۲۵ ساله از جمله افرادی است که با پرادو سیاه رنگش از ساعت ۱۱ شب به این بلوار آمده است. او می‌گوید: «قبلاً با وجود کارگاه مترو، حجم تردد بالا بود و ما به سختی می‌توانستیم دور دور کنیم. چون کارگاه شش‌شنبه‌روزی بود و ناگهان کامیونی از کارگاه وارد بلوار می‌شد. پلیس هم بود. حالا که کارگاه نیست راحت می‌توانیم به تفریح خودمان ادامه بدهیم. از طرفی با گذر زمان سرعتگیرها از بین رفته و دوربینی هم در تقاطع بلوار دامن‌ان و پاک‌نژاد وجود ندارد که مشکل ایجاد کند.»

«همیشه خودرو لوکس لازم نیست»

بلوار پاک‌نژاد برای «کیان» و دوستانش به یک پاتوق تبدیل شده، پاتوقی جذاب که توانسته جای کافه‌ها را هم بگیرد. او می‌گوید: «گاهی برای تفریح بیشتر، شربندی هم می‌کنیم. شربندی با توجه به نوع ماشین و بودجه مسابقه‌دهندگان توافقی تعیین می‌شود. مبلغ هم از ۱۰ تا چندصد میلیون متغیر است.» اما این دور دورهای به ظاهر مهیج همیشه بی‌خطر نیست. آمار حوادث شبانه آتش‌نشانی، اورژانس و راهور تأییدی بر این ادعاست. حادثه‌ای هم به تازگی رخ داد. جمعه اول بهمن در بلوار پاک‌نژاد، در مسیر شمال به جنوب، نرسیده به پل نیایش، در نتیجه کورس ۲ خودرو، عابر پیاده‌ای فوت می‌کند. خودروها لوکس نبودند. ۲ جوان کوئیک و تیپاسوار حین دور دور با هم مسابقه می‌دهند و نتیجه‌اش می‌شود از دست رفتن یک شهروند. X

رئیس تصادفات راهنمایی و رانندگی منطقه ۲: نیازمند همکاری نهادها هستیم

به گفته سخنگوی ناجا پلیس با هر آنچه که مخل نظم و امنیت و آسایش مردم باشد برخورد می‌کند. این موضوع هم چون تخلف مشهود است، پلیس امکان برخورد با آن را دارد. با این وجود همچنان دور دورسواران در معابر منطقه حضور دارند. حرفه‌ای‌ها حتی راه فرار را یساده گرفته‌اند و می‌دانند که کدام محله‌ها و در چه ساعت‌هایی پلیس هست و در چه ساعت‌هایی در آن محدوده پلیس حضور ندارد یا در مکان‌هایی مانند بلوار دامن‌ان چراغی در کار نیست تا تخلف‌ها را ثبت کند. سرعتگیرها هم که به مرور تخریب شده‌اند. حتی برخی اطلاع دارند که با وجود جانمایی پایه‌ها، دوربین پلاک‌شمار در سعادت‌آباد نصب نشده. همه این موارد دست به دست هم داده تا ساکنان تکه دوم پایتخت شاهد بازگشت دوباره دور دورسواران باشند. سرهنگ «امین رضایانه» رئیس تصادفات راهور منطقه، که بارها در صحنه حوادث رانندگی دور دورسواران و کورس‌بازان مانند تصادف تیپا و کوئیک، اول بهمن امسال و تصادف خودرویی با تیر چراغ برق بلوار دامن‌ان حضور داشته، در این باره می‌گوید: «ماهیت کار پلیس ایجاد نظم در جامعه است. ما وظیفه داریم خودروهای متخلف را جریمه کنیم. در زمینه دور دورسواران هم چند دوره طرح‌های اجرایی شد، اما مشکل منطقه فقط دور دوربازان نیستند. برخی برای تفریح، گاه از دور افتاده‌ترین نقطه پایتخت به منطقه ۲ می‌آیند و با لایق کشیدن و انجام حرکات نمایشی یا با صداهای ناهنجار خودروهای‌شان باعث نارضایتی شهروندان می‌شوند. پلیس در این موارد تذکر می‌دهد و اگر به فرمان پلیس توجه نشود، با متخلفان برخورد می‌کند. حتی عملیات‌های مشترکی هم انجام کرده‌ایم، اما آنقدر نیرو وجود ندارد که بتوان در همه معابر منطقه گروهی را مستقر کرد. در این موارد نیازمند همکاری شهرداری و همه نهادهای محلی‌ها هستیم تا این معضل را کم کنیم.»





معاون حمل و نقل و ترافیک
شهردار منطقه ۱۸:

ترافیک خیابان بهرامی روان می‌شود

هر چند اجرای پروژه تعریض و بازگشایی معابر در زمره فعالیت‌های حوزه معماری و شهرسازی قرار می‌گیرد، اما در ادامه چون منافع اجرای چنین پروژه‌ای به شهروندان می‌رسد، به حوزه حمل و نقل و ترافیک هم مربوط می‌شود. «فرجاد احمدی‌راد» معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه ۱۸ درباره اجرای طرح تعریض و بازگشایی خیابان شهیدان بهرامی می‌گوید: «همان‌طور که می‌دانید خیابان شهیدان بهرامی محور ارتباطی مهمی برای اتصال منطقه ۱۸ به منطقه ۱۷ است. بجز این خیابان شهیدان بهرامی از معابر اتصال‌دهنده بین محله‌های ولی‌عصر (عج) شمالی، جنوبی، بهداشت و صادقیه است و به همین دلیل حجم تردد خودروها در این محدوده بیش از دیگر جاهاست.»

کوی زینیه

محله مطلوب می‌شود

یکی از معابر فرعی و منشعب به خیابان شهیدان بهرامی در شهرک ولی‌عصر (عج) که در گذشته وضعیت بسیار بدی داشت و در گوشه و کنار آن فضاهای بی‌دفاع شهری متعددی به‌وجود آمده بود، کوی زینیه نام دارد. هوشیار، درباره اهمیت اجرای پروژه تعریض و عقب‌نشینی این معبر می‌گوید: «گر پای حرف ساکنان کوی زینیه بنشینید، آنها به مسائل مختلفی اشاره می‌کنند. در گذشته به دلیل نوع بافت مسکونی و وجود فضاهای بی‌دفاع در این محدوده رفت‌وآمد معاندان متجاهر و آسیب‌دیدگان اجتماعی بیشتر بود. این مسائل کیفیت زندگی ساکنان را پایین آورده و باعث شده بود تا آنان از زندگی در این محله احساس خوبی نداشته باشند و ابراز ناراحتی کنند. شهرداری منطقه برای حل این چالش با جدیت وارد میدان شد. اگر حالا به کوی زینیه سر بزنید می‌بینید که چه تعداد خانه در این گذر کم‌عرض تخریب شده است. مالکان این خانه‌ها و ساختمان‌های فرسوده با استقبال از طرح مشارکتی «کلید به کلید» اکنون در واحدهای نوسازی که در بلوار بهار ساخته شده زندگی می‌کنند.»



معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه از اجرای پروژه خیابان کامل همزمان با طرح عقب‌نشینی املاک معارض صحبت می‌کند و می‌افزاید: «اکنون در طول خیابان شهیدان بهرامی، ساخت مسیر پیاده‌روی خانوادگی، دوچرخه‌سواری و... در حال اجراست. این پروژه باعث می‌شود فضا و محیط پیرامون این خیابان زیباتر شود و شهروندان هنگام تردد در این محدوده احساس خوبی داشته باشند.»

بازگشایی و تعریض خیابان بهرامی و کوی زینیه به در دسر کهنه ساکنان شهرک ولی‌عصر (عج) پایان داد

طرح کلید به کلید قفل پروژه ۳۰ ساله را گشود

رضا نیکام

اگر به محدوده شهرک ولی‌عصر (عج) و خیابان شهیدان بهرامی بروید می‌بینید که در یک سال گذشته و به‌ویژه چند ماه اخیر تا چه اندازه تغییر کرده است. تخریب خطی املاک و مغازه‌های معارض و عقب‌نشینی‌های صورت گرفته باعث شده تا نمای این خیابان پر رفت‌وآمد به کلی عوض شود و به اصطلاح، مردم می‌توانند یک نفس تاره بکشند. «یعقوب هوشیار» شهردار منطقه ۱۸ از ویژگی‌های بارز این پروژه و اتفاقات خوبی که در این مدت افتاده برای ما صحبت می‌کند.

خود را تحویل دادند تا با تخریب آن، پروژه عقب‌نشینی معابر سرعت بیشتری بگیرد.»

«بازگشایی خیابان شهیدان بهرامی با سرعت پیش می‌رود»

شهردار منطقه ۱۸ از سرعت بالای طرح عقب‌نشینی و بازگشایی خیابان شهیدان بهرامی صحبت می‌کند و می‌گوید: «این پروژه شهری مهم بلوار بهار این امکان را برای مالکان املاک معارض فراهم کرد تا بدون دغدغه و نگرانی در عوض واگذاری املاک خود به شهرداری، کلید واحدهای نوساز را در بلوار بهار تحویل بگیرند. بسیاری از شهروندان پس از آگاهی از چنین شرایطی پیشقدم شدند و کلید املاک معارض



اعتمادسازی با طرح «کلید به کلید»

شهردار منطقه ۱۸، اعتمادسازی را از عوامل اصلی پیشبرد چنین پروژه‌هایی می‌داند و در این باره می‌گوید: «هرجا که اعتماد و اطمینان برقرار باشد، طرح‌های شهری از جمله تعیین تکلیف املاک معارض برای عقب‌نشینی و بازگشایی معابر زودتر به سرانجام

گلایه فرحزادی‌ها از مشکلات یک طرح نیمه‌کاره

بار ترافیک چند محله روی دوش یک خیابان

حسن حسن‌زاده

پیامدهای اجرای یک طرح نیمه‌کاره

بیش از یک سال است که شهرداری طرحی را برای زیباسازی و سنگفرش کردن حاشیه این خیابان کلید زده؛ طرحی که البته مدت‌هاست به‌صورت نیمه‌کاره رها شده و به معضلات ترافیک خیابان فرحزادی دامن زده است. «مصطفی لالی» شورایبار محله فرحزاد در این باره می‌گوید: «طول خیابان فرحزادی از بزرگراه یادگار امام (ره) تا میدان فرحزادی بیش از ۵۰۰ متر است، اما



خبرهای خوب در راه است

درخواست اهالی فرحزاد برای تعیین تکلیف پروژه نیمه‌کاره خیابان فرحزادی و رفع مشکلات ترافیک محله را با مسئولان شهرداری منطقه ۲ سنگفرش کردن خیابان فرحزادی مدتی به دلیل تعیین تکلیف وضعیت

طرح تفصیلی فرحزاد متوقف مانده بود. اما با ابلاغ طرح تفصیلی، اکنون پیمانکار پروژه در محل مستقر شده و به‌زودی مشکلات خیابان فرحزادی برطرف می‌شود. سعیدی درباره وضعیت تکمیل خیابان گلپهار می‌گوید: «تکمیل خیابان گلپهار به‌عنوان معبر دوم دسترسی به محله فرحزاد بار ترافیک خیابان فرحزادی را کاهش خواهد داد. در مسیر ساخت این خیابان معارضاتی وجود داشت که اکنون برطرف شده است. جدول کشی‌های خیابان انجام شده و به‌زودی با بازگشایی معبر بار ترافیک خیابان فرحزادی هم کاهش خواهد یافت.»



با وجود گذشت بیش از یک سال از آغاز پروژه، فقط حدود ۱۵۰ متر مربع از پیاده‌رو یک ضلع خیابان، سنگفرش و ادامه کار به حال خود رها شده است. برای اجرای این طرح، جدول و حریم پیاده‌رو قبلی تخریب شد و از آنجا که پروژه نیمه‌کاره باقی مانده است، حالا خودروها در هر دو سوی خیابان پارک می‌کنند. این یعنی تنها یک لاین برای تردد خودروها باقی می‌ماند و در نتیجه ترافیک و راهنندان بیشتر از قبل شده است.»

راهندان کلافه‌کننده

فعالیت صنف تعمیرکاران و خدمات خودرویی در اطراف میدان فرحزادی عامل دیگری برای ترافیک تنها مسیر دسترسی به محله است. ترافیک روان خودروها هرچند دقیقه یک‌بار به راهندان تبدیل می‌شود. جلوتر که می‌رویم علت اصلی این راهندان کلافه‌کننده خودنمایی می‌کند؛ یک خودرو بدک‌کش، خودرویی تصادفی را به تعمیرگاه رسانده است. اما از آنجا که تنها یک لاین عبوری برای تردد خودروها وجود دارد، حرکت خودروها تا انتقال خودرو به تعمیرگاه متوقف می‌شود. لالی می‌گوید: «طی سال‌های اخیر، بسیاری از رستوران‌های کوچک حاشیه خیابان به واحدهای صنفی خدمات خودرویی تغییر کاربری دادند و مشکلات ترافیکی بیشتر شد. به همه این مشکلات، پیامدهای این طرح نیمه‌کاره را هم اضافه کنید؛ چون برای اجرای این طرح، حریم پیاده‌رو تخریب شد تا سنگفرش جایگزین آن شود. از آنجایی که خبری از تکمیل طرح نیست، حالا برخی از تعمیرکارها راحت‌تر خودرو مشتریان را کنار خیابان تعمیر می‌کنند و باعث ایجاد گره ترافیکی می‌شوند.»

توقف ساخت خیابان گلپهار

رفع بخشی از معضلات ترافیک محله فرحزاد در گرو کاهش بار ترافیک تنها ورودی این محله است. مشکلی که شهرداری منطقه ۲ از سال گذشته با طرح ساخت خیابان گلپهار به‌عنوان یک مسیر دسترسی جدید به فرحزاد به دنبال رفع آن بود. با وجود این، پروژه ساخت خیابان گلپهار هم مدتی است متوقف مانده و به مشکلات ترافیکی تنها ورودی فرحزاد دامن زده است.

با وجود همه این مشکلات، خیابان فرحزادی بار ترافیک چند محله دیگر را هم به دوش می‌کشد. لالی در این باره می‌گوید: «ساکنان محله‌های شهرک نفت و اهالی چند محله دیگر منطقه ۵ هم از خیابان فرحزادی برای دسترسی به منازل خود استفاده می‌کنند. عصرها که بار ترافیک بزرگراه یادگار امام (ره) بیشتر می‌شود، ساکنان محله‌های شهرک نفت برای دور زدن ترافیک بزرگراه، ترافیک خیابان فرحزادی را به جان می‌خرند که باعث تشدید ترافیک این خیابان می‌شود.»

ترافیک خیابان فرحزادی روز و شب

ندارد. حوالی ظهر که رستوران‌های حاشیه این خیابان برای وعده ناهار باز می‌شوند، قطار ترافیک و راهندان خودروها از راه می‌رسد و ترافیک و روان شدن تردد خودروها کاملاً ملموس بوده و باعث شده است تا باز خوردهای مثبتی از سوی شهروندان در یافت کنیم. با توجه به همت و پشتکار شهرداری منطقه ۱۸ تا چند ماه آینده پرونده املاک معارض در خیابان شهیدان بهرامی به‌طور کامل بسته می‌شود.»

معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه از اجرای پروژه خیابان کامل همزمان با طرح عقب‌نشینی املاک معارض صحبت می‌کند و می‌افزاید: «اکنون در طول خیابان شهیدان بهرامی، ساخت مسیر پیاده‌روی خانوادگی، دوچرخه‌سواری و... در حال اجراست. این پروژه باعث می‌شود فضا و محیط پیرامون این خیابان زیباتر شود و شهروندان هنگام تردد در این محدوده احساس خوبی داشته باشند.»

رستوران‌های حاشیه خیابان پارکینگ ندارند

اهالی فرحزاد سال‌هاست با ترافیک ورودی محله دست و پنجه نرم می‌کنند و دیگر به معطلی در این ترافیک کلافه‌کننده خو گرفته‌اند. «محمدعلی کریمیان» یکی از اهالی فرحزاد می‌گوید: «فرحزاد بیش از ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد. با وجود این، خیابان فرحزادی تنها مسیر دسترسی به محله است. همین مسئله تمام بار ترافیکی محله را روی دوش یک خیابان انداخته. از طرفی حاشیه این خیابان پر از رستوران و قهوه‌خانه‌هاست که سال‌هاست پاتوق گردشگران به شمار می‌رود.»

حوالی ظهر مقابل رستوران‌ها و قهوه‌خانه‌های فرحزاد جا برای سوزن انداختن نیست. رستوران‌های حاشیه خیابان پارکینگ ندارند و همین مسئله به ترافیک خیابان فرحزادی دامن می‌زند. کریمیان ادامه می‌دهد: «رستوران‌دارها جای پارک حاشیه خیابان را برای مشتریان رزرو می‌کنند و این یعنی افزایش معضل کمبود جای پارک در محله. بعضی از مشتریان رستوران‌ها هم خودرو خود را در مکان‌های نامناسب پارک می‌کنند که کندهی تردد خودروها در خیابان فرحزاد را در پی دارد.»

پایان مزاحمت چندین ساله واحدهای خرید و فروش ضایعات برای شهروندان منطقه ۱۵

ضایعاتی‌ها

با تابلک خدا حافظی کردند

■ سارا جعفرزاده

فعالیت واحدهای خرید و فروش ضایعات در منطقه ۱۵ معضل دیروز و امروز نیست. بیش از یک دهه است که این واحدها بیخ گوش شهروندان و در قلب محله‌های این منطقه، رخنه و سراسر محله‌ها را قرق کرده‌اند. فعالیت این واحدهای متخلف طی سال‌های اخیر معضلات بسیاری را برای محله‌های تابلک و هاشم‌آباد به وجود آورد و در نهایت باعث ناراضی‌تیی شهروندان شد. در این واحدها اقداماتی از جمله خرید و فروش ضایعات در حد کلان و خرده خشک و... صورت می‌گرفت. البته نگهداری آنها هم باعث ازدیاد جانوران موذی و آلودگی زیست‌محیطی در محله شده بود. محله‌های تابلک و هاشم‌آباد از محله‌های قدیمی منطقه ۱۵ هستند که به مرور زمان با افزایش واحدهای ضایعاتی تغییر چهره داد و فعالیت ضایعات‌فروشان و حضور معاندان شد بخش جدانشدنی آن. البته این پایان ماجرا نبود. شهرداری منطقه ۱۵ دست به کار شد و برای نخستین بار به صورت جدی طرح جمع‌آوری واحدهای ضایعاتی را اجرا کرد و آرامش به محله بازگشت.

بازار محلی ضایعات‌فروشان تعطیل شد

چندین سال بود که محله‌های تابلک و هاشم‌آباد دیگر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی هویتی یک محله را از دست داده بودند و فقط نام محله را به دوش می‌کشیدند. در طول سال‌های اخیر به دلیل افزایش واحدهای ضایعاتی، هویت این محله پشت کوه ضایعات پنهان بود. «محسن ابوالقاسمی» یکی از شهروندان ساکن هاشم‌آباد در این باره می‌گوید: «بهتر است بگویم هاشم‌آباد بازار ضایعات‌فروشان نبود تا محله. هاشم‌آباد، محله کودکی من است. آن زمان به جای مغازه‌های فعلی ضایعات‌فروشی، مغازه‌های فروش دیگ‌های مسنی فعالیت می‌کردند. اما به مرور زمان خودمان نظاره‌گر بودیم که این مغازه‌ها به دلیل سود حاصل از خرید و فروش ضایعات، شغلشان را تغییر دادند و معضلات بسیاری از جمله آلودگی زیست‌محیطی، ایجاد و پای معاندان به این محله باز شد. در طول این سال‌ها بارها به شهرداری نواحی و منطقه مراجعه کردیم و مسئولان طرح‌هایی را هم برای جمع‌آوری این واحدها اجرا کردند که بی‌تأثیر و موقتی بود. خوشبختانه با طرحی که در حال حاضر شهرداری منطقه ۱۵ در محله‌های هاشم‌آباد و تابلک اجرا کرده محله رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته است و شهروندان می‌توانند نفس راحتی بکشند. امید داریم این طرح ادامه پیدا کند.»

رونق اقتصادی با ایجاد بازار لوستر

از آنجایی که واحدهای ضایعاتی با فعالیت غیرمجاز در محله تابلک شهروندان را به ستوه آورده بودند، عده‌ای که توان مالی داشتند از این محله نقل مکان کردند، عده‌ای هم که چاره‌ای نداشتند، مانند و این شرایط را تحمل کردند. عده‌مراجعان به این واحدها معاندان متجاهر بودند که از میان زباله‌ها پسماند یا خرده ضایعاتی پیدا می‌کردند و به این واحدها می‌فروختند. عمق فاجعه اینجا بود که برخی از صاحبان این واحدها در ازای خرید ضایعات از معاندان به جای پول به آنها ماده‌مخدر می‌دادند و آنها در گوشه‌ای از محله مشغول استعمال می‌شدند. بنا به گواهی شهروندان، حتی برخی از معاندان در همان واحدها ماده‌مخدر مصرف می‌کردند. «علیرضا جنتی»، دبیر شوراییاری محله تابلک، که سال‌ها پیگیر جمع‌آوری ضایعات‌فروشان این محله بود، در این باره می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند درک کند که همسایگی با واحدهای ضایعات‌فروشی چه مشکلاتی دارد، مگر اینکه خودش این تجربه را داشته باشد. در طرح اخیر شهرداری، نزدیک به ۲۰۰ واحد ضایعات‌فروشی پلمب شدند و قرار شد که صاحبان این مشاغل طبق قوانین شغل خود را تغییر بدهند تا مغازه آنها فک پلمب شود. از طرفی با توجه به اینکه خیابان ذوالفقاری در همسایگی محله تابلک، بورس لوسترهای برنز و برنجی است، واحدهای ضایعاتی می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و وارد صنف لوستر‌فروشی شوند و راسته لوستر‌فروشی در محله ایجاد کنند تا هم چهره محله نونوار و هم رونق اقتصادی ایجاد شود.»



تغییر کاربری؛ شرط فک پلمب واحدها

«نزدیک به یک دهه است که شهروندان محله‌های تابلک و هاشم‌آباد درگیر فعالیت واحدهای صنفی غیرمجاز خرید ضایعات و پسماند از معاندان متجاهر هستند و از زمانی که شهردار فعلی منطقه ۱۵ سکان مدیریت را در به دست گرفت، رفع این مشکل از درخواست‌های اولیه شهروندان بود.» «هدی صباغ» شهردار منطقه ۱۵ در این باره می‌گوید: «همکاران ما در ناحیه یک قبلاً این طرح را آزمایشی اجرا کرده بودند و در ادامه این مسیر با هماهنگی دادسرای ناحیه ۱۴ و سرکلانتری منطقه به‌صورت ویژه، برداشته‌ها و مستندات مشترکی از واحدهای ضایعاتی تهیه شد. از طرفی با هم‌اندیشی در قرارگاه اجتماعی منطقه، با حضور دادستانی و نیروی انتظامی و همکاران بسیج و سپاه، به این حوزه وارد شدیم. در کل منطقه ۲۰۰ واحد صنفی غیرمجاز داریم. ۱۶۰ واحد در نواحی یک و ۲ وجود داشت که با همکاری کلانتری و حکم قضایی این واحدها کامل پاکسازی و پلمب شدند. ۴۰ واحد ضایعات دیگر هم در ناحیه ۴ فعالیت می‌کردند که در مرحله ابلاغ دستور قضایی قرار گرفته‌اند و در مدت زمان کوتاهی این واحدها هم پلمب می‌شوند.» صباغ در مورد ضرورت تغییر کاربری واحدهای ضایعاتی به‌عنوان تنها شرط فک پلمب این واحدها ادامه می‌دهد: «تا مالکان یا مستأجران اقدام به تغییر کاربری یا شغل نکنند و طبق ضوابط مجوزهای لازم را نگیرند، امکان بازگشایی این واحدها وجود ندارد. بسیاری از این واحدها تغییر شغل داده‌اند. واحدهایی هم که مقاومت می‌کنند در نهایت پلمب می‌شوند و اگر خودشان فک پلمب کنند و بازگشایی صورت بگیرد، فوراً دستور قضایی صادر و برخورد قاطعانه و سختی با متخلفان انجام می‌شود. این طرح برای نخستین بار در شهرداری تهران در منطقه ۱۵ با همکاری معاونت خدمات شهری و نواحی یک و ۲ انجام شده و با توجه به ویژگی‌های مثبت، این طرح توسط معاونت خدمات شهری و معاونت امور مناطق شهرداری پایتخت به مناطق ۲۲گانه و مناطقی که با مشکل مشابهی درگیر بودند برای اقدام مشابه ابلاغ شد.»

۲۰۰	۱۶۰	۴۰
واحد ضایعات‌فروشی غیر مجاز در منطقه ۱ فعال بود.	واحد فروش ضایعات در نواحی یک و ۲ پلمب شد.	واحد غیرمجاز ضایعاتی در ناحیه ۴ در مرحله ابلاغ دستور قضایی قرار گرفته‌اند.



یاخچی آباد

نظرسنجی برای تغییر نام یک محله

اهالی یاخچی آباد نام محله‌شان را دوست ندارند

رضایکنام

موضوع تغییر نام محله «یاخچی آباد» از سال‌های خیلی دور مطرح بوده، اما نتیجه‌ای به دنبال نداشته است. همچنان بیشتر ساکنان یاخچی آباد علاقه‌ای به نام محله‌شان ندارند و خواهان تغییر آن هستند. «احمد مقصودی» جانشین دبیر شوراییاری محله یاخچی آباد، درباره علت مخالفت شهروندان با این نام برای ما صحبت می‌کند.

انتخاب نام برای هر محله و کوچه یا خیابان برای خودش حکایتی دارد. عده‌ای بر این باورند که نام محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند باید معرف فرهنگ و هویت یک جامعه باشد، گروهی دیگر نیز نام‌های مدرن و امروزی را برای محله‌شان می‌پسندند. البته برای برخی دیگر فرقی نمی‌کند که چه اسمی روی محله باشد.

نامی آباد جنوبی نام قدیم یاخچی آباد

مقصودی که سال‌ها پیگیر تغییر نام محله یاخچی آباد بوده، می‌گوید: «تا کنون چند بار نام محله تغییر کرده، اما هر بار در زمان نامگذاری جدید و نصب تابلوسو اتفاقی افتاده است. خاطرم هست که شوراییاران چند دوره قبل، این پیشنهاد را به صحن شورای‌شهر بردند و تصویب هم شد، اما پس از تغییر مدیریت شهری این مصوبه روی میز مدیران وقت سرگردان ماند.» کلمه آذری یاخچی آباد، یعنی آبادی خرم و خوش آب و هوا. در دوره‌ای تعداد خانواده‌های مهاجر آذری‌زبان در این محدوده آنقدر زیاد می‌شود و محله به این نام شهرت پیدا می‌کند، اما به گفته ریش‌سفیدان و شهروندان بومی، تا قبل از آن به اینجا نازی آباد جنوبی می‌گفتند. هنوز در

اسناد رسمی و برخی اسناد مالکیت به صراحت نام این محله نازی‌آباد جنوبی نوشته شده که خودش سندی معتبر است.»

نازی‌آباد و یاخچی آباد کنار هم، اما این کجا و آن کجا؟

جانشین دبیر شوراییاری محله یاخچی‌آباد با تغییر نام محله به نازی‌آباد جنوبی موافق است و دلایل خود را دارد: «اول اینکه نام این محله با شرایط فرهنگی و اجتماعی کنونی جامعه مطابقت ندارد. فاصله زمانی این محله تا نازی‌آباد کمتر از ۵ دقیقه است، اما می‌بینید که حتی قیمت املاک و خانه‌های این ۲ محدوده که به هم چسبیده است خیلی با هم فرق می‌کند. که کارشناسان املاک علت این تفاوت قیمت را نام محله می‌دانند که باعث شده قیمت املاک نسبت به محله‌های همجوار افت پیدا کند و شهروندان از این بابت متضرر شوند.»

«منصور جلالی» از شهروندان منتقدی است که در این باره می‌گوید: «وقتی اسم محله یاخچی آباد را می‌برسم خیلی‌ها گمان می‌کنند ما در محله‌ای که همه آذری‌زبان هستند، زندگی می‌کنیم. در صورتی که در طول این سال‌ها اقوام آذری بسیاری از این محله کوچ کرده‌اند و اکنون جمعیت ساکن در آن از همه قومیت‌ها هستند.»

نوشتن نام محله به لاتین سخت است

«امیرصادق ورمزیار» می‌گوید: «بسرم خارج از کشور زندگی می‌کنم و هر چند وقت یکبار برایش وسایلی را که نیاز دارد پست می‌کنم. هر بار که می‌خواهم نشانی خانه را روی پاکت به زبان لاتین بنویسم به مشکل بر می‌خورم و باید از دیگران کمک بگیرم. اسم محله با حروف مختلفی نوشته می‌شود و نمی‌دانیم املای درست یاخچی آباد کدام است.»

این شهروند ساکن یاخچی‌آباد ادامه می‌دهد: «اسم محله خوب نیست و باید نامی ساده‌تر برای آن انتخاب کرد. کسانی که بومی نیستند اسم محله را «یاخچی‌آباد» می‌گویند و در روزنامه‌ها و سایت‌ها هم به اشتباه از این اسم استفاده می‌شود. با تغییر نام یاخچی‌آباد مشکل تلفظ و نوشتن نام محله برطرف می‌شود.»

مقصودی، جانشین دبیر شوراییاری محله یاخچی‌آباد در پایان به اجرای طرح نظرسنجی مجازی در کانال‌ها و گروه‌های اجتماعی با موضوع «کدام نام را برای محله‌تان می‌پسندید» اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این مدت چندین نام که معتمدان محله، شوراییاران و افراد بومی و محلی روی آن اجماع نظر دارند انتخاب شده است. مثل نازی‌آباد جنوبی، رضوان، وصال و بهشت که شهروندان می‌توانند در این نظرسنجی شرکت و نام مورد نظرشان را اعلام کنند. به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک با بررسی آرای مردمی بتوانیم برای تغییر نام محله اقدام کنیم. این طرح از نیمه نخست بهمن آغاز و تا آخرین روز سال ۱۴۰۰ ادامه دارد. شوراییاران محله پس از این مرحله موضوع را در شورای اسلامی شهر تهران مطرح و از آن دفاع می‌کنند تا نظر اعضای کمیسیون نامگذاری شورا تأمین شود.»



موزه دائمی نقشه تهران
حدود و ثغور پایتخت را از قرن پیش تاکنون به نمایش گذاشته است

تهرانی که بود تهرانی که هست

را حله عبدالحسینی

مرور اسناد و نقشه‌های تاریخی تهران یکی از منابعی است که گذشته پایتخت را به ما نشان می‌دهد. همین نقشه‌ها یادآور می‌شود که تهران چگونه گسترش پیدا کرد، قد کشید و بزرگ شد و در مسیر این توسعه کم‌کم دائمی نقشه‌های تهران سال ۱۳۷۹ در محله اقدسیه شمیران آغاز به کار کرد. بعد از مدتی برای مرمت نقشه‌ها و ساخت مخزن استاندارد نگهداری نقشه‌ها و اسناد تعطیل شد تا دوباره سال ۱۳۹۶ میزبان علاقه‌مندان و شهروندان شد. در این موزه علاوه بر نقشه‌های قدیمی از سال ۱۲۷۰، تجهیزات نقشه‌برداری نقشه‌های جهان نما، نقشه‌های قاره‌ای، نقشه‌های ایران، نقشه‌های شهرستان‌ها، اسناد و کتاب‌ها و اطلس‌های تهران و ایران نیز در معرض بازدید قرار گرفته‌است.



مجموعه‌ای از عکس‌ها و اسناد تهران قدیم
در موزه دائمی نقشه تهران تاریخ پایتخت با نقشه و سند و عکس نشان داده شده است. بازدیدکنندگان

اندازه‌گیری شد. ارزش و اهمیت این نقشه‌ها به اسامی و موقعیت‌های نوشته شده روی آن است؛ هرچند دقت نقشه‌ها حائز اهمیت نیست. در این موزه نقشه کامل عبدالغفارخان نجم‌الدوله از تهران با دقت و جزئیات کامل به نمایش گذاشته شده است. عبدالغفارخان نجم‌الدوله، معلم ریاضی و هندسه دارالفنون بود که به دستور ناصرالدین شاه همراه با ۲۰ نفر از شاگردانش نقشه‌های دقیق از تهران تهیه کرد. شروع این کار سال ۱۲۸۵ خورشیدی بوده و ترسیم این نقشه ۴ سال طول کشید. سرانجام سال ۱۳۰۹ چاپ شد.

درست در ابتدای ورود به موزه با یک مجموعه عکس از تهران قدیم از مجموعه فتو تهماسبی به قدمت ۸۰ سال روبه‌رو می‌شوند. سردرباغ ملی، میدان بهارستان، بانک ملی، دروازه شمیران، دروازه دوشان‌تپه، دروازه قزوین، لاله زار، زندان قصر، میدان امام حسین (ع) و به‌طور کلی شکل دروازه دولت، بلوار کشاورز، میدان قدیم برای بازدیدکنندگان روایت می‌شود. نقشه‌های این موزه از سال ۱۲۷۰ خورشیدی تاکنون در این موزه به نمایش درآمده است. نقشه محله‌های سنگلج، عودلجان، چاله میدان، بازار، یافت‌آباد، کن، تجریش، گلندونک و محله‌های دیگر نشان می‌دهد که بخش اعظم تهران زمین کشاورزی و باغ بود.

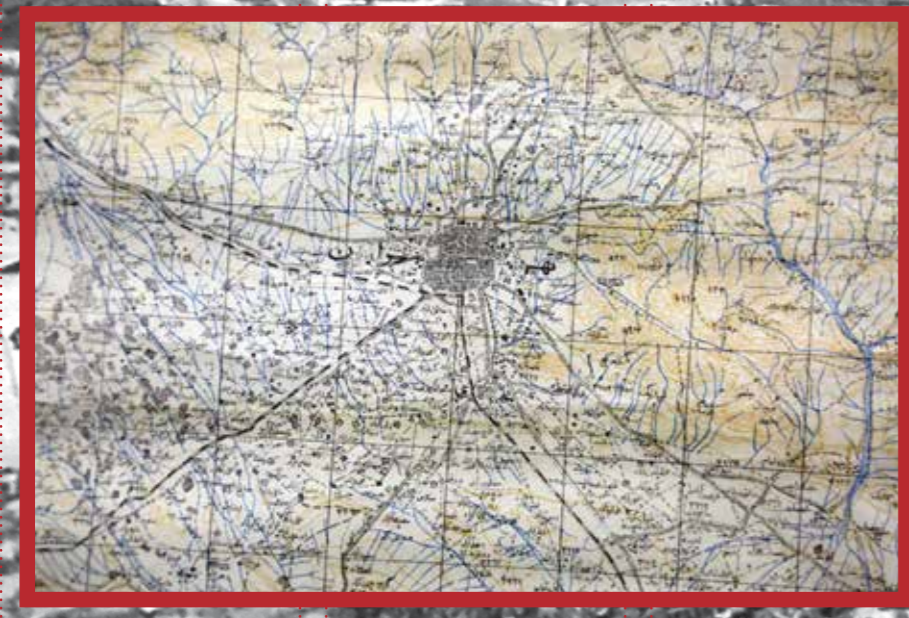
آموزش نقشه‌خوانی برای دانش‌آموزان
نقشه‌های این موزه سعی دارند هویت پایتخت ۲۳۰ ساله را به ما نشان دهند. این سوزه علاوه بر جمع‌آوری، احیا و نگهداری نقشه‌ها و اسناد در شرایط استاندارد اهداف دیگری را هم دنبال می‌کند؛ از جمله فرهنگ نقشه‌خوانی و تهران شناسی. «حسین امیدوار» مدیر موزه می‌گوید: «از آنجا که دانش‌آموزان پای ثابت بازدیدکنندگان موزه هستند، نقشه‌خوانی را به آنها توضیح می‌دهیم. معرفی تهران از روی نقشه برایشان جذاب است.» اکنون در مخزن موزه گنجینه‌ای شامل ۵ هزار قطعه (شیت) نقشه قدیمی از تهران و محله‌هایش، نقشه‌های جهان نما،

قاره‌ای و شهرستان‌ها وجود دارد که به تناوب در سالن موزه به نمایش درمی‌آید. بخشی از نقشه‌ها و اسناد این موزه از مجموعه‌داران خریداری شده و بخشی را هم مهندس «عباس سبحان» به موزه اهدا کرده است.

تجهیزات عتیقه نقشه‌برداری
ادوات و تجهیزات نقشه‌برداری، اطلسها و کتاب‌های قدیمی و اسناد تاریخی بلدیة شهر تهران از بخش‌های دیگر موزه دائمی نقشه تهران است. برای بازدید از آنها راهی طبقه پایین موزه می‌شویم. بزرگ‌ترین دستگاه این بخش ۸۱ نام دارد که یکی از ابزارهای تبدیل عکس هوایی به نقشه محصول شرکت بیلد سونیس بود. با کمک این دستگاه عکس‌ها را به‌صورت آبعدی می‌دیدند و نقشه را رسم می‌کردند. قدمت این دستگاه به

یک قرن پیش می‌رسد. مجله‌های بلدیة شامل گزارش‌های روزانه و قراردادهای بلدیة در عهد ناصری یکی دیگر از بخش‌های جالب و دیدنی طبقه پایین موزه نقشه تهران است. در پایان تصاویر هوایی از روند توسعه و گسترش تهران در ۲ قرن اخیر به نمایش گذاشته شده که به خوبی مسیر تحولات پایتخت را نشان می‌دهد. طراحی داخلی این موزه شبیه نیمکره زمین همراه با خطوط نصف النهار است. نقشه عبدالغفارخان نجم‌الدوله کف زمین کشیده شده و بازدیدکننده همین‌طور که پله‌ها را پایین می‌آید نام محله‌ها و خیابان‌ها و دروازه‌های تهران قدیم را مشاهده می‌کند. X

بازدید از موزه نقشه تهران
مساحت این موزه ۲ طبقه ۰۰۸ مترمربع است. پژوهشگران می‌توانند کپی نقشه‌ها را از این موزه تهیه کنند. برای بازدید هم ساعت ۸ تا ۵ به میدان ارتش، به سمت سفراه اقدسیه، بعد از مسجد امام جعفر صادق (ع) مراجعه کنید. البته به علت شیوع کرونا بازدید در گروه‌های محدود است. پس حتماً برای هماهنگی با شماره ۰۲۱۹۶۱۴۸ تماس بگیرید. به گفته مدیر موزه، اپلیکیشن موزه نقشه هم در کافه بازار موجود است. اگر اهل بازدید مجازی هستید به کار تان می‌آید.



ساعت خوش

تهران را با ما سیر و سیاحت کنید

آب رودخانه کن با خودش
مهمانان ناخوانده‌ای به دریاچه شهدای خلیج فارس می‌آورد



همسایگی گربه‌ماهی سیاه‌گوش با لاک‌پشت دریایی

■ ثریا روزبهانی

دریاچه چیتگر یکی از پروژه‌های کلانشهری در شمال غرب تهران است که با هدف تلطیف هوا و جذب گردشگر اجرا شده است. اندیشه ساخت دریاچه در این ناحیه به نخستین برنامه‌های شهری توسعه تهران باز می‌گردد که سرانجام در سال ۱۳۸۹ افتتاح شد. اکوسیستم کوهپایه‌ای، مهم‌ترین ویژگی منظر ساز بستر پروژه دریاچه شهدای خلیج فارس است. دانستن این موضوع که آب این دریاچه مصنوعی بزرگ از کجا و چگونه تأمین می‌شود، خالی از لطف نیست. >

منبع تأمین آب دریاچه، رودخانه کن است که ۵ میلیون از ۸۰ میلیون مترمکعب دبی سالانه رودخانه را به خود اختصاص داده است. در ساخت این دریاچه بر ۲ میلیارد آسایش، زیبایی‌شناسی و هویت تأکید شده بود. با توجه به اهمیت عرصه‌های دید در این پروژه، باید چشم‌اندازهایی برای هدایت چشم از سمت دریاچه به کوه و جنگل ایجاد می‌شد. این در حالی است که در عمل محوطه‌ای مسطح ایجاد شد که در آن هیچ‌یک از این عناصر وجود ندارد. دریاچه مصنوعی شهدای خلیج فارس با حجم ۱۰ میلیون مترمکعب آب، مساحت ۲۲۴ هکتار و عمق متوسط ۱۰ متر، بزرگ‌ترین دریاچه انسان‌ساخت محسوب می‌شود.

ساخت انسان یا طبیعت مسئله این است

«علیرضا زمانی» تهران‌شناس و پژوهشگر می‌گوید: «دریاچه شهدای خلیج فارس یا چیتگر، گود خیلی بزرگی بود که بعدها در آن دریاچه ساخته شد. برخلاف آنچه همه تصور می‌کنند که این دریاچه مصنوعی و ساخته دست مهندس‌ان است، قبلا در این بخش، اراضی بسیار گودی وجود داشت که شاخه‌ای از رودخانه کن جدا شده و به رودخانه لتمال کن که در مرز منطقه هو ۲۲ قرار داشت، ریخته می‌شد، اما این رود همیشه جریان نداشت و در بهار، که رودخانه پر آب بود، شاخه‌ای ایجاد می‌کرد

و در زمین‌های کشاورزی روان بود. بعدها این آب‌های جاری سرازیر و در گودی جمع می‌شد. اغلب، انتهای این گودی آب وجود داشت و در آبیاری گندم‌زارها از آن استفاده می‌شد.»

رودخانه کن، تغذیه‌کننده آب دریاچه چیتگر

مساحت دریاچه چیتگر حدود ۲۲۰ هکتار و حجم آن ۱۰ میلیون مترمکعب برآورد شده است که این حجم آب از طریق رودخانه‌های کن به‌عنوان گزینه مناسب و برتر تأمین می‌شود. «مریم خانی»، مدیر روابط عمومی دریاچه شهدای خلیج فارس، درباره عملیات آبیگری دریاچه شهدای خلیج فارس می‌گوید: «پهنه آبی مجموعه فرهنگی و گردشگری دریاچه شهدای خلیج فارس، مساحتی بالغ بر ۱۳۰ هکتار دارد که هر ساله به دلیل گرمای هوا مقدار قابل توجهی از حجم آن تبخیر می‌شود. تبخیر آب در فصل گرما باعث شده که برای رساندن آب دریاچه به تراز مطلوب، از رودخانه فصلی کن کمک گرفته شود. آب از رودخانه کن پس از طی مسیر ۷ کیلومتری کانال سرپوشیده و مراحل تصفیه، وارد مخزن دریاچه شهدای خلیج فارس می‌شود و به این ترتیب تراز آب دریاچه در سطح مطلوبی از سطح دریای آزاد قرار می‌گیرد. هرچند آب هدایت‌شده از رودخانه کن کیفیت خوبی دارد، اما قبل از انتقال به مخزن دریاچه، با هدف حفظ آبزیان

و سازگاری با اکوسیستم دریاچه، در تصفیه‌خانه دریاچه شهدای خلیج فارس تصفیه و پس از انجام اقدامات فنی وارد دریاچه می‌شود و همین امر باعث شده آب دریاچه به لحاظ مشخصات زیست محیطی دارای کیفیت بسیار بالا و مطابق با استانداردهای بین‌المللی باشد.»

همه‌گونه‌های موجود دریاچه

تصفیه‌خانه دریاچه شهدای خلیج فارس قادر است با ظرفیت ۴۰۰ لیتر بر ثانیه آب رودخانه کن را تصفیه کند و در طول سال به‌صورت مستمر با پشتیبانی سیستم بازچرخانی آب، مراقبت‌های لازم را برای بهبود کیفیت آب به اجرا در آورد. بخش عمده آب دریاچه از محل آب رودخانه کن و مابقی از روان‌آب‌های حوزه میانی و سطحی منطقه تأمین می‌شود. ماهی‌های موجود در دریاچه شهدای خلیج فارس با هدف آبی‌پروری در این پهنه آبی رها نشده‌اند. وظیفه این ماهی‌ها کمک به حفظ کیفیت آب از طریق تغذیه جلبک‌ها و ضایعات است. «قوم‌الدین بزرگیان» مسئول سایت پرندنگری دریاچه چیتگر می‌گوید: «در مطالعات قبلی توسط کارشناسان محیط‌زیست، حدود ۱۸ گونه آبی و ماهی، مثل قزل‌آلای رنگین‌کمان و کپور سرگنده جزو گونه‌های آبزیان این دریاچه شناسایی شده‌اند. در خصوص اضافه یا کم شدن تعداد آنها هنوز مطالعه‌ای انجام نشده است. علاوه بر

این، ۲ لاک‌پشت از گونه‌های لاک‌پشت دریایی بارها در دریاچه دیده شده و پرنده‌های مهاجر هم از دیگر مهمانان دریاچه هستند. بیشتر گونه‌های ماهیانی که شناسایی شده‌اند متعلق به خانواده کپورماهیان مانند کپور نقره‌ای، کپور سرگنده، علفخوار کپور معمولی هستند. گونه‌های از سیاه‌ماهی که از ماهیان بومی رودخانه کن محسوب می‌شود هم از طریق آب ورودی به دریاچه منتقل شده و در این محیط زیست می‌کند. گونه سیاه‌ماهی و قزل‌آلای رنگین‌کمان، بومی حوضه آبریز کن و منطقه چیتگر نیست؛ احتمالاً این گونه‌ها نیز همراه ماهیان پرورشی یا توسط مردم به دریاچه راه پیدا کرده‌اند. می‌شود گفت انواع ماهی‌ها از جمله مروریدماهی، قفقاز، سیاه‌ماهی، سیاه‌ماهی معمولی، کاراس وحشی، کپور معمولی، ماهی حوض، تیزکولی، کپور نقره‌ای، کپور سرگنده، علفخوار، آمورنما، اسکار، گربه‌ماهی رفتگر، گربه‌ماهی سیاه‌گوش، گامبوزیا، پیرانا، ماهی‌طلوطی در دریاچه شهدای خلیج فارس شناسایی شده‌اند. بستر دریاچه به دلیل جلوگیری از نفوذ آب عایق است و به همین دلیل کیفیت زیستگاهی مناسب را برای جایگزینی بی‌مهرگان پرتولید در دریاچه‌های آب شیرین نظیر دوکفه‌ای، حلزون، میگو، انواع کرم‌های کم‌تار و پرتار و آمفی‌پودا را ندارد. X

با خواندن این گزارش به تماشای
یک روستای ۸۰۰ ساله و یخچال طبیعی ۲۷۰ ساله‌اش بنشینید

ترش‌نبه!

سرزمین انبه‌های ترش

■ مریم قاسمی

از فاصله دور، طرح کله‌قندی یخچال خشت و گلی ترش‌نبه خودنمایی می‌کند. این بنای قدیمی ۲۷۰ساله متعلق به یک روستای ۸۰۰ساله است که تا همین ۷۰ سال پیش، برای نگهداری طولانی‌مدت مواد غذایی و همچنین تولید یخ برای فروش به شهروندان در نقاط مختلف تهران استفاده می‌شد. به گفته اعضای شورای روستای ترش‌نبه، از زمانی که آب قنات‌ها رو به خشکی رفت، این یخچال کاهگلی کاربرد اصلی‌اش را از دست داد و سال‌ها بومیان روستا از این فضا برای نگهداری دام و طیور استفاده می‌کردند. تغییر کاربری یخچال ترش‌نبه به طولیه، البته به بافت تاریخی آن خسارت جدی وارد کرد. آن زمان که زنگ خطر نابودی این یخچال به صدا در آمد، شورای روستا دست روی دست گذاشت و با پیگیری زیاد توانست نظر مسئولان سازمان میراث فرهنگی را برای حفظ این بنای تاریخی جلب کند. در نهایت، این یخچال طبیعی در دومین روز بهمن سال ۱۳۸۲ در زمره بناهای باارزش تاریخی قرار گرفت و از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرمت و بازسازی شد. این بنای ۲۷۰ساله به‌عنوان مقاوم‌ترین و بزرگ‌ترین یخچال تاریخی تهران ثبت ملی شده است. >

رئیس شورای روستای ترش‌نبه به بخش دیگری از تاریخچه شکل‌گیری روستای ترش‌نبه اشاره می‌کند و می‌گوید: «طبق اسناد و مدارک موجود، مالک اراضی و زمین‌های ترش‌نبه فردی به نام دکتر «حسین خان شفاعی» بوده که ۳۰ سال قبل، در ۹۰ سالگی، به رحمت خدا رفته است. حسین خان مدت زیادی ساکن ترش‌نبه بوده و او نام روستای خودش را ترش‌نبه گذاشته است. بعدها مالکیت اصلی این زمین‌ها در اختیار «منوچهر محمدعلی خان» ۸۵ ساله و «حاج عزیزالله خان» ۹۵ ساله قرار گرفته که هنوز در قید حیات‌اند و از بزرگان روستای ترش‌نبه هستند.»

«علی علیخانی»، عضو شورای روستای ترش‌نبه، دیدگاه متفاوتی درباره نام روستا و یخچال کاهگلی دارد. می‌گوید: «برخی این روستا را در گذشته سرزمین و روستای انبه‌های ترش می‌نامیدند و انتخاب نام ترش‌نبه به دلیل فراوانی «انبه‌های ترش» در این روستا بوده است. البته این روایت هم در ارتباط با حضور دکتر شفاعی، مالک اصلی این روستا، پا گرفته است؛ گویا او انبه ترش را از آمریکا به این روستا آورده و پرورش داده است.»

«حسین خان» نام این روستا را ترش‌نبه گذاشت

طبق آنچه از بزرگان روستا روایت شده، زمین‌های این روستا به علاوه این یخچال تاریخی، متعلق به فردی به نام «حسین خان» بوده که پس از مرگ او، فرزندان این املاک و زمین‌ها را فروختند.



روزگاری که از ادیسون خبری نبود

«حسن صادقی» از کاربری یخچال کاهگلی ترش‌نبه در گذشته صحبت می‌کند و می‌گوید: «در آن دوران از برق و امکاناتی مثل یخچال خبری نبود. مردم مواد غذایی فاسدشدنی و محصولات کشاورزی را در این یخچال طبیعی ذخیره می‌کردند. تابستان‌ها هم یخ‌های به‌جامانده در یخچال ترش‌نبه را با گاری به جاده سلاوه و محدوده یافت‌آباد می‌بردند و می‌فروختند. به این افراد «یخی» می‌گفتند و در بین آنها، «صغر یخی» و «داود یخی» از همه معروف‌تر بودند. در آن روزگار مردم در این یخچال‌ها آب و یخ نیز به مقدار زیاد ذخیره می‌کردند و برای همین می‌توانستند از پس گرمای تابستان بیایند.» در ۵ سال اخیر، شورای روستای ترش‌نبه تلاش زیادی کرده تا این یخچال را به مکان گردشگری تبدیل کند، اما به‌شدت با تغییر کاربری و استفاده اقتصادی از این محل مخالف‌اند. گویا مدتی قبل رزمزه راه‌اندازی سفره‌خانه سنتی در این یخچال تاریخی شنیده می‌شد که اعضای شورای روستا جلو آن را گرفتند، اما همچنان روستاییان نگرانند اینجا به سفره‌خانه سنتی تبدیل و بر هویت تاریخی و فرهنگی آن چوب حراج زده شود. X

... و اما داستان یخ و

یخچال ترش‌نبه

زیر بنای یخچال تاریخی ترش‌نبه، حدود ۲۰۰مترمربع، مساحت کل آن ۴۶۰مترمربع، عمق آن بیش از ۴۰متر و ارتفاع سازه هم حدود ۱۵متر است. این بنا با خشت و گل و به شکل کله‌قند ساخته شده و سقف گنبدی‌اش، عامل خنکی فضای داخلی آن است. یخچال ترش‌نبه در گذشته‌های نه چندان دور، همچنان فعال بوده و یخ مورد نیاز روستاهای اطراف و بخش‌هایی از تهران را تأمین می‌کرده است. آب حوضچه کوچک داخل یخچال هم از طریق قنات تأمین می‌شده، اما این قنات امروز خشک شده و یخچال ترش‌نبه هم دیگر استفاده‌ای ندارد. به گفته قدیمی‌های روستا، در این یخچال کاهگلی، استخر آب بسیار کوچکی قرار داشته که آب از یک راه بسیار باریک به آن وارد و به یخ تبدیل می‌شده است.

چند روایت معتبر درباره مسجدهای کوچکی که از دیرباز در محدوده شمیران ساخته شده‌اند

خانه‌های کوچک خدا

را حله عبدالحسینی

در کوچه‌پسکوه‌های شمیران که قدم بزینم مسجدهای بسیار کوچکی می‌بینیم که وسعتشان به بیش از ۱۰ مترمربع هم نمی‌رسد و به اندازه یک اتاق کوچک است. چراغ برخی از این مساجد از دیرباز روشن است. ساخت این مسجدهای کوچک روایت‌های جالبی دارد که با هم می‌خوانیم.

آسیاب محله و مسجد عتیق

نمی‌شود حرفی از گذشته‌های شمیران باشد و نامی از محله حصار بوعلی برده نشود. مسجد کوچکی در خیابان سعیدی، خیابان شهید عسگریان با نام مسجد «عتیق» هست. «مجید ناطقیان» یکی از قدیمی‌های محله قدمت این مسجد را به سال‌های دور نسبت می‌دهد و می‌گوید: «مساحت مسجد حدود ۴۰ مترمربع و کوچک‌ترین

مسجد محله است. آسیاب محله حصار بوعلی اینجا بود. مردم گندم را برای آسیاب کردن می‌آوردند و باید منتظر می‌ماندند تا کارشان تمام شود. این مسجد کوچک به همت مرحوم حاج صادق عسگریان و جمعی از اهالی بنا شد تا افرادی که برای آسیاب گندم به اینجا می‌آیند و منتظرند، جایی برای نماز خواندن داشته باشند.» مسجد که زیر نظر آیت‌الله «محمدتقی حکیم»، امام جماعت مسجد جامع حصار بوعلی اداره می‌شود، ۱۵ سال پیش بازسازی شد.



مسجد کوچک محله تجریش در کوچه زغالی‌ها

شمیران بود و ۳۳ پارچه‌آبادی؛ روزگاری که ساختمان‌ها هنوز از دل خاک سر بلند نکرده بودند. یکی از مسجدهای کوچک در پیچ و خم پسکوه‌های محله تجریش و کوچه زغالی‌ها از یک قرن پیش از امروز به یادگار مانده. مسجد کوچک «حضرت رقیه(س)» نه گنبد و گلدسته‌ای دارد و نه وضوخانه. اما جایی است برای صفای دل و لحظاتی حمد و ثنای پروردگار. مسجدی در همسایگی امامزاده صالح(ع) و مسجد «اعظم تجریش» که تا قبل از روزگار کرونا در آن برای نمازگزاران باز می‌شد تا بتوانند

نماز خود را بخوانند. مسجدهای کوچک بیشتر به اتاقی شبیه هستند که نمازگزاران دقیقی را به نماز خواندن اختصاص می‌دهند و سپس مسجد را ترک می‌کنند. در حقیقت این مساجد ساخته می‌شدند تا نماز هیچ رهگذری قضا نشود. زمانی که راه‌ها و جاده‌ها هموار نبود، مردم با ساختن این مسجدهای کوچک فرصتی فراهم می‌کردند تا ادای فریضه واجب به تأخیر و تعویق نیفتد. در فاصله ۱۵ متری از این مسجد، حمام عمومی معروف به حمام «دوقلو» بود که ورودی زنانه و مردانه جداگانه داشت.

مسجد کاهگلی آشیخ علی و نماز خواندن رفتگران

مسجد «آشیخ علی» در محله دزاشیب شمیران است. «آشیخ علی شریعتمدار» یکی از ساکنان این محل بود که باغی در شمیران داشت. اتاقی در باغش ساخت تا کاسبان محل برای نماز خواندن دور هم جمع شوند و اسمش شد مسجد. اهالی می‌دانستند وقت اذان در آن قسمت از باغ می‌توانند آشیخ علی را ببینند. او مجتهد بود و هر روز شمار زیادی از اهالی نمازشان را به او اقتدا می‌کردند. اقامه نماز جماعت در باغ آشیخ علی ادامه داشت تا اینکه او قسمتی از زمین باغ را برای ساخت مسجد وقف کرد. کل مسجد مساحت ۳ در ۲ و نیم‌متر را دربرمی‌گیرد. بازسازی مسجد سال ۱۳۷۲ انجام شد. این مسجد به مسجد «رفتگران» نیز معروف است. رفتگران قبل از شروع ماه محرم به مسجد آشیخ علی می‌آمدند و اینجا روضه می‌خواندند.



به یادگار ماندن باقیات الصالحات

نامگذاری مساجد محله برای خودش راه و روشی داشت که از زبان «نصرالله حدادی» پژوهشگر تاریخ تهران و نویسنده کتاب «با من به طهران بیایید» این‌گونه می‌خوانیم: «تا پایان دوره پهلوی اول هیچ مسجدی نداریم که به نام ائمه(ع) باشد. معمولاً نام‌بانی مسجد یا اسم قوم و قبیله‌بانی روی مسجد گذاشته می‌شد. مثل مسجد ترک‌ها. مردم دوست داشتند این نام نیک از آنها باقی بماند و باقیات الصالحاتی برای خود داشته باشند. با بنا کردن این مساجد کوچک، افرادی هم طبقه یا هم صنف بانی مسجد دور هم جمع می‌شدند. بانی این مساجد کوچک دنبال این بودند که نام نیکی از خود به یادگار بگذارند.»



مسجد امام حسن عسکری(ع)

پشت حسینی‌ها نیاروان مسجد کوچکی به وسعت ۲۴ مترمربع قرار گرفته که عمری طولانی دارد. «محمدهادی پشتکوهی» از اهالی قدیمی محله نیاروان می‌گوید: «مسجد امام حسن عسکری(ع) قدمت زیادی دارد و از مسجد جامع نیاروان قدیمی‌تر است.» مسجدالزهر(س) و مسجد التبی(ص) در جمال‌آباد نیاروان هم از مساجد کوچک و قدیمی محله هستند که مساحتی حدود ۱۲ مترمربع دارند. پشتکوهی ادامه می‌دهد: «جمعیت محله خیلی اندک بود و به فواصل، این مساجد کوچک به همت خیران ساخته می‌شد تا نمازی قضا نشود.»

مسجد کشاورزان

مسجد کوچک دیگری که در محله دزاشیب شمیران بود، مسجد «عمو رضون» است که به آن مسجد «زارعین» هم می‌گفتند. به گفته یکی از همین اهالی قدیمی فردی به نام «حسن رضانی» در ملک خود مسجد کوچکی ساخت که به مسجد عمو رضون معروف شد. صحبت از روزگاری است که دزاشیب، قرن پیش و در دوره ناصری، این‌س مسجد کوچک به اندازه ۱۰ نمازگزار گنجایش دارد. عمو رضون مصالح فروش بود. اینجا را ساخت تا کشاورزان و رعایا هنگام نماز دست از کار بکشند و نماز بخوانند. نمازگزاران با آب قنات‌هایی که گندمزارها را آبیاری می‌کرد وضو می‌گرفتند. بعدها شیر آبی بیرون مسجد نصب شد. مسجد در خیابان شهید کریمی، خیابان سلیمی واقع است و تا قبل از روزگار پاندمی کرونا در مسجد عمو رضون هر شب باز بود.

یادگار مرحوم حاج عزیز آقایی

در محله دزاشیب مسجد «حاج عزیز آقایی» جزو مسجدهای کوچک به شمار می‌رود. «سیدمحمد سادات حیات شاهی» از اهالی قدیمی محله دزاشیب از مرحوم حاج عزیز آقایی این‌گونه یاد می‌کند: «حاج عزیز حدود ۸ مترمربع از ملک و مغازه‌اش را در زمان حکومت پهلوی به مسجد اختصاص داد. وقف نبود و صیغه مسجد هم خوانده نشده بود. کاسبان محله ظهر و شب به این مسجد می‌آمدند و نماز می‌خواندند.» حالا ۲۴ ده‌های می‌شود که حاج عزیز به رحمت خدا رفته است. حاج عزیز پدر شهید «مجتبی آقایی» و مرد نیکوکاری بود. در اتاق کوچک مسجد شیر آبی هم گذاشته بود تا نمازگزاران بتوانند وضو بگیرند. هر چند حاج عزیز در میان ما نیست اما یادگاری که باقی گذاشته هنوز هست تا کاسبان دور هم جمع شوند و نمازی بخوانند.

مساجدی برای در راه ماندگان

بنا شدن مساجد کوچک فقط مختص شمیران نیست. در محله‌های قدیمی تهران هر جا که سر بگردانیم، بی‌تردید نشانی از مسجدهای کوچک می‌بینیم. عبادتگاه‌هایی که با نیت خیر و به‌عنوان باقیات صالحات ساخته شدند و در نهایت به تعداد انگشتان دست‌ها گنجایش حضور نمازگزاران داشتند. در میدان اصلی هر محله معمولاً بازار، حمام و مسجد بنا می‌شد. اما برخی از اهالی یا کاسبان کنار خانه یا دکان خود، محلی را برای نماز خواندن رهگذران اختصاص می‌دادند و مسجدی کوچک بنا می‌شد. این بنا شکل مسجد را نداشت و در درازمدت به نام مسجد خوانده می‌شد. گاهی حتی صیغه مسجد هم برای آن خوانده نمی‌شد. اما مردم آن محل را برای اقامه نماز و به نام مسجد می‌شناختند. در این مساجد در تمام طول

مسجد حضرت رقیه(س)

مسجدی کوچک در ابتدای کوچه پونه یکم در خیابان اشرفی اصفهانی به چشم می‌خورد که ۴ قرن از عمر آن می‌گذرد. مسجد حضرت رقیه(س) در دل روستای پونک به دست بانوان اداره می‌شود. چون یکی از بانوان مؤمن و خیر پونکی بانی روشن نگهداشتن چراغ این مسجد شد. زمانی که روستای پونک به ۲ بخش محله پایین و محله بالا تقسیم می‌شد، ابتدا مسجد حضرت رقیه(س) در محله پایین و سال‌ها بعد مسجد حضرت ابوالفضل(ع) در محله بالا (کوچه پونه هفتم کنونی) به کمک اهالی ساخته شد. هر چند امروزه راه زیادی بین این دو مسجد نیست اما در گذشته‌های دور، بارش برف و باران‌های سنگین باعث شده بود تا هم در پایین محله مسجد ساخته شود و هم بالای محله. مرحوم رضانعلی در پایین محله یک قطعه زمین بزرگ داشت. سمت راست زمین را به پسرش، محمدحسن و سمت چپ را به محمدحسین داده بود. بین این دو تکه هم در زمین کوچکی مسجدی ساخته شده بود که مسجد حضرت رقیه(س) نام گرفت. مساحت زمین مسجد حدود ۲۰ مترمربع و وقف است. مسجد حضرت رقیه(س) سقفی با تیر چوبی دارد که از بیرون مسجد کاملاً مشخص است.



آستان امامزاده
عبدالله(ع)
روستای همه‌سین
قدمت دیرینه
دارد



سلام به تو ای نواده زین العابدین(ع)

پروانه بهرام‌نژاد

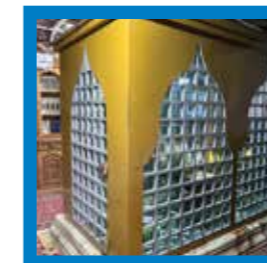
گنبد طلایی بر بلندای
تپه‌ای می‌درخشد که

برف محوطه‌اش را سفیدپوش
کرده و همه جا داربست، نصب و
دور تادور صحن هم با فرش احاطه
شده است. همه چیز موقتی و بنای
اطراف مقبره در حال ساخت‌وساز
و تکمیل است. با این حال زائران با
گام‌های آهسته، خود را به صحن
در حال بهسازی و جدید
امامزاده(ع) می‌رسانند. یکی
زیارت‌نامه می‌خواند و دیگری
دست ادب بر سینه گذاشته و
ارادت خود را اعلام می‌دارد. اینجا
آستان مقدس امامزاده عبدالله بن
زین‌العابدین(ع) در روستای
«همه‌سین» و محدوده شرق تهران
و از نوادگان ائمه معصوم(ع) است
که قدمت دیرینه دارد.

امام‌زین‌العابدین(ع) می‌رسد. «سید
مرتضی موسوی» متولی امامزاده
عبدالله(ع) که از اواخر دهه ۹۰
تولیت این مجموعه را برعهده دارد
در این باره بیشتر توضیح می‌دهد:
«تا قبل از دهه ۹۰ و حضور ما
در اینجا مردم فکر می‌کردند
امامزاده از نوادگان امام موسی
بن جعفر(ع) مدفونند، اما بعد از
پیگیری و بررسی‌های انجام شده
و تهیه شجره‌نامه توسط دفتر
آیت‌الله مرعشی نجفی، مشخص
شد این امامزاده از نوادگان امام
زین‌العابدین(ع) است که با ۸
واسطه به ایشان می‌رسد. البته
هنوز هم برخی از قدیمی‌های محله
معتقدند امامزاده اینجا آرمیداند
و بر سر اعتقادشان هم هستند.»

محل دفن ۲ معصوم
یا یک امامزاده؟

در چند کیلومتری شرق
پایتخت و بعد از بوستان جنگلی
سرخه‌حصار پس از گذر ۷
کیلومتری بزرگراه شهید یاسینی
و جاده منتهی به روستاهای
همه‌سین و هاجرآباد، از سمت
راست جاده تابلوی امامزاده
نمایش می‌شود. امامزاده‌ای که
بر اساس آنچه قدیمی‌های روستا
درباره‌اش گفته‌اند، نسبت به امام
زین‌العابدین(ع) می‌رسد. برای
مشخص شدن این موضوع سال‌ها
قبل، گروهی از اهالی راهی قم
شدند تا حقیقت را بیابند. تا اینکه
بعد از چند ماه تحقیق مشخص
شد پیشینه امامزاده عبدالله(ع) به



نوری که می‌درخشد

در باره چگونگی پیدایش مقبره
امامزاده عبدالله بن زین‌العابدین(ع)
توسط مردم روایت متنوع است
اما براساس آنچه حجت‌الاسلام
«علی‌اکبر خراسانی» امام جماعت
و از قدیمی‌های روستای همه‌سین
در این باره گفته است، ماجرا ۲ روایت
دارد: «بعضی می‌گویند در ابتدا اینجا
فقط یک مقبره بوده و از قرار معلوم
خانواده‌ای هم آنجا زندگی می‌کردند
تا اینکه مادر خانواده در خواب سید
جلیل‌القدری را می‌بیند. سید به
زن می‌گوید که من از اولاد رسول
خدا(ص) هستم و در اینجا دفن
شده‌ام. زن اعتنا نمی‌کند. اما پس
از چندبار که این خواب را می‌بیند
با خود می‌گوید چوب نیم‌سوخته‌ای
را در خاک می‌کنم، اگر سبب شد
خوابم راست است. ظاهراً هم این
اتفاق افتاده و چوب نیم‌سوخته
سبز شده‌است.» در روایت دیگری
بعضی می‌گویند به‌طور مداوم نوری
را دور قبر می‌دیدند و بعد از پیگیری
متوجه شدند اینجا مزار یک امامزاده
است.

از ضریح چوبی تا
نقره‌کاری اصفهانی‌ها

به گفته قدیمی‌های روستا، بقعه
امامزاده تا دهه ۸۰ خشتی و کوچک
بوده و مدتی بعد ضریح فلزی شده و
حالا با اجرای یک فعالیت عمرانی،
صحن وسرا در حال توسعه است.
متولی امامزاده در این باره می‌گوید:
«تا سال نو این طرح تکمیل می‌شود.
اکنون گچکاری سقف، گنبد و زیر
آن تکمیل شده است. همچنین
دورنویسی سوره قرآن زیرنمای
داخلی گنبد هم پایان یافته و
گچبری داخل دیوار دور ضریح هم
در حال انجام است. برنامه ما این
است که تا شب عید عملیات عمرانی
دور ضریح را تمام کنیم. البته کارهای
عمرانی بخش‌هایی مثل شیبستان
زمانبر و هزینه‌بردار است که خیران
می‌توانند در این زمینه مشارکت
کنند. همچنین ضریح جدید امامزاده
هم در اصفهان به صوت بزرگ‌تر و
نقره‌کاری و طلاکاری شده در حال
ساخت است.»

همت خیران

سمت چپ بر روی امامزاده
عبدالله(ع) نام واقف حاجیه خانم
«صرت شیرمحمدی» نوشته شده
و اهالی زحمات او را برای توسعه
این بارگاه به یاد دارند و به تأکید
آنها او برای رونق محدوده زحمت
بسیار کشیده است. متولی امامزاده
می‌گوید: «بانو شیرمحمدی تابلوی
امامزاده را وقف کرده که جنس
آن هم از نئون است، اما محوطه
زمین امامزاده متعلق به روستاست
که توسط تولیت و به کمک خیران
خریداری شده است. در وضعیت
شیوع ویروس کرونا، زائران هر روز
می‌توانند ساعت ۹ صبح تا بعد از
نماز مغرب و عشا برای زیارت به
اینجا مراجعه کنند.»



بارگاهی در دل
روستای همه‌سین

روستای همه‌سین در محدوده حریم شهرداری منطقه
۱۳ و همسایگی بوستان جنگلی سرخه‌حصار واقع شده است.
سابقه سکونت در این روستا به بیش از ۳۰۰ سال قبل برمی‌گردد.
اما روند توسعه و ساخت‌وساز جدید در این محدوده حدود دهه
۱۳۶۰ اوج گرفته است. روستای همه‌سین که خیلی‌ها آن را
به نام «دهترکمن» یا «ترکمن‌ده» نیز می‌شناسند، شامل
روستاهای کوچک‌تری مانند «یان چشمه»، «چمن‌آب»
و «بیدک» است و بر اساس نخستین سرشماری
که سال ۱۳۹۵ انجام شده، قریب به هزار
و ۲۰۰ نفر و ۴۰۰ خانوار دارد.

نیازمندی‌های همشهری

کاری، باری همشهری؟!

...

املاک

اتومبیل

استخدام

دسترسی آسان به
معتبرترین نیازمندی‌های ایران

با سایت و اپلیکیشن نیازمندی‌ها

www.rahnama.com



برای سفارشی آگهی در همشهری محله و راهنمای همشهری با شماره های ذیل تماس بگیرید

www.Rahnama.com
غرب

۶۶۸۶۷۹۶۴	آزادی
۴۴۰۷۴۰۳۳	آیت ... کاشانی
۴۴۰۵۱۳۱۷	بلوار فردوس
۴۴۴۳۵۷۲۷	یونک
۶۶۹۴۰۵۳۸	توحید
۴۴۵۶۱۳۳۳	تهرانسر
۴۴۱۴۶۶۳۳	دهکده المپیک
۸۸۲۶۵۵۵۳	جلال آل احمد
۴۴۴۷۲۷۱۲	جنت آباد
۴۴۲۱۶۶۸۹	ستارخان
۸۸۶۹۶۰۱۰	سعادت آباد
۴۴۳۳۵۹۶۶	شهران
۴۴۶۶۵۹۶۹	شهرک اکباتان
۸۸۳۷۲۹۷۱	شهرک غرب
۴۴۰۷۹۰۰۵	مادقیه
۲۲۰۶۱۸۷۷	فرزاد
۴۴۳۳۵۹۶۵	فلکه اول شهران
۴۴۰۷۹۰۰۶	فلکه دوم مادقیه
۴۴۱۴۶۶۳۰	میدان المپیک
۶۶۴۳۰۹۰۳	نواب
۶۶۳۷۹۱۵۱	هاشمی

دفاتر بازاریابی نیازمندیها

۴۴۰۰۶۵۶۹	اشرفی اصفهانی
۸۸۵۰۵۰۱۱	اندیشه
۸۸۰۵۷۳۶۰	جهان آرا
۸۸۱۷۷۵۳۶	چهارراه قصر
۶۶۴۰۰۸۸۳	چهارراه ولیعصر
۸۸۹۳۳۷۰۰	سهروردی جنوبی
۵۵۵۸۵۴۹۲	شهید مفتح
۸۸۸۰۶۱۴۲	کریمخان
۴۴۲۷۶۰۹۱	مرزداران
۸۸۴۵۰۸۰۵	معلم

تلفن دفاتر قبول آگهی

دفتر مرکزی پذیرش ۸۸۳۱۱۹۱۹

شمال			
۲۲۸۴۷۳۲۶	قاهک	۲۲۰۲۰۳۵۰	پارک ولی
۲۲۹۸۴۳۸۸	لویزان	۲۲۸۵۱۱۰۰	پاسداریان
۸۸۰۳۲۷۷۱	طلامدرا	۲۲۲۱۸۸۱۲	تجریش
۲۶۴۰۴۲۲۹	میرداماد	۲۲۶۱۴۲۴۳	دولت
۸۸۷۷۹۹۶۱	ونک	۲۲۸۵۲۶۰۰	شریعتی شمال
مرکز			
۶۶۴۳۴۹۵۹	فاطمی	۸۸۷۴۳۹۹۰	سهروردی
۶۶۷۱۱۷۱۷	فردوسی (۱)	۸۸۷۵۶۶۶۱	سهروردی شمالی
۶۶۷۱۳۴۸۴	فردوسی (۲)	۲۲۸۴۸۱۹۱	سید خندان
۶۶۷۰۱۴۱۵	لاله زار نو	۸۸۴۳۵۷۶۹	شریعتی
۷۷۵۲۶۰۴۴	میدان سیاه	۸۸۷۵۵۳۳۰	شهید بهشتی
۸۸۹۶۳۳۸۵	میدان ولیعصر	۸۸۹۰۳۵۵۶	شهید مطهری
۸۸۸۴۴۰۶۵	هفت تیر	۸۸۸۰۲۵۶۴	ظالقانی
۸۸۰۶۳۷۵۴	یوسف آباد		
حومه تهران			
۶۵۲۶۶۳۷۶	شهریار	۵۶۷۹۱۴۷۳	شهر برند
۰۲۶۳۲۲۳۴۰۲۳	کرج	۷۶۳۴۵۶۰۴	شهر پردیس
۲۶۵۵۱۴۹۰	لوسانات	۴۶۸۵۷۱۲۳	شهر قدس
۳۶۲۷۸۵۴۵	ورامین		

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹
شبانہ روزی

niazmandiha.official

شرق

۳۳۸۰۸۰۶۹	افسریه
۷۷۲۹۸۴۵۱	بلوار پروین
۳۳۷۹۳۰۲۳	پیروزی
۷۷۸۸۸۷۷۷	تهرانپارس
۷۷۹۰۲۶۴۶	تهران نو
۷۷۳۰۷۸۳۰	حکیمیه
۳۳۸۳۹۲۰۲	خاوران
۳۳۸۰۸۸۸۴	سه راه افسریه
۲۲۵۳۲۴۴۷	رسالت
۷۷۲۰۷۹۳۹	فرجام
۷۷۳۷۱۷۰۰	قنات کوثر
۲۲۵۰۱۸۷۹	مجیدیه
۷۷۵۰۰۵۸۳	میدان امام حسین
۷۷۹۴۴۴۴۷	نارمک
۳۳۶۹۶۰۶۰	نبرد
۷۷۸۴۴۰۱۴	نظام آباد
۷۷۹۸۰۹۷۰	نیروی هوایی

جنوب

۵۵۳۷۵۰۴۱	امیریه
۳۳۵۲۲۱۸۶	خراسان
۵۵۰۵۵۰۱۰	خرانه بخاراین
۳۳۷۶۷۵۱۶	دولت آباد
۵۵۷۳۳۴۳۵	سه راه آذری
۵۵۰۵۰۴۴۴	شوش
۵۵۶۵۱۲۶۹	شهرری
۵۵۸۶۳۲۶۲	عبدل آباد
۵۵۶۵۱۰۲۴	کارگر جنوبی
۵۵۸۱۷۴۰۸	مولوی
۶۶۲۸۷۶۱۹	مهرآباد
۵۵۰۷۹۴۰۰	نازی آباد
۵۵۸۱۵۵۰۲	وحدت اسلامی
۶۶۶۲۱۹۰۱	یافت آباد
۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹	بهشت زهرا